

# نبرد خلق

شماره ۳۲۰  
دوره چهارم سال بیست و هشتم  
اول اسفند ۱۳۹۰

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی ...

## خبری که خامنه ای آن را سانسور می کند؛ بحران در تار و پود نظام

مهدی سامع

در صفحه ۲

### \* پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

\* به مناسبت چهل و یکمین سالگرد  
حماسه و رستاخیز سیاهکل

\* گزارش دبیرخانه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

\* پیام جمعی از دانشجویان کمونیست

\* پیام یکی از جوانان مبارز

\* پیام جمعی از فعالان سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران در داخل

\* پیام دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له

زحمتکشان کردستان به مراسم چهل و

یکمین سالگرد حماسه سیاهکل

همایش چهل و یکمین سالگرد رستاخیز

سیاهکل در مونیخ-آلمان

از صفحه ۵ تا ۱۱

نامه شماری از روشنفکران و هنرمندان

ایرانی خطاب به آقای بانکی مون

در صفحه ۲۴

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۱۹

سرمقاله .....

## پایان کار راست سنتی، ژرفش بحران اتوریته خامنه ای

منصور امان

در صفحه ۳

\*\*\*

آب - باری بر دوش زنان، حقوق بشر و  
سود شرکتهای (بخش پایانی)

نویسنده: زحل ایشیلیورت گوندوز ( Zuhal  
Yeşilyurt Gündüz)

منبع: ماتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

\*\*\*

برخی از مهمترین حرکتهای اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۰

در صفحه ۱۷

چالشهای معلمان در ماه بهمن

فرنگیس بایقره

در صفحه ۱۸

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم

استبداد(۲)

شهره صابری

در صفحه ۲۱

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

در صفحه ۲۲

بهار پیروز در راه است.

هوشنگ بهار

در صفحه ۲۳



اثر هنرمند برجسته، آقای رضا اولیا

به مناسبت چهل و یکمین سالگرد

رستاخیز و حماسه سیاهکل

\*\*\*

## تاثیرات بهار عرب بر جنبش

### اجتماعی مردم ایران

سخنان زینت میرهائومی در همایش

سیاهکل در آمستردام (هلند)

در صفحه ۹

\*\*\*

## بهمن تجلی اراده مردم

### سخنان جعفر پویه

در همایش سیاهکل در مونیخ (آلمان)

در صفحه ۱۲

\*\*\*

در سوک

مادر عالم تاج کلانتری نظری

در صفحه ۱۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## یادداشت سیاسی .....

## خبری که خامنه ای آن را سانسور می کند؛ بحران در تار و پود نظام

مهدی سامع

می کنند این حقیقت را کتمان کند که حکام ایران کشور را ویران کرده اند. در کشوری که از سال ۱۳۸۴ و با برآمد احمدی نژاد اندوختگی از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۳۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده، افزایش نرخ تورم و سقوط ارزش ریال یک امر محتوم است که با بگیر و ببند نمی توان آن را مهار کرد. احمدی نژاد یکی از مجریان سیاست راهبردی خامنه ای که به «اصول گرایی» و یا «ریل گذاری جدید» نامیده می شود، است. این سیاست راهبردی خامنه ای است که فاجعه وجود جمهوری اسلامی را اکنون بیش از پیش برجسته کرده و اکثریت مردم با گوشت و پوست خود آن را لمس می کنند.

حیدر مصلحی بیهوده کوشش می کند تا این فاجعه را به «جنگ نرم» دشمنان مربوط کند. او می گوید: «جنگ نرم، آرام و بی سر و صدا و بدون احساس جنگ علیه جبهه خودی است، پایدار است، هدفهای متعددی دارد و در واقع یک هدف ندارد، سیال و ژله ای است، مخاطب ساز است و آسیب آفرین، تضاد آفرین و یاس آفرین است.» دشمنان مردم «در کنار خانه مسئولان لانه» نکرده اند و این خود مسئولان نظام و در راس آن ولی فقیه نظام است که دشمن مردم است. مردم در روز ۲۵ بهمن، این دشمن را با تجهیزات اش در شهرهای بزرگ ایران دیدند. خامنه ای می خواهد با تقلب آن چه در ایران می گذرد را پنهان کند. اما لشگر کشی روز ۲۵ بهمن در خیابانهای فقط شهر تهران نشان داد که درآمد کشور چگونه هزینه می شود. وقتی در تهران میدان فردوسی تا میدان انقلاب، تقاطع خیابان انقلاب و جمنازاده، اطراف میدان آزادی، میدان و خیابان ولی عصر، هفت حوض نارمک، میدان امام حسین، خیابانهای اطراف دانشگاه تهران، خیابان کارگرشمالی، خیابان فتحی شقاقی، ستارخان، خیابان شیراز، تخت طاووس و میدان ونک، چهار راه کالج، خیابان اسکندری، خوش شمالی، شهرک اکیاتان، خیابان شریعتی، سه راه نواب، هفت حوض، جمال زاده، شهرآرا، وحیدیه، تسلیحات، دماوند، میدان تجریش و پارک وی در حالت جنگ غیر نرم قرار داشت، صحبت از جنگ نرم علیه نظام به وسیله دشمنان خارجی، فقط یک شیادی است. این خبری است که هرکسی آن را بیان کند متهم به داشتن «مغز الکلی و آفت دیده» می شود.

بقیه در صفحه ۴

نتیجه بگیریم که «خودپها» که «میلیاردها» اندوختگی دارند یا دچار حماقت شده و پول خود را بر باد داده اند و یا از جمله افرادی هستند که وزیر امرش آنان را «خواص بی بصیرت، مطرود، فرصت طلب، مصلحت اندیش، منحط اخلاقی، دنیاگرا، ترسو، فاقد شجاعت، مردود و ...» می نامد که از طریق آنها، بازم به گفته حیدر مصلحی «دشمن در کنار خانه مسئولان لانه» کرده است.

وزیر اطلاعات در ادامه می گوید: «یک آقای مصاحبه می کند و صحبت از قحطی در کشور می کند و وقتی که می گویم مستند این حرفت چه بوده و دلایلتان را بگوئید، می گوید که نمی دانم چه شد این را گفتم و وقتی یک ذره ناخن می زنیم می بینیم که دشمنان با واسطه های مختلف سعی می کنند این گونه القانات را داشته باشند. اطرافیان باید مراقب باشند زیرا دشمنان

است که همزمان با فرستادن حکم اعدام سعید ملک پور به دایره اجرای احکام این خبر هم منتشر شد که خامنه ای به اعضای مجلس فرمایشی خبرگان گفته است که غر و لند و شکوه و شکایت شما را تحمل نمی کنم. این دو پدیده از جمله اخباری است که تجزیه و تحلیل آن را کار «مغزهای الکلی و آفت دیده» می داند. این همان سیاست «النصر به الرعب» است که ولی فقیه آن را ضامن امنیت ولایت اش می داند. به همین منظور است که یکی از سرکردگان سپاه مدعی می شود که: «جمهوری اسلامی ایران از نعمت حکیم ترین و برترین رهبری در دنیای معاصر برخوردار است.» این حرف رمضان شریف، مسئول روابط عمومی کل سپاه پاسداران است که روز چهارشنبه ۲۶ بهمن در همایش «بصیرت سایبری» مطرح کرد و سایت سپاه در استان فارس آن را منتشر کرده است.

بر خلاف ادعاهای ولی فقیه نظام، یک بحران عمیق و گسترده سراسر حاکمیت و جامعه را فراگرفته است. این بحران را خامنه ای نمی تواند با اتکا به «قانون» مهار کند. او مجبور است برای امنیت ولایت اش از شیوه های «غیر قانونی» استفاده کند.

طراحیهای جدیدی در این گونه مباحث دارند. دیدیم یک آدم خودی این حرف را زد.»

این آقای که مصاحبه می کند اسد الله عسگر اولادی، رییس اتاق بازرگانی ایران و چین است که مصاحبه اش در خبرگزاری حکومتی کانون دانش آموزی «پانا» منتشر شده است. وی از سرمایه داران شریک در قدرت است که در عمر جمهوری اسلامی همواره و به طور کامل در خدمت رژیم بوده است. اکنون این کارگزار همیشه در خدمت رژیم از طرف وزارت اطلاعات «یک ذره ناخن» زنی می شود و معلوم می شود که «دشمنان با واسطه های مختلف سعی می کنند این گونه القانات را داشته باشند.» عسگر اولادی حرف خود را تکذیب نکرده و فقط بنا بر آن چه مصلحی می گوید، او نمی داند چرا این حرف را زده است. رییس اتاق بازرگانی ایران و چین با بیان این که تورم دی ماه با وجود نوسانات نرخ ارز ۴۰ درصد است، اعلام کرده که: «با واردات دلار ۱۶۰۰ تومانی و وضعیت فعلی تولید تا ۶ ماه دیگر در کشور قحطی داریم.»

حرف عسگر اولادی یک حرف اقتصادی است و حیدر مصلحی نمی تواند با بیان این که دشمنان «شوک کاذب» ایجاد

خبر دوم: خامنه ای در سخنرانی روز جمعه ۱۴ بهمن از پیشرفتهای جمهوری اسلامی بسیار گفت بدون آن که به فقر و فلاکت مردم و فروپاشی اقتصاد کشور بپردازد. اما وزیر اطلاعات حیدر مصلحی، در روز پنجشنبه ۲۸ بهمن، طی یک سخنرانی که سایت مشرق، از جبهه پایداری انقلاب اسلامی آن را منتشر کرد، فاجعه تلاشی اقتصاد را به «تلاشهای دشمنان» مربوط می داند و می گوید: «آنها برنامه ریزیهایی در این ارتباط انجام داده اند که از جمله مهم ترین آنها می توان به تلاش برای بر هم ریختن تعادل جامعه با ایجاد شوکهای کاذب به خصوص در زمینه اقتصادی، از جمله در زمینه ارز و سکه اشاره کرد که با کمال تأسف برخی از خودپها نیز در این مقوله دچار چالش و اشتباه شدند و رفتند میلیاردی سکه خریدند و تحت تاثیر این القاء قرار گرفتند و بعضی از خودپها با بی توجهی به این موضوع دامن زدند.»

تا این جا معلوم شد که از نظر وزیر اطلاعات رژیم، بحران ارز و سکه یک «شوک کاذب» بوده که برخی از «خودپها» را به سمت خرید «میلیاردی» سکه سوق داده است. اگر این حرف حیدر مصلحی را بپذیریم باید

ولی فقیه نظام در نماز جمعه روز ۱۴ بهمن در مورد شرایطی که ولایت اش در آن قرار دارد و نقشه هایی که برای بقای استبداد دینی طراحی کرده، تصویر نسبتاً روشنی ارائه داد و منجمله گفت: «نباید القاء بحران کرد. سعی می کنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟»

سید علی خامنه ای در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن، با یک نعل وارونه در مورد تظاهرات شکست خورده حکومتی در روز ۲۲ بهمن گفت: «آنها می گویند که در مغزهای الکلی و آفت دیده خود خیالاتی در سر می پروراندند، متوجه شدند که در ایران چه خبر است.»

به راستی در ایران چه خبر است و کدام بحران موجودیت ولایت خامنه ای را به لرزه انداخته است؟ برای پی بردن به این که در ایران چه خبر است و کدام بحران موجودیت رژیم را تهدید می کند به بررسی چند خبر می پردازم.

خبر اول: سعید ملک پور، به جرم طراحی برنامه اینترنتی در آستانه اعدام قرار دارد. اگر همه اتهاماتی که به وی نسبت داده شده را درست فرض کنیم، که البته درست نیست و از حکومت دروغ و جهل حرف راست شنیدن بعید است، این جوان ایرانی موفق به طراحی یک برنامه برای سایتهای سبکی شده است. آیا صدور حکم اعدام برای سعید ملک پور نشاندهنده قوانین قرون وسطایی حکومت نیست؟ رژیم می که خود مروج فحشا و اعتیاد است، حکومتی که آقاها و آقازاده هایش به عیاشی، چپاول و جنایت مشهور عام و خاص است، به چه منظور می خواهد این جوان با استعداد ایرانی را اعدام کند؟ جلال مقیسه که نقش قاضی در شعبه ۲۸ بیدادگاه انقلاب اسلامی را به عهده دارد، او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام از طریق طراحی سایتهای مستهجن، توهین به مقدسات، توهین به رهبری» به اعدام محکوم کرده است. دُم خروس از زیر عبای این جنایتکار بیرون می زند. اتهامی که با چاشنی «طراحی سایتهای مستهجن» باب طبع ارادل و اوباش مدافع علی خامنه ای می شود، «توهین به رهبری» است. سعید ملک پور را می خواهند قربانی کنند تا به جوانان ایرانی پیام دهند که به رهبر نظام و مرجع خود خوانده شیعیان جهان نباید توهین کرد. می خواهند به جوانان ایران پیام دهند که خامنه ای مقدس است و توهین به او «مفسد فی الارض» تلقی می شود و حکم آن اعدام است. نکته جالب این

## سرمقاله .....

## پایان کار راست سنتی، ژرفش بحران اتوریته خامنه ای

منصور امان

پس از برداشتن شکافها و ترکهای متعدد در سر و اندام، سرانجام باند ولایت، اصلی و قدرتمندترین جناح بندی درونی دستگاه قدرت جمهوری اسلامی، با صدایی مهیب و کر کننده مُتلاشی شد. این تحول بُنیادی در ساختار سیاسی "نظام" بسا موفق تر از هر شاهد دیگری، نشان داد که درخت بی کفایتی و کوته بینی جانشین آیت الله خمینی به بار نشست و دامن "نظام" از محصولات مسموم آن در حال انباشته شدن است.

## فرمان تسلیم از فراز سواری رایگان

چند روز پیش از آن که تشکّل انتخاباتی راست سنتی آرایش خود برای کسب کرسیهای مجلس نهم را اعلام کند، رهبر جمهوری اسلامی به گونه غیرمنتظره ای تریبون نمازجمعه را در اختیار گرفت تا ضمن یادآوری "توطیه دشمن در کار انتخابات"، به "بازندگان" بعد از این هشدار دهد که "تسلیم" شوند و "کسی آب به آسیاب دشمن نریزد". با توجه به آنچه که در خلال هفته بعد از این سخنان در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی روی داد و علت تذکرات پیشگیرانه وی را مدلل کرد، می توان نتیجه گرفت که با آقای خامنه ای تحلیل دوراندیشانه ای از موضوع داشته یا این که خود سرنخ ماجرا را در دست دارد و به جیتی که آنها را می کشاند، آگاه است.

از آنجا که دور اندیشیدن در سخن و عمل، قوی ترین ویژگی رهبر جمهوری اسلامی نیست، بنابراین می توان از این نقطه حرکت کرد که او در برابر واکنش شرکایش به افتادن در چاهی که برایشان کنده بود، گارد می گرفت. حدس این که آقایان کنی، عسگراولادی، لاریجانی و باهنر چگونه با خرابکاری "آقا" و همدستانش در "جبهه متحد اصولگرایان" روبرو خواهند شد، به استعداد زیادی نیاز ندارد. راست سنتی، "رهبر" بی بصیرتی که "جریان انحرافی" را با ساز و دُهل به تخت صدارت نشاند بود را روی دوش خود از میدان مین آن کم و بیش بیرون آورد و اینک باید درمی یافت که تمام مدت سواری رایگان داده است.

## نتیجه گیری واژگون از ارزیابی دُرست

بی تردید برای این پایه سیاسی-ایدئولوژیک "نظام"، نجات آقای خامنه ای تابعی از حفظ یک منافع بزرگ تر یعنی، قدرت سیاسی در اصل بوده است.

اگرچه حتی پادوهای "رهبر" هم هنوز موفق نشده اند وابستگی موجودیت نظام ولایت فقیه به ولی فقیه حاضر را اثبات کنند اما برای راست سنتی این سووال آکادمیک ابدا مطرح نیست. آنها پس از مرگ آیت الله خمینی، منافع و سرنوشت خود را با موجودیت جانشین او گره زده اند و بنابراین به صورت عملی با او در یک قایق نشسته اند.

با این حال، آنگونه که به نظر می رسد، ابعاد دغلبازی و ناسیاسی آیت الله خامنه ای حتی از استان تحمل چاکران ثروت و استان بوسان قدرت نیز تجاوز کرده است. آنها بسیار دیر دریافته اند که پروسه رانده شدن شان به حاشیه قدرت که به گونه مشخص از سال ۸۲ و در آن هنگام، به سود گرایش نظامی-امنیتی آغاز گردید، از یک ارزیابی استراتژیک سرچشمه می گیرد که خود محصول جابه جایی طبقاتی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی است. راست سنتی می پنداشت که از هم پاشیده شدن ائتلاف آقای خامنه ای و سواکلیهای نظامی-امنیتی اش از یک سو و ضربه سهمگین جنبش اجتماعی پر موقعیت واقعی و توهم ذهنی او، فرصتی گرانبها برای بازسازی موقعیت آن در هرم قدرت خواهد بود. این یک ارزیابی دُرست از توازن موجود بود که "شوخی" راست سنتی، راهکارهای به کلی واژگون و نادرستی از آن استخراج

پوشی "رهبر" یا وعده و سفته بی محل وی نیاز دارد.

## دست در دست به سوی ذبح

## شرعی خود در مجلس خبرگان

برکناری آقای هاشمی رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان، مستقل از اهمیت سیاسی صرف آن، می تواند به گونه نمادین ژرفای ورشکستگی سیاسی راست سنتی و درماندگی عملی آن از ایفای یک نقش موثر در توازن موجود را نشان دهد. آیت الله ها رفسنجانی و کنی، دو رهبر و وزنه ی اصلی این جناح بندی، دست در دست دیگر و با توافق اعلام شده، نفوذ جناح خود در مجلس خبرگان را به سود منافع آقای خامنه ای در این ارگان کلیدی، به طور مصلحت آمیز ذبح شرعی کردند.

شاید پندار رهبران راست سنتی از این جایه جایی، به وجود آوردن امکان تحرک برای مجلس خبرگان از طریق انسداد زاویه فشاری بود که ریاست آقای رفسنجانی بر آن ایجاد کرده بود. بر این اساس، گرفتن دستاویز مزبور از دست طیف آیت الله خامنه ای، می توانست وزن این ارگان در تعادل قوا را بهبود بخشد و آن را به اهرم موثری در دست این جناح در کشمکشهای آتی و کنترل جاه طلبیهای "رهبر" بدل سازد. این احتمال را افزایش مخالفت شدید آقای خامنه ای با دخالت مجلس

بزرگترین بازنده شکست یکدست سازی، آقای خامنه ای است و همو ست که با هر انشعاب یا جراحی تازه زیر خیمه اش، عمیق تر در بحران اتوریته فرو می رود.

خبرگان در قلمرو خود تقویت می کند. او پس از آخرین نشست مجلس مزبور که دستاورد مهمی چون کنار گذاشته شدن رقیب مزاحم اش از ریاست آن داشته بود، این مخالفت را ابراز داشته است. بی تردید، این یک رویکرد ابتدا به ساکن نبوده و فقط می تواند در واکنش به حرکت راست سنتی برای کشیدن -گویا- وضعیت جدید به رخ وی صورت گرفته باشد.

تاکتیک راست سنتی در جهت گشودن حساب به اعتبار مجلس خبرگان، تنگنای سیاسی آن را بیشتر آشکار ساخت. آنها به ظاهر می بایست بهتر از هر فراکسیون دیگری زیر "خیمه نظام" می دانستند که تجسم این مجلس به عنوان یک وزنه متقابل در برابر آقای خامنه ای، بیشتر از یک ارزیابی خیالی و آرزومندانه از جایگاه و موقعیت واقعی آن نیست. چه، راست سنتی خود پا به پای "رهبر" برای بی اختیار ساختن و آلت دست کردن این ارگان گام برداشته

است. از دادن اختیار گزینش اعضای آن به "رهبر" به واسطه شورای نگهبان تا منحرف کردن آن از وظایف پیش بینی شده و تبدیل به ماشین دیکته نویسی و اجرای تحمیلات و خواسته های ولی مطلقه، همه جا آقایان ملا و مکلاهای راست سنتی فعالانه برای تغییر کاربری مجلس خبرگان دست به کار بوده اند. ژرفای اشتباه محاسبه آنها زمانی قابل اندازه گیری می شود که تصمیم می گیرند از این ارگان برای بهبود موقعیت خود در برابر "رهبر" استفاده کنند و یورش خود را با یک عقب نشینی جانانه و کرنش طولانی در برابر وی آغاز می کنند! جا به جایی آیت الله ها کنی و رفسنجانی، موقعیت ضعیف راست سنتی و مشروط بودن حیات سیاسی آن به کنش و واکنش مستقل "مقام معظم" را بیش از همه برای خود "آقا" آشکار کرد. به پشتوانه این توازن است که راه برای تغییر فرم یافتن آیت الله مهدوی کنی از یک بازیگر فعال سیاسی به "مجسمه" سنگ شده "بود" و سخنگویان راست سنتی به "ساکتین فتنه" هموار گردید.

## یک مجسمه محترم

این تعریفی است که آقای مهدوی کنی از کارکرد و جایگاه کنونی خود ارایه داده است. زمان کوتاهی پس از آن که او در راس یک کارناوال زنگوله دار و باشکوه وارد مائز سیرک انتخابات مجلس نهم شد، می بایست در می یافت که نقش پدرخوانده پیشتر واگذار گردیده و برای او رلی جز "مجسمه بودا" در نظر گرفته نشده است. راست سنتی در حقیقت طعمه ای بود که برای سر گرفتن نمایش جلوی شیر افکنده می شد.

همزمان با آن که راست سنتی "جبهه" خود برای تعیین ترکیب ارگان مجلس را تشکیل داد، به گونه غیر منتظره ای در برابر تشکیل "جبهه" ذوب شدگان ولایت قرار گرفت. این در حالی بود که انتظار داشت یا به توافق رسیده بود که آقای خامنه ای نیت خود را از کانال آنها پیگیری کند و به این منظور بهترین صندلیها را برای فرستادگان و عوامل وی و بیت اش رزرو کرده بود. بدین ترتیب، ظرف سیاسی آن برای شرکت در بازی قدرت، از یک سو با فشار بیرونی از طریق یک نسخه جعلی راست سنتی به نام "جبهه پایداری" روبرو شد و از طرف دیگر زیر هجوم موربانه هایی همچون آقایان ولایتی و

بقیه در صفحه ۴

## تشدید تضاد در هرم قدرت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۳۰ بهمن

هر چقدر به نمایش انتخابات مجلس نزدیک می شویم، تضاد بین باندهای حکومتی شدت بیشتر می گیرد. روند شدت گیری تضادها و عمیق تر شدن شکاف در هرم قدرت، بر عدم موفقیت سیاست یکدست سازی خامنه ای صحنه می گذارد. نقش احمدی نژاد به عنوان مهره گزینشی ولی فقیه، در این شرایط شدت بخشیدن به شکاف بین باندهای حکومتی و چندپاره شدن آن است. این وضعیت رابطه بین طبقات اجتماعی با قدرت حاکمه را هرچه بیشتر تشدید می کند.

گرمای آتش پنهان زیر خاکستر، نه نقطه وحدت حکومتیان بلکه گرم کننده تور جنگ نگاهبانان دلسوز دیکتاتوری ولایت فقیه است.

انتخابات مجلس اگر برای شوریدگان بر جمهوری اسلامی، یک شعبده بازی بی خاصیت است، ولی برای صحنه گردانان نمایش انتخابات، جدالی جدی است. زیرا هر کدام خود را برای پارو زنی کشتی زهوار در رفته حکومت مناسب تر می دانند. این امر را می توان از صحبت‌های خامنه ای که بر «شور انتخابات» تاکید می کند تا مهره های دیگر حکومت دید. صحنه چرخانان بازی این بار حتی جنگجویانی که برای شراکت در قدرت حاضر به بی رنگ کردن هر چه بیشتر دکور اصلاحات خود بودند را هم وارد بازی نکردند. دست یازی سپاه پاسداران بر شریانهای اقتصادی، چنگ اندازی سریع و صریح بر قدرت سیاسی را طلب می کند. سپاه پاسداران با چتر حمایتی ولی فقیه، با شناخت بالا بودن درجه شیب سقوط حکومت، بازیگران را اصلی فرعی کرده و به نفع خود زمان را می خورد. بر همین منظر نمایش انتخاباتی فوق، وسیله ای برای تصفیه سازی است.

آخوند ذوالنور جانشین پیشین نماینده ولی فقیه در سپاه، جریان احمدی نژاد را به تومور سرطانی تشبیه کرده که برای از بین بردن آن نیاز به شیمی درمانی است.

خبرگزاری حکومتی فارس وابسته به سپاه پاسداران، روز جمعه ۲۸ بهمن با درج حرفهای آخوند ذوالنور، غده سرطانی را چنین وصف کرد: «چون این غده به نخاع و مغز چسبیده عمل جراحی آن خطرناک است و باید شیمی درمانی شود».

همچنین رسانه های حکومتی روز شنبه ۲۹ بهمن اعلام کردند که آقای محمدی معاون نظارت و هماهنگی بر سیاستهای اقتصادی احمدی نژاد استعفا داده است. بر اساس این خبر این کناره گیری به دستور خامنه ای صورت گرفته است.

## خبری که خامنه ای آن را سانسور می کند؛ بحران در تار و پود نظام

خامنه ای

بقیه از صفحه ۳

## پایان کار راست سنتی، ژرفش بحران اتوریته خامنه ای

وزرا پیش من آمدند و گفتند که اگر رهبری ناراضی هستند، ما فهرست نمی‌دهیم. آقا گفتند معاونان بمانند، وزرا نباشند. چون وزرا از مجلس رای می‌گیرند نباید خودشان بیایند که مجلس بسازند. حتی گفتند شهردار تهران هم باشد و خودشان تماس گرفتند و گفتند که آن هم باشد. خودشان آمدند و در انتخابات هم موثر بودند و تقریباً نزدیک نصف مجلس را هم گرفتند.» این بخش از حرفهای رفسنجانی نشان می دهد که خامنه ای از همان سال ۱۳۷۵ به دنبال پروژه یکدست سازی و یا ریل گذاری جدید در ولایت بوده است. خامنه ای تا جایی که تیغ اش می بریده و در یک مسیر مرحله به مرحله این سیاست را دنبال کرده است. اکنون نوبت تعیین تکلیف با اکبر هاشمی رفسنجانی فرا رسیده است. این که خامنه ای پس از کنار گذاشتن او از ریاست مجلس خبرگان بتواند رفسنجانی را از ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام حذف کند و یا نتواند، در این حقیقت که نقشه ولی فقیه حذف رفسنجانی به عنوان یکی از «خواص بی بصیرت» است، هیچ تغییری نمی دهد. خبر را همه شنیده اند و گوشها فقط برای تاریخ اجرای آن تیز شده است.

آن چه از تجزیه و تحلیل بالا می توان نتیجه گرفت این است که بر خلاف ادعاهای ولی فقیه نظام، یک بحران عمیق و گسترده سراسر حاکمیت و جامعه را فراگرفته است. این بحران را خامنه ای نمی تواند با اتکا به «قانون» مهار کند. او مجبور است برای امنیت ولایت اش از شیوه های «غیر قانونی» استفاده کند. عوامل خارجی البته این وضعیت را تشدید می کند، اما عامل اصلی بحران و دشمن اصلی مردم، در تهران است که بر تخت سلطنت مطلقه تکیه زده است.

پایان کار راست سنتی، آن گونه که تا کنون بود و در مکانی که قرار داشت، فرا رسیده است. از یک سو، تجزیه شتابان این جریان است. که در لیستهای انتخاباتی گوناگون اعضای آن به نمایش درآمده، انتهای یک دوره از حیات سیاسی الیگارشی روحانیون و پُشتیبانان طبقاتی آنها با این مضمون و در این شکل را گواهی می دهد.

از سوی دیگر، با هر درجه از توان «مصلحت اندیشی» و شیب تعظیم، این مولفه سنتی قدرت که از آغاز شکل گیری نظام جمهوری اسلامی در اتحاد با ولی فقیه، شریک منافع حکومت بوده است، می بایست دریابد که دوران طولانی ماه عسل سپری گردیده و راه ولی فقیه حاضر از آنها جدا شده است و آنها نیز اکنون ناچارند راه خود گیرند و مسیر دیگری را امتحان کنند.

با این همه، ریزش یک پایه اصلی قدرت، هرگز به معنای تقویت آن در مجموع نیست. پایه هایی که قدرت «نظام» به طور فراگیر و همزمنی آقای خامنه ای به طور ویژه بر آن استوار است، در حال متلاشی شدن است. باند ولایت (تا هنگام نگارش این مطلب) به ۱۳ دسته بندی مُشعب شده است. نتایج فاجعه بار طرحهای کلان آیت الله خامنه ای برای اداره قدرت و «مهندسی» توزیع آن، آثار آن از سر تا پدنه ی دستگاه قدرت را در نور دیده است. بزرگترین بازنده شکست یکدست سازی، آقای خامنه ای است و همو است که با هر انشعاب یا جراحی تازه زیر خیمه اش، عمیق تر در بحران اتوریته فرو می رود.

بقیه از صفحه ۲  
خبر سوم: هشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای مفصل با روزنامه شرق که دوشنبه ۲۴ بهمن امسال منتشر شد حرفهای زیادی می زند. در میان سخنان مبهم و از میان خود بزرگ بینهای او، مواردی وجود دارد که برای شناخت موقعیت و نقش خامنه ای قابل توجه است. او می گوید: «اصلاً کارگزاران این گونه تشکیل شد. من عضو جامعه روحانیت مبارز بودم. معمولاً آنها در انتخابات حرف اول را می‌زدند، البته برای تهران. وقتی که نماینده های تهران را می خواستیم نامزد کنیم، جلسه ای در دفتر من تشکیل شد و ۳۰ نفر را تعیین کردیم. دکتر حبیبی از طرف جمعی از مدیران پیام آوردند. درخواست کردند که نصف نصف باشد، نپذیرفتند و پنج نفر از نیروهای رادیکال که معتدل هم هستند مثلاً آقایان محبوب، کمالی، داعایی و مجید انصاری - که اینها از رادیکالهای تند نیستند - را قبول کردند. من دیگر وقت نمی کردم که در جلسات شرکت کنم. گاهی به دفتر من می آمدند. آن ۹ گروهی که همسو با جامعه روحانیت بودند، گفتند که ما رای داریم و چرا بیاییم اینها را در فهرست قرار دهیم. خودشان نامزد شوند. پس رد کردند و گفتند که قبول نمی‌کنیم. آقای ناطق نوری پیش من آمدند و گفتند نمی‌پذیرند، من گفتم که بروید و از مقام رهبری بپرسید.

رفتند و از آقا پرسیدند و ایشان هم با نظر آنها موافقت کردند. من با رهبری تلفنی صحبت کردم و گفتم که اگر این پنج نفر را نپذیرند، یک عده از اعضای داخل دولت مصمم هستند که خودشان فهرست بدهند و من نمی‌خواهم این اختلاف به وجود بیاید. روحانیت ضرر می‌کند و تضعیف می‌شود، اجازه دهید متحد باشیم. حالا دیگران می‌آیند رقابت می‌کنند، چرا ما این کار را نکنیم. ایشان گفتند مگر ۲۷۰ نفر به مجلس نمی‌روند؟ گفتم چرا، گفتند که حالا هر کسی می‌خواهد بیاید. کارگزاران این گونه شکل گرفت. اولین بیانیه‌ای که دادند، بیانیه شان خیلی جا افتاد. رهبری دستور دادند که وزرا حق ندارند در انتخابات نامزد و فهرست بدهند.



## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

### ادامه بحران غیرقانونی و

#### چالشهای رژیم ولایت فقیه

در عرصه داخلی تضادهای موجود در جامعه در سه مؤلفه اصلی در ابعاد غیر قابل قیاس با گذشته شدت گرفت.

الف- تضاد بین توده های مردم و حاکمیت روز به روز تشدید شد. از ۲۵ بهمن سال ۱۳۸۹ تا پایان اسفند همان سال ما شاهد چهار قیام گسترده علیه رژیم ستمگر ولایت فقیه بودیم. پس از آن هم جنبشهای پراکنده در هر گوشه ایران به وقوع پیوست. خامنه ای در کابوس قیامهای مردمی در هر فرصتی که به منبر می رود از خطر «فتنه» دم می زند و برای مهار خیزشهای مردمی به شدیدترین و بی رحمانه ترین سرکوبیها متوسل می شود. خامنه ای با سرکوبی وحشیانه توانسته است پس از خیزشهای بهمن و اسفند سال گذشته جنبشهای گسترده را مهار کند، اما نتوانسته و نخواهد توانست آتش خشم و نفرت مردم را مهار کرده و جامعه را به رکود و خمودی سوق دهد. انجام صدها حرکت اعتراضی کارگران ایران در سال گذشته این حقیقت را نشان می دهد. بحران اقتصادی گسترده، فقر هر دم افزایش یابنده اکثریت مردم و انباشت نارضایتیها وضعیتی به وجود آورده که بیش از هر کس خامنه ای و ایادی او از آن با خبر و برای جلوگیری از بروز آن چاره اندیشی می کنند.

ب- در عرصه درون هرم قدرت و ثروت نیز تضادها در ابعاد کلان افزایش یافت. تضاد بین ولی فقیه و «خواص بی بصیرت» که در کشاکش پنهان و آشکار خامنه ای و رفسنجانی خود را نشان می دهد، منجر به حذف رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان و کوتاه کردن دست وی از کارتِل اقتصادی موسوم به دانشگاه آزاد شد. هم اکنون نقشه خامنه ای این است که هاشمی رفسنجانی را از ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام برکنار کند. اگر خامنه ای بتواند در چنین امری موفق شود، به دوران شراکت رفسنجانی در قدرت خاتمه داده است و اگر در چنین امری ناکام بماند، استخوان لای زخم ولایت باقی مانده است و در هر دو حالت ولایت فقیه تضعیف می شود. هرچند که زبان راه حل اول برای خامنه ای که سیاست تمرکز قدرت در دست بقیه در صفحه ۶

بدیل بودن نو-لیبرالیسم عنان گسیخته ایمان آورده اند، می کوشند تا سیمای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ را مخدوش کنند. اما این تلاشهای مذبوهانه که آبخشور آن نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر شده، پنهان کند. در مقابل تحریف تاریخ به وسیله نهادهای امنیتی، برای ما ارزش و اهمیت گرامیداشت حماسه سیاهکل نه از سر یادآوری رویدادی که به تاریخ پیوسته و یا برگزاری یک آئین مذهبی، مکتبی و ملی و یا رویاهای نوستالژیک، بلکه به این خاطر است که رستاخیز امروز و حماسه زنان و مردانی که در ایران، تونس، مصر، لیبی، سوریه، واشنگتن، مادرید، رم و..... برای آزادی پیکار می کنند، ادامه بلافصل حماسه سیاهکل است.

ما سیمای حماسه آفرینان سیاهکل را در قیام جوانان ایران در سال ۱۳۸۸ و در قیامهای بهمن و اسفند سال ۱۳۸۹ مشاهده کردیم. آنها که با خیزشهای حماسی خود پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآوردند، آنهايي که با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر خامنه ای» و «زننده یاد آزادی»، اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفتند، آنها که برخلاف سازشکاران و فرصت طلبان دل به تغییر و تحول از درون نظام ولایت فقیه نبستند، آنهايي که تن به حقارت ندادند و بر طناب دار بوسه زدند، درس حماسه سازی رستاخیز سیاهکل را به روز کردند. ما درس به روز شده حماسه سیاهکل را در قیامها و جنبشهای سترگ خاورمیانه و در جنبش عظیم اشغال وال استریت دیدیم و هم از این رو بود که بدون شک و تردید خود را در کنار همه این قیامها، خیزشها و جنبشها تعریف کردیم.

#### هموطنان!

در سال گذشته تحولات مهمی در عرصه داخلی و بین المللی به وقوع پیوست و سیمای جدیدی در جهان ما ترسیم شد. ادامه بحران غیرقانونی (بحران انقلابی) در ایران، تحولات در کشورهای خاورمیانه که به بهار عربی مشهور شده و جنبش برآشفنگان و اشغال وال استریت در کشورهای پیشرفته صنعتی، تعادل جدیدی بین ستمدیدگان و ستمکشان به وجود آورده است.

حماسه سیاهکل و فعالیتهای انقلابی رزمندگان فدایی از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که نظام شاهنشاهی سرنگون شد، تأثیری عمیق و تعیین کننده در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران داشت. طی این مدت در حالی که جنبش فدایی زیر شدیدترین ضربات دشمن قرار داشت و باوجود به شهادت رسیدن تمامی رهبران و بنیانگذاران آن و علیرغم برخی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودها، به حیات خود ادامه داد و در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به یک جنبش نیرومند با پایگاه گسترده اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد. در اولین گردهمایی علنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، بیش از صد هزار تن و در راهپیمایی روز ۲۱ بهمن همان سال حدود دویست هزار تن شرکت داشتند. درخشش روحیه رزمندگی و فداکاری چریکهای فدایی خلق، شاه را به تعجب واداشته بود. اسدالله علم در خاطراتش از قول محمد رضا شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

همچنین خمینی جلال از همان ابتدا با فرومایگی در مقابل جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت، او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید. نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...» موضع خمینی آن قدر ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز» ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

امروز نیز معرکه گیران دربار خامنه ای و تئوریسینهایی که به نابودی چپ و بی

چهل و یک سال از حماسه و رستاخیز سیاهکل می گذرد. در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک دسته پارتیزانی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در منطقه لاهیجان حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. با این حرکت بن بست شکنانه، جنبشی نوین و انقلابی با برافروختن مشعل آزادیخواهی در شب تیره دیکتاتوری متولد شد.

در جریان نبردهای پس از حماسه سیاهکل که تا اوایل اسفند همان سال ادامه داشت، فدائیان دلیر، رفقا رحیم سمعی و مهدی اسحاقی به شهادت رسیدند و تعدادی نیز به اسارت درآمدند. بی دادگاههای نظامی دیکتاتوری شاه در مقابل عملیات جسورانه رزمندگان دلیر فدایی، ۱۳ تن از برجسته ترین فرزندان انقلابی میهن ما را به اعدام محکوم کرد. در سحرگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ رفقا غفور حسن پور اصل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری به جوخه های اعدام سپرده شدند. شهدای رستاخیز سیاهکل راهی که آغاز کننده آن بودند را با پیکارهای خونین و با قبول هزینه های آن تا سپیده دم روز ۲۶ اسفند ادامه دادند.

حماسه سیاهکل و شکل گیری چریکهای فدایی خلق، شور و شوق جدیدی در شرایط رکود و خمود حاکم ایجاد کرد و دیری نپائید که جنبش پیشتاز فدایی به یک نیروی قدرتمند و پرنفوذ در صحنه سیاسی ایران تبدیل شد.

رزمندگان دلیر فدایی با اقدام جسورانه خود در سیاهکل، صحنه سیاسی ایران را به کلی دگرگون کرده و این پیام روشن را به گوش همگان رساندند که دوران مکتب سازان بی عمل و لاف زنان بُزُلد به پایان رسیده و تنها کسانی می توانند با مردم و مهمتر از آن نقش پیشتاز جنبش آزادیخواهی مردم ایران را داشته باشند که به به طور واقعی عمل انقلابی انجام دهند.

پژواک پیکار پیشتازان جنبش فدایی به سرعت بخشهای وسیعی از جامعه ایران را بر گرفت و دیری نپائید که آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می تپید، به گرد جنبش پیشتاز فدایی جمع شدند.

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۵

اراذل و اوباش مطیع و گوش به فرمان را برگزیده، کمتر خواهد بود. در سال گذشته و در ادامه کشمکش برای اشغال کرسیهای مجلس آینده ارتجاع، تضاد بین ولی فقیه و گماشته اش به شکل حادی بروز کرد. خیز باند احمدی نژاد برای مهره چینی در مجلس ارتجاع که با برکناری وزیر اطلاعات آغاز شد، با واکنش شدید و قاطع خامنه ای روبرو و این مساله به اعتصاب ۱۱ روزه احمدی نژاد منجر شد. پس از این رویداد خامنه ای پدیده «انحراف» را به «فتنه» و «خواص بی بصیرت» اضافه کرد. او به هیچ وجه از عزیزدردانه ولایتش انتظار نداشت که این گونه نافرمانی کرده و به گماشته یاعی تبدیل شود.

خامنه ای در نماز عید فطر در روز چهارشنبه ۹ شهریور امسال در مورد نمایش انتخاباتی روز ۱۲ اسفند به چالش امنیتی رژیم پرداخت و گفت: «به علت حوادث جاری در منطقه، مقطع مهمی از تاریخ جهان در حال شکل گیری است و ملت و مسئولان در این شرایط بسیار حساس، باید کاملاً هوشیار باشند و اجازه ندهند در این مقطع تعیین کننده تاریخ، اختلاف و کدورت، مانع از ایفای وظایف بزرگ ملت ایران و نظام اسلامی شود..... مسئولان مختلف، منبرداران و فعالان سیاسی و همه کسانی که می توانند با مردم حرف بزنند باید از انتخابات به عنوان نعمتی الهی پاسداری کنند و هوشیارانه، مراقب چالش های ضدامنیتی و تلاش های دشمنان باشند.»

خامنه ای با مهندسی «ریل گذاری جدید» برای نظام ولایت فقیه، هر تصویر و تلاش برای «تبدیل ولایت به شرکت سهامی» را بر نمی تابد و تا آنجا که قدرت داشته باشد با آن مبارزه می کند. خراطی کردن لایه بالایی رژیم، نظامی امنیتی کردن ارگانهای قدرت و برگماری افراد گوش به فرمان و کوتوله های سیاسی در نهادهای نظام، یک سیاست راهبردی و غیرقابل تغییر برای تضمین امنیت سلطنت مطلقه خامنه ای است.

پ- در عرصه جهانی تضاد بین جمهوری اسلامی و کشورهای بزرگ و بعضی از کشورهای دیگر در سال گذشته تشدید شد. و سیاست مماشات کشورهای ۵+۱ با چالش جدی روبرو شد. ادامه فعالیت رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی، صدور تروریسم به خارج از مرزهای ایران همراه با صدور «بنیادگرایی اسلامی» به کشورهای خاورمیانه و خرابکاری در روند صلح بین فلسطین و اسرائیل مولفه های تشدید تضاد بین رژیم ایران و جامعه جهانی است. در این جدال همواره اتحاد عمل و همسویی علنی و غیر علنی بین ولایت خامنه ای و جناح جنگ طلب و افراطی اسرائیل وجود داشته که به طور متحد علیه صلح و همزیستی در منطقه تلاش می کنند.

طی سالهای حیات جمهوری اسلامی، کشورهای امپریالیستی به اشکال مختلف به رژیم ایران کمک و یاری رسانده اند. اگر امروز رژیم می تواند به شبکه های مجازی یورش ببرد، اگر این رژیم به پیشرفته ترین تکنولوژیها برای کنترل و سرکوبی مبارزه مردم دست پیدا کرده است، این به خاطر کمکهای بیدریغ کشورهای بزرگ غربی بوده و بدون دانش و پشتیبانی لجستیکی آنها، امکانات و توانائیهای رژیم ایران به هیچ وجه اجازه گسترش سرکوب در فضای کمکهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به رژیم ایران نیز به همین گونه علیه مبارزه و مقاومت مردم ایران عمل کرده است. کافی است در گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا تامل کنیم که فقط و فقط برای خوش آیند استبداد مذهبی حاکم بر ایران صورت گرفته است. مناسفانه دولت آمریکا علیرغم احکام دهها دادگاه در اروپا که منجر به لغو این نامگذاری گردیده، و با وجود رای یک دادگاه فدرال در آمریکا، هنوز بر این نامگذاری کثیف پافشاری می کند.

رژیم ایران با استفاده از سیاست ممانعت و به ویژه با شریای که جنگ اشغالگرانه آمریکا در عراق برای آن فراهم آورده، به سیاستهای مخرب و ماجراجویانه خود ادامه داده و می دهد. در شرایط کنونی ادامه این سیاستها به مرز تحمل کشورهای بزرگ و جامعه جهانی رسیده و هم از این رو است که فشار و اعمال تحریم، هرچند به صورت محدود، بر رژیم ایران افزایش پیدا کرده است. هدف این فشارها و تحریمها - همان گونه که سران کشورهای ۵+۱ تاکنون اعلام کرده اند- نه «تغییر رژیم» که «تغییر رفتار» آن است. در حالی که احتمال جنگ نظامی در چشم انداز قابل ارزیابی، به طور مثال تا یک سال دیگر که انتخابات در آمریکا برگزار می شود، وجود ندارد، و در شرایطی که خامنه ای بر سیاست ایران - ویران - کن خود ادامه می دهد، چشم انداز تضاد بین رژیم و جامعه جهانی تشدید

آن است. در این رابطه موضع ما روشن و شفاف است و بارها بر آن تاکید کرده ایم. ما به طور قاطع مخالف مماشات و هرگونه دخالت نظامی خارجی در ایران هستیم و در عین حال جمهوری اسلامی را به خاطر سیاستهای جنگ طلبانه، ماجراجویانه و بحران زای آن، مسئول فجایعی می دانیم که به مردم ایران تحمیل شده و خواهد شد.

ارزیابی ما از سه مولفه ای که به طور مختصر شرح دادیم چنین است تعادل ناپایدار بین مردم و نیروهای سرکوبگر و فقدان قیامهای گسترده خیابانی دلایل پایان یافتن بحران غیر قانونی نیست. این بحران ادامه داشته و در ابعاد کلان تعمیق پیدا کرده است. هنوز بالائنها نمی توانند بر شکاف درونی خود غلبه کنند و پائینها نیز مسیر خمودی و تسلیم را انتخاب نکرده اند. توده ها هنوز در تب و تاب تغییر هستند و ولی فقیه و کارگزارانش به طور مداوم از خطر «فتنه» و «انحراف» دم می زنند.

### بهار عرب، جنبش برآشفنگان و اشغال وال استریت

در روز ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ (۲۶ آذر ۱۳۸۹)، محمد بوعزیز، جوان ۲۶ ساله تونس در اعتراض به تعرض پلیس بن علی، خود را به آتش کشید و شعله های برافروخته شده از گوشت و پوست و استخوان او به خرم خشم و نفرت مردم تونس جرقه زد و دیری نپایید که زنان و مردان تونس و به ویژه جوانان با انقلاب یاسمین، رژیم بن علی را سرنگون و گام اول برای تحقق خواسته های خود را پشت سر گذاشتند.

پس از آن، دیکتاتوری حسنی مبارک با قیامهای مردم مصر و در کانون آن تحصن شبانه روزی میدان التحریر، سرنگون شد. قیام مردم لیبی و به ویژه خیزش مردم بن غازی که منجر به آزاد سازی این شهر شد، در ادامه خود و با دخالت نظامی ناتو سقوط دیکتاتوری معمر قذافی را در پی داشت. در روزهای گذشته علی عبدالله صالح، دیکتاتور یمن نیز سرانجام تسلیم اراده مردم شد و با عذرخواهی از رفتار سرکوبگرانه خود، کشور را ترک کرد. هم اکنون کانون اصلی تحولات منطقه در سوریه و در قیام پرشور و مداوم مردم علیه دیکتاتوری بشار اسد قرار دارد. پیروزی مردم سوریه در مبارزه علیه دیکتاتوری بشار اسد، موقعیت ژئوپولیتیک خاورمیانه و به ویژه رژیم ایران را به کلی دگرگون خواهد کرد و هم از این زاویه است که خامنه ای در یک موضع گیری ننگین و ارتجاعی، حرکت انقلابی مردم سوریه را وابسته به غرب اعلام کرد. در استراتژی دفاعی رژیم جمهوری اسلامی - آن گونه که سرکردگان رژیم بارها به روشنی بیان کرده اند، سوریه جزئی از عمق استراتژیک نظام ولایت فقیه است. بدون این عمق استراتژیک، خامنه ای قادر به استفاده بهینه از حزب

الله در لبنان که یک خطر بالفعل برای اسرائیل است، نخواهد بود. قیامها، جنبشها و خیزشهای ضد دیکتاتوری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بر تمامی تحولات سیاسی جهان ما اثر گذاشته و مهمترین تاثیر جهانی آن فروپاشی نظم مبتنی بر تقسیم بندی پس از جنگ جهانی اول است.

تحولات سیاسی در کشورهای عربی همچنان ادامه دارد و مردم کشورهایی که دیکتاتوری را سرنگون کردند، با چالشهای جدیدی روبرو شده اند. از یک طرف نیروهای بنیادگرای اسلامی تلاش می کنند تا از نارضایتی توده های محروم، ضعف ساختارهای مدنی و عقب ماندگی فرهنگی - سیاسی ناشی از سالها دیکتاتوری، در جهت منافع اجتماعی و طبقاتی خود بهره برداری کنند و از طرف دیگر، مداخله آزمندانة البته موزیانه کشورهای امپریالیستی منجر به تضعیف نیروهای دمکراتیک، عدم اتحاد این نیروها و شکاف در درون جنبش دمکراتیک شده است. با این وجود و علیرغم همه این چالشها و نگرانیها و با وجود ضعف و تشتت نیروهای دمکراتیک و پیشرو، تحولات موسوم به بهار عرب یک گام بزرگ به جلو در مبارزه آزادخواهانه و عدالت طلبانه مردم خاورمیانه است. کفایت به تغییر ادبیات سیاسی پس از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا توجه کرد تا به گستردگی تاثیر خیزشهای مردم خاورمیانه پی برد. پس از شروع بهار عرب کلمات «انقلاب» و «قیام» به طور گسترده وارد ادبیات سیاسی شد. پیش از این تحولات، دیکتاتورها و حامیان بین المللی آنها به بهانه مخالفت با خشونت که در حقیقت چیزی جز تأیید خشونت از جانب دیکتاتورها نبود، حرکتهای مردمی و قیامهای توده ای را نفی و با نظریه پردازیهایی سخیفانه راه انقلاب را راه ناکجا آباد اعلام می کردند. طرفه این است که پس از این تحولات و با توجه به بعضی از رویدادهای تلخ در کشورهای دیکتاتورها را سرنگون کرده اند، بعضی از نظریه پردازان کوتاه فکر، این بار از موضع به اصطلاح چپ و در حقیقت از موضع دفاع از بی حرکتی و سکون در مقابل دیکتاتورها، این تحولات را یا به کلی مردود اعلام می کنند و یا نقشه اطلاقهای فکر کشورهای امپریالیستی ارزیابی می کنند.

نقطه مشترک و نتیجه عملی نظرات تئورسیسینهای امپریالیسم قبل از این تحولات با نظریات به اصطلاح چپ پس از این تحولات، دعوت مردم به سکون و بی عملی در مقابل مستبدان است. اولی با حربه مخالفت با خشونت و انقلاب و دومی با دستاویز نتایج انقلاب. شعار «الشعب یریدو اسقاط نظام» (مردم سرنگونی نظام را می خواهند) دست رد بقیه در صفحه ۷

## پیام سازمان .....

بقیه از صفحه ۶

بر سینه ماشااتگران زد، و ادامه تحولات در میدان تحریر مصر و تلاشهای نیروهای اجتماعی مترقی در تونس و ادامه قیام در سوریه، افشاگر نظرات سخیف ایدئولوگهای دسته دوم شده است.

پیرامون تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا اظهار نظر دبیرکل ملل متحد در روز یکشنبه ۲۵ دی در کنفرانس بیروت تحت عنوان اصلاحات و گذار به دموکراسی، بیان کننده عمق و وسعت این قیامها و مسیر برگشت ناپذیر آن است.

بان کی مون در سخنرانی خود گفت: «بادهای تغییر از وزیدن آرام نخواهند گرفت. شعله بی که در تونس برافروخته شد، خاموش نخواهد شد. نظم کهنه، حاکمیت تک نفری و انحصار در سرمایه و قدرت، خاموش کردن رسانه ها و محرومیت از آزادیهای پایه ای در حال فروریختن است. مردم به همه اینها می گویند: کافی است، دیگر بس است...وقایع چشمگیر سال گذشته منطقه را دگرگون کرد و جهان را تغییر داد. این داستانی بود که توسط مردم نوشته شد، اما این داستان تازه آغاز شده است.»

دبیرکل ملل متحد رمز موفقیت دموکراسی را در چهار محور خلاصه کرد و گفت: «اول: اصلاحات باید واقعی باشد. اغلب، ظاهر آن با دموکراسی آرایش می شود اما در باطن، بدون محتوی و بدون انتقال قدرت واقعی به مردم است.

دوم: گفتگوها باید جامع و دربرگیرنده همه باشد. ما باید با کسانی که اختلافات قومی و اجتماعی را دامن می زنند، به مخالفت برخیزیم. ما باید برای ترویج کثرت گرای با همدیگر کارکنیم. سوم: زنان باید در کانون آینده منطقه قرار گیرند. زنان در خیابانها ایستادند و خواستار تغییرات شدند. آنها اکنون محق هستند که سرمیز گفتگوها بنشینند و در تصمیم گیری و اختیارات حکومتی از نفوذ واقعی برخوردار باشند. هیچ دموکراسی ارزشمندی نمی تواند بدون حضور زنان وجود داشته باشد.

چهارم: ما باید به صدای جوانان توجه کنیم.»

این اظهارات و داستانی که نوشتن آن در خیابانها صورت می گیرد، نشان می دهد که بهار عرب تاثیر جدی در حرکت سیاسی جهان، در روانشناسی مردم و در موضع گیریهای مسئولان مراکز قدرت جهانی به جای گذاشته است.

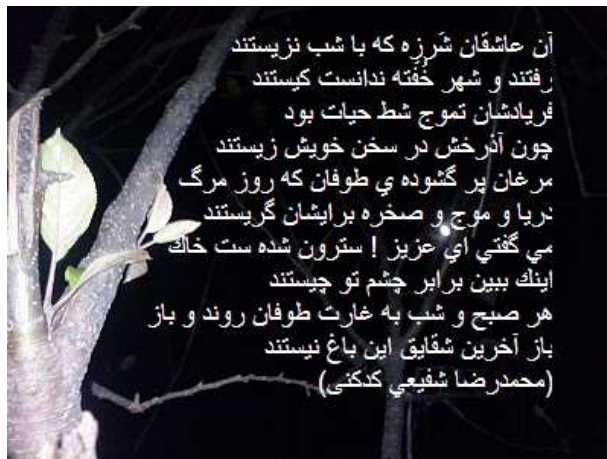
در سال گذشته همچنین جنبش محرومان و ستمدیدگان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری برآمد جدیدی را به ثبت رساند. طی سه دهه گذشته، توسعه سرمایه داری نولیبرال و گذار آن از رابطه «پول-کالا-پول» به رابطه «پول-پول» که تحلیلگران اقتصادی

مخالف هرگونه سوسیالیسم، سرکوبگرانه، اراده گرایانه و خودکامه، مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است.»

کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان و روشنفکران ایران زمین! سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و دومین سال حیات خود، خاطره تمامی زنان و مردان فدایی که طی چهل و یک سال گذشته در رزم بی امان با ستمگران، در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرمی می دارد و به کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران و فعالان سیاسی که زیر فشار و شکنجه دژخیمان خامنه ای مقاومت می کنند درود می فرستد.

ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جان باختند را گرمی می داریم. ما با مبارزه مردم ایران علیه استبداد، فقر، جهل و تبعیض اعلام همبستگی می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی



هرگونه سانسور، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو شکنجه و اعدام، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری اقوام و ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در همه ی پهنه های دولتی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض مذهبی مبارزه می کند و از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از تلاش مدافعان بهبود محیط زیست برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می کند.

راهبردی و کاربردی آن نظرات گوناگونی وجود دارد که بحثهای مربوط به آن تا جایی که مقدور بوده در نشریه نبرد خلق منتشر شده و می شود. از نگاه ما راه مقابله با بربریت، انتخاب راه سوسیالیسم است و یک نظام سوسیالیستی به گمان ما و به همان گونه که در منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آمده است: «نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی (جدایی دولت از مذهب و ایدئولوژی) و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک، مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت،

ما از خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران حمایت می کنیم و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اعلام می کنیم. ما از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، از سازمان جهانی کار و از همه ی سندیکاها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض قوانین مربوط به حقوق کار و دستگیری فعالان کارگری محکوم کنند.

ما خواستار اقدام بیدرنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران و بازدید آقای احمد شهید از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی هستیم.

ما از حقوق مسلم زنان و مردان ساکن در کمپ اشرف حمایت کرده و هرگونه جابجایی اجباری و اخلال در حل مسالمت آمیز مساله پناهندگی آنان و غارت اموال آنها از جانب دولت نوری المالکی را محکوم کرده و خواستار دخالت شورای امنیت ملل متحد برای حل مسالمت آمیز این مساله هستیم. انتقال ساکنان کمپ اشرف به زندانی موسوم به کمپ «آزادی»، نقض آشکار حقوق بشر و قوانین و میثاقهای بین المللی است. حکومتی که با توپ، تانک و هواپیماهای آمریکایی به قدرت رسیده و رژیم ایران نیز به طور روزمره و برنامه ریزی شده و به اشکال مختلف آشکار و پنهان در امور آن دخالت می کند، نمی تواند و نباید به بهانه «حق حاکمیت»، حقوق خدشه ناپذیر هزاران زن و مرد ایرانی را برای تحقق سیاستهای خامنه ای پایمال کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می داند. ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی و... را اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، کارمندان و مزدبگیران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران و معلمان می دانیم. ما با تحریم نمایش انتخابات ضد دموکراتیک و فرمایشی مجلس ارتجاع که قرار است روز ۱۲ اسفند امسال به صحنه آورده شود، زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

## گزارش دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

کشور به خاطر اهدای دسته گل‌های زیبا به این مراسم تشکر کرد. در ادامه برنامه رفیق مارکو ورو جو، عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب احیای کمونیستی (ایتالیا) طی سخنان کوتاه که توسط لیلا جدیدی به فارسی ترجمه می‌شد، همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری و با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعلام کرد.

بخش سوم برنامه به کارگاه هنر ایران اختصاص داشت. رفیق فریدون رضایی با اجرای ترانه سرودهای فراموش نشدنی، یاد و خاطره حماسه آفرینان جنبش پیشتاز فدایی را گرامی داشت. همایش چهلمین و یکمین سالگرد رستاخیز و حماسه سیاهکل با سرود انترناسیونال با اجرای رفیق فریدون رضایی و همراهی حضار به پایان رسید. متن کامل پیامهای ارسالی به این

سازماندهی و رهبری، چالشهای این جنبشهاست. پس پایان سخنرانیها، لیلا جدیدی اعلام کرد که در این بخش حضار می‌توانند به طرح سوال و یا ارایه نظرات خود بپردازند. بحث و گفتگو در این قسمت به شکل فعال جریان پیدا کرد. رفیق لیلا همچنین در این بخش پیام «جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در داخل کشور» را قرائت کرد.

در پایان بخش اول برنامه، رفیق فرنگیس باقره پیام «یکی از جوانان مبارز» و «پیام جمعی از دانشجویان کمونیست» را به اطلاع حضار رساند و س از آن نمانگ دیگری در مورد جنبش پیشتاز فدایی پخش شد. با گذشت دو ساعت از برنامه، برای ۳۰ دقیقه استراحت اعلام و با چای، قهوه و شیرینی از شرکت کنندگان در مراسم پذیرایی شد.

کورس به طور کلی و افتادن خود به بیرون از مدار آن ارزیابی می‌کند. این در حالی است که خیزش ۸۸ از تدقیق این صف آرای، مفهوم سیاسی آن و نتایج عملی که از آن می‌بایست برای پراتیک روزانه بگیرد، باز ماند. جنبش با وجود دلآوری و شهامت بی مانند اعضا و پیشتازانش قادر به این کار نشد چون علاوه بر آنکه از بیرون زیر فشار بی امان حکومت قرار داشت، اما از آن مهمتر در داخل نیز با نیروی مخربی دست و پنجه نرم می‌کرد که تاثیر بازدارنده آن از نظر محتوایی با اقدامات شکلی حکومت برابری می‌کرد. ترکیبی از دوستان نادان، متحدان مشروط و دشمنان زیرک تغییر، با تمام توان برای منصرف کردن توده‌های معترض از نشانه گرفتن مرکز فساد و جلوگیری از ترسیم نقشه حرکت به سوی خیمه "نظام" برای خراب کردن آن بر سر حاکمان تلاش می‌کردند و البته هنوز هم می‌کنند.

از ساعت چهار بعد از ظهر روز شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۰ برابر با ۴ فوریه ۲۰۱۱، مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در آمستردام (هلند) با شرکت ایرانیان آزادخواه برگزار شد.

در ابتدای برنامه رفیق جعفر پویه گفت: «افتخار دارم از جانب رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به شما خوش آمد بگویم و حضور گرامی تان را ارج بگذارم. چهل و یکمین سال بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به همه‌ی کادرها، اعضا، هواداران و دوستداران سازمان، همچنین به خانواده بزرگ جنبش پیشتاز فدایی، به کارگران و مزدبگیران ایران، به دختران شیردل میدان دار و پسران قدرتمند حاضر در خیابانهای میهن در نبرد رویاروی با دیو استبداد ولایت فقیه و به همه‌ی کوشندگان و تلاشگران راه آزادی و دموکراسی، تبریک می‌گویم.» جعفر پویه در پایان سخنانش برای احترام به همه شهدای راه آزادی یک دقیقه سکوت اعلام کرد. متن سخنان رفیق جعفر ضمیمه است. پس از آن یک نماهنگ در ستایش شهدای حماسه سیاهکل پخش شد.



رفیق لیلا جدیدی برنامه را با خواندن بخشهایی از پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همین مناسبت ادامه داد و سپس از رفقا زینت میرهاشمی و مهرداد قادری دعوت کرد که سخنرانی خود را شروع کنند.

سخنان زینت میرهاشمی بر جنبشها و قیامهای خاورمیانه و شمال آفریقا که به بهار عرب مشهور است، متمرکز بود. وی تاکید کرد: «خیزشها و جنبشهای زنان، مردان و جوانان در مصر، تونس، سوریه، بحرین یا یمن بدون شک تجربیات گرانمایی برای جنبش اجتماعی مردم ما دارد؛ همانگونه که خیزشهای ۸۸ در ایران و تجارب جنبش در استفاده از تکنولوژی روز و شبکه های اجتماعی، الهام بخش مبارزان این کشورها بوده و هست.»

وی در پایان و در مورد درسهای این خیزشها برای مردم ایران، بحث خود را چنین جمع بندی کرد: «بررسی تجارب 'بهار عرب' به ویژه به دلیل کاستیهای خیزش ۸۸ می‌تواند مفید و درس آموز باشد. جنبش اجتماعی ما نیز با حکومتی درگیر بود و هست که نه می‌تواند و نه می‌خواهد به خواستهای "پایین" تن دهد. رژیم ج.ا. طرح هر خواسته ای خارج از کورس اصلی را مترداف با تغییر

گردهمایی ضمیمه این گزارش است. قابل ذکر است که از تمامی این برنامه فیلمبرداری شده و در آینده منتشر خواهد شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۷ بهمن ۱۳۹۰ (۶ فوریه ۲۰۱۲)

گزارش تصویری خانم شهلا بهار دوست از این مراسم در آدرس زیر  
<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essay1d=43487>

گزارش تصویری خانم اختر قاسمی از این مراسم در آدرس زیر  
<http://news.gooya.com/did/aniha/archives/2012/02/135702.php>

بخش دوم برنامه با پخش یک نماهنگ از ساخته های سیمای آزادی شروع شد و پس از آن پیام «دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له زحمتکشان کردستان» به مراسم چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل توسط رفیق کامران عالمی نژاد قرائت شد. سپس لیلا جدیدی ادامه بحث و گفتگو را آغاز کرد. در این قسمت نیز سولاتی از سخنرانان مطرح شد و تعدادی از حضار نیز به طرح نظرات خود و یا نقد نظرات سخنرانان پرداختند.

پس از پایان این بخش از گفتگوها، رفیق لیلا از شورای ملی مقاومت ایران، هواداران سازمان مجاهدین خلق در هلند و جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در داخل

از اشاعه خرافه "دوران طلایی امام" تا تبلیغ موهوماتی مثل "ظرفیتهای قانون اساسی" و از نفی و تحقیر مبارزه و مقاومت زیر عنوان "خشونت طلبی" تا تعیین باید و نبایدهای جنبش توده ای براساس گنجایش "نظام" و وضعیت روحی "آقا".

این برنامه را به مصر و تونس ببرید و ببینید چه کسانی هنوز در حال فرمانروایی خواهند بود! رفیق مهرداد قادری، مسئول روابط خارجی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سخنران بعدی بود که پیرامون جنبشهای برافشندگان و اشغال وال استریت صحبت کرد. وی در بیانات خود به سابقه این جنبشها پرداخت و نتیجه گرفت که تئوری راهنما،



## سخنان جعفر پویه در آغاز برنامه

رفقای عزیز، خانمها و آقایان، حضار گرامی سلام

افتخار دارم از جانب رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به شما خوش آمد بگویم و حضور گرامی تان را ارج بگذارم. چهل و یکمین سال بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به همه‌ی کادرها، اعضا، هواداران و دوستداران سازمان، همچنین به خانواده بزرگ جنبش پیشنهاد فدایی، به کارگران و مزدبگیران ایران، به دختران شیردل میدان دار و پسران قدرتمند حاضر در خیابانهای میهن در نبرد روبروی با دیو استبداد ولایت فقیه و به همه‌ی کوشندگان و تلاشگران راه آزادی و دموکراسی، تبریک می گویم.

رفقا و دوستان عزیز!

جنبش آزادیخواهی مردم ایران در تلاش یک صد ساله خود برای به زانو در آوردن استبداد تاریخی حاکم بر میهن ما، دلبران و رزمندگان بسیاری را به خود دیده است. در نبرد سهمگین و بی وقفه این یکصد سال، رشادتها و جانبازیهای افتخار آمیزی توسط رزمندگان سلحشور آزادیخواه به ثبت رسیده است که تاریخ معاصر کشور ما مزین به آن است. دلبرانی که در برابر تندر ایستادند، خانه را روشن کردند، و رسم سترگ جانبازی را سر بلند برای ما تدارک دیدند. از انقلاب مشروطیت بسیار گفته اند و شنیده ایم. اما این روزها مصادف است با رستاخیز اسطوره های بهمن ۴۹ در سیاهکل، در چنین روزی گروه جنگل به فرماندهی رفیق فدایی، علی اکبر صفایی فراهانی، حماسه جدیدی را در میهن ما بنیان گذاشت. با فرمان رفیق صفایی، پژواک مسلسل گروه جنگل، دهه پنجاه را به نام آتشزنه چریک فدایی آذین داد. از بهمن ۴۹ تا بهمن ۵۷ زمانی زیادی نیست که اسطوره فدایی به دریای مردم می پیوندد و در قیام قهرمانانه آنان خود را معنا می بخشد و دیکتاتوری پهلوی را جاکن می کند. اما از این بهار آزادی چیزی نمی گذرد که در ۱۹ بهمن ۶۰ بار دیگر تاریخ میهن چهره خونین می کند و فرمانده موسی خیابانی، اشرف رجوی و آذر رضایی همراه با رفقای شان در مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر تندر سرکوب می ایستند، تاریخ را بار دیگر با خون خود می نویسند و نقاب از چهره دیو پلید خمینی، این سرکوبگر و تاراج برنده انقلاب بهمن بر می دارند و شقاوت او را بر همگان آشکار می سازند.

از این بهمن تا مرداد و شهریور ۶۷ که قتل عام زندانیان سیاسی به دستور خمینی و توسط رجاله ها و ارازل رژیم او انجام می گیرد، تعداد بیشماری از فرزندان مردم ایران به جرم آزادیخواهی به خاک می غلطند. این رسم جانبازی و سرفرازی دلبران تا بهمن ۱۳۸۸ که جنبش اجتماعی مردم ایران بار دیگر رژیم ولایت فقیه را زیر تازیانه جوانان غیور میهن می گیرد، ادامه می یابد و تا هم اکنون ادامه دارد.

برای احترام به آرمان همه دلبران جانباخته سرفراز، برای تجدید عهد با آرمانهای والا و انسانی آنان، برای قدردانی از حضور همیشه زنده آنها در قلههای تک تک ما، از شما درخواست می کنم، بر خیزیم و یک دقیقه سکوت کنیم.

## در گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد رستاخیز و حماسه سیاهکل

### تأثیرات بهار عرب بر جنبش اجتماعی مردم ایران

#### زینت میرهاشمی

کرد که بازیگر اصلی در تحولات منطقه باشد. یک نمونه آن تأثیر مخرب رژیم ایران بر رویدادهای عراق بعد از سرنگونی صدام حسین است.

اما تحولاتی که با نام بهار عرب شکل گرفت با گزینه های سیاسی غیر از بنیادگرایی اسلامی و ولایت فقیه شکل گرفته است. طوری که سران این جنبشها از همان ابتدا مرزهای خودشان را با بنیانگذاران رژیم ولایت فقیه مشخص کردند. در بطن تحولات این کشورها، برآمدهایی حاصل شد که با نظام ولایت فقیه زاویه دارند. یعنی بنیادگرایی اسلامی از نوع ایران به وجود نیامد. این خود وضعیت جدیدی را در توازن سیاسی اجتماعی در منطقه ایجاد می کند. این وضعیت بنیادگرایی اسلامی را از خطر بالفعل به خطر بالقوه در روابط بین المللی تبدیل می کند.

با توجه به شکل گیری جنبش و قیام مردمی در سوریه و سرنگونی احتمالی بشار اسد در چشم اندازی نه چندان دور، ضربه اساسی دیگری به رژیم وارد خواهد شد. همچنین حمایت مستقیم ولی فقیه از بشار اسد و تأیید کشتار مردم در سوریه چهره ضد بشری رژیم ولایت فقیه را هر چه بیشتر در میان مردم منطقه نشان داد.

دخالت در بحران اعراب و اسرائیل یکی از شریانه های حیاتی برای بقای جمهوری اسلامی در سه دهه اخیر بود. همین طور که می دانیم گذرگاه استراتژیک رژیم برای دخالت در این بحران و تغذیه از آن، سوریه و بشار اسد است. پس مشخص است که با سقوط بشار اسد، یکی از شاهرگهای اساسی رژیم برای تولید بحران در منطقه قطع خواهد شد.

از این قسمت صحبت این طور نتیجه می گیرم که سیاست اصلی بنیادگرایی حاکم بر ایران که تولید بحران جهت ایجاد کشورهای جماهیر اسلامی بود با تحولات منطقه و بهار عرب به شکست کشیده شد. این که این شکست قطعی است و یا قابل بازسازی مساله دیگریست که بحث جداگانه می طلبد.

بقیه در صفحه ۱۰

کشورهای تونس، مصر و لیبی و یمن بر جنبش ضد دیکتاتوری مردم ایران، با توجه به اینکه طی این زمان، ۴ دیکتاتور جان سخت سرنگون شدند و متقابلاً تأثیرات جنبشهای اجتماعی مردم ایران بر بهار عرب

در رابطه با قسمت اول: تولید بحران، صدور بحران و سیاست تنش آفرینی از جمله راهکارهای رژیم در منطقه و در روابط بین المللی است. بعد از جنگ سرد شاهد رشد بنیادگرایی اسلامی هستیم. در این دوران، بنیادگرایی اسلامی به عنوان آلترناتیو از یک طرف در برابر امپریالیسم و سیستم کشورهای غربی و از طرف دیگر در مقابل نیروهای دموکراتیک، سکولار و چپ رشد و نمو پیدا کرد.

امپریالیستها در دوران جنگ سرد از بنیادگرایان اسلامی به عنوان ابزار سرکوب علیه رشد کمونیسم و جنبشهای رهاییبخش استفاده کردند تا جایی که به ساختن تشکلهایی از این گونه کمک کردند و یا خودشان آنها را ساختند. در پروسه رویدادهای پس از جنگ سرد، بنیادگرایی اسلامی که ساخته خود امپریالیسم بود، تبدیل به خطری برای آن شد. در مقابل، نیروهای سکولار چپ و دموکرات مورد سرکوب قرار گرفتند.

بنیادگرایی اسلامی ولایت فقیه در چنین شرایطی رشد و نمو پیدا کرد. بنیادگرایی اسلامی حاکم بر ایران، طی سه دهه با پز ضد امپریالیستی، پوپولیستی و کمک به نیروهای ارتجاعی مثل حزب الله لبنان و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حماس و ... تلاش کرد که در غیاب نیروهای دموکرات، خود را به عنوان یک قدرت الترناتیو در برابر امپریالیسم و فرهنگ غربی جا بیاندازد. این بنیادگرایی در راستای عملی کردن مقاصد خود، از ابزار تروریسم و هزینه کردن پول هنگفتی که از فروش نفت به دست می آورد، استفاده کرد.

بر همین منظر رژیم به عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی، با هزینه کردن بسیار و خریدن سران یک سری کشورها، از یک طرف مانع تحولات دموکراتیک در منطقه می شد و از طرف دیگر به گونه ای حرکت می

(سخنرانی به نوشتار درآمده رفیق زینت میرهاشمی در مراسم گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد رستاخیز و حماسه سیاهکل در آمستردام - هلند، ۱۵ بهمن ۱۳۹۰، ۴ فوریه ۲۰۱۲)

با درود به دوستان و رفقا قبل از شروع صحبتم قسمتی از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق به مناسبت چهل و یکمین سالگرد تولد سازمان را یادآوری می کنم. این قسمت از بیانیه نشان دهنده آن است که ما با کدام نگاه استراتژیک مسایل روز و تحولات سیاسی را بررسی می کنیم.

در بیانیه آمده است که: از نگاه ما راه مقابله با بربریت، انتخاب راه سوسیالیسم است و یک نظام سوسیالیستی به گمان ما و به همان گونه که در منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آمده است: «نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی (جدایی دولت از مذهب و ایدئولوژی) و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک، مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت، مخالف هرگونه سوسیالیسم سرکوبگرانه، اراده گرایانه و خودکامه، مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است.»

با تأکید بر این مواضع به رویدادهای منطقه می پردازم. من قرار است که همه صحبتهایم را در ۱۵ دقیقه مطرح کنم. پس به طور خیلی مختصر به موضوع می پردازم و مشتاقم تا در قسمت بعد با دوستان در سالن به گفتگو بنشینیم. صحبتهایم را به دو محور تقسیم کرده ام.

۱- بررسی آثار بهار عرب بر موقعیت منطقه ای و بین المللی رژیم جمهوری اسلامی،  
۲- تجربیات جنبشهای ضد دیکتاتوری اعراب برای جنبش اجتماعی مردم ایران. تأثیر پیروزی جنبشهای ضد دیکتاتوری در

## تأثیرات بهار عرب بر جیش اجتماعی مردم ایران

بقیه از صفحه ۹

### تأثیرات تضعیف رژیم در منطقه را چگونه می شود دید

به نمونه هایی از تضعیف موقعیت رژیم بعد از این رویدادها اشاره می کنم. تشدید رقابت های منطقه ای به زبان جمهوری اسلامی شده است. جبهه گیری کشورهای مهم منطقه مثل عربستان سعودی و ترکیه علیه رژیم شکل گرفته است.

ایجاد سپر موشکی ناتو در ترکیه توقیف محموله های سلاح رژیم به سوریه در ترکیه افشای توطئه ترور سفیر عربستان در واشنگتن

پیشنهاد عربستان به هند و اروپا برای جایگزینی نفت جمهوری اسلامی تحریم بانک مرکزی رژیم توسط آمریکا و کشورهای دیگر تحریم نفت و نیز بانک مرکزی از طرف اتحادیه اروپا

گزارش ژانسن بین المللی اتمی تعیین کمیسیون ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای ایران محکومیت رژیم در شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل

در پی این موقعیت یعنی صعیف شدن وضعیت رژیم در منطقه، رویارویی کشورهای غربی با رژیم وارد مرحله دیگری شده است.

نمونه ای از این شرایط را اشاره می کنم. بحران هسته ای، توسعه طلبی منطقه ای جمهوری اسلامی و وضعیت حقوق بشر. اینها مواردی است که بعد از این تحولات به نقطه ای جدی تر رسیده است. قیل از این شرایط بر اساس غالب بودن سیاست مماشات از این موارد چشم پوشی می شد. پس می توان گفت سیاست مماشات با رژیم که طی سه دهه به مردم ایران ضربه وارد کرده است با رویدادهای فوق ضربه جدی خورده است. بنابراین انقلابیهای خاورمیانه و شمال آفریقا نقش مهم در تضعیف رژیم داشته است. هرچند که خامنه ای با طرح بیداری اسلامی در صدد است که از این شرایط بهره برداری کند.

اما درسهای قیامهای ضد دیکتاتوری اعراب برای جنبش اجتماعی مردم ایران تاکنون چه بوده است؟

خیزشها و جنبشهای زنان، مردان و جوانان در مصر، تونس، سوریه، یمن و بحرین بدون شک تجربیات گرانبهایی برای جنبش اجتماعی مردم ما دارد، همانگونه که خیزشها و قیامهای سال

۱۳۸۸ در ایران و تجارب جنبش در استفاده از تکنولوژی روز و شبکه های اجتماعی، الهام بخش مبارزان این کشورها بوده و هست.

### داشتن استراتژی

مهمترین تجربه این است که برای تحقق مطالبات، باید استراتژی داشت و به عبارت دیگر برای این سؤال که راه پیشروی به سوی تبدیل کردن خواسته ها و نیازها به واقعیت چیست باید جواب روشنی داشت.

جنبش اعتراضی در تونس و مصر به این سؤال با شعار "اسقاط نظام" جواب داد. آنها به سرعت دریافتند که مهمترین مانع برای انجام تغییرات، رژیمهای بن علی و مبارک است و انجام هر دگرگونی و هر اصلاحی، مستلزم یک اصلاح کلی یعنی، برپیده شدن سیستم فاسد و مستبد آنهاست.

### تاکتیکها

آنها چون استراتژی روشنی داشتند، توانستند در میدان عملی مبارزه هم تاکتیکهای سازگار با آن را ابداع کنند، به آزمایش بگذارند و به کار گیرند. ایجاد شبکه های اجتماعی، اعتراضهای خیابانی، اشغال مناطق مرکزی شهرها و خنثی سازی نیروی سرکوب

### روانشناسی

اما مهمتر از تاکتیکها به طور مجرد، روحیه و رفتار کسانی است که آن را به کار می گیرند. آنها اگر نسبت به آنچه که انجام می دهند، تصور درستی نداشته باشند، یا تاکتیکها با تصورات شان سازگاری نداشته باشد، در عمل هم نخواهند توانست آن را جلو برند.

مردم معترض باید بدانند که برای چه هدفی به خیابان می آیند، طلب این یا آن خواسته از حکومت؟ تغییرات برای بهبود موقعیتهای مشخص؟ سرنگونی حکومت؟ و ... برای آن چکار باید بکنند (چه هزینه ای را باید بپردازند) و انتظار چه چیز را داشته باشند.

وقتی تقاضای هر تغییری در شرایط موجود و هر اصلاح در آن، هر چند به صورت جزئی برای حکومت وزن و جایگاه براندازی دارد و به همین صفت هم با آن برخورد می کند، متوقف کردن یا منجمد کردن سطح مبارزه به سقف تحمل حکومت، در عمل نیروی اجتماعی که در صحنه حاضر شده را منفعَل کرده و انرژی آن را به هدر می دهد.

جنبش اجتماعی در تونس و مصر، هدف خود، استراتژی خود را "اسقاط نظام" تعیین کرده بود و به همین دلیل نیز تصور روشنی از نوع واکنش حکومت به خواسته خود داشت و می توانست سازماندهی، آرایش و درجه خشونت که با آن روبرو می شد را پیش بینی کند. به همین دلیل خشونت حکومت و درجه سرکوب هرگز نتوانست آن را غافلگیر و شوکه کند.

تداوم جنبش مردم سوریه با وجود خشونت افسار گسیخته رژیم بشار اسد و هزینه بالایی که طلب می کند، یک نتیجه ی مستقیم شفافیت میدان نبرد و چگونگی صف بندی نیروها از نگاه مردمی است که به حضور در آن فراخوانده شده اند.

### نقاط ضعف جنبش سال ۱۳۸۹ در مقایسه با تحولات کشورهای عربی

بررسی تجارب «بهار عرب» به ویژه به دلیل کاستیهای خیزش ۱۳۸۸ می تواند مفید و درس آموز باشد. جنبش اجتماعی ما نیز با حکومتی درگیر بود و هست که نه می تواند و نه می خواهد به خواسته های «پایین» تن دهد. رژیم جمهوری اسلامی طرح هر خواسته ای خارج از مدار اصلی را مترداف با تغییر آن به طور کلی و افتادن خود به بیرون از مدار آن ارزیابی می کند.

این در حالی است که خیزش ۱۳۸۸ از تدقیق این صف آرای، مفهوم سیاسی آن و نتایج عملی که از آن می بایست برای پراتیک روزانه بگیرد، باز ماند. جنبش با وجود دلاوری و شهامت بی مانند اعضا و پیشتازان اش قادر به این کار نشد، چون علاوه بر آن که از بیرون زیر فشار بی امان حکومت قرار داشت، اما از آن مهمتر در داخل نیز با نیروی مخربی دست و پنجه نرم می کرد که تاثیر بازدارنده آن از نظر محتوایی با اقدامات شکلی حکومت برابری می کرد.

ترکیبی از دوستان نادان، متحدان مشروط و دشمنان زیرک، با تمام توان برای منصرف کردن توده های معترض از نشانه گرفتن مرکز فساد و جلوگیری از ترسیم نقشه حرکت به سوی خیمه «نظام» برای خراب کردن آن بر سر حاکمان تلاش می کردند و البته هنوز هم می کنند.

از اشاعه خرافه «دوران طلایی امام» تا تبلیغ موهوماتی مثل «ظرفیتهای قانون اساسی» و از نفی و تحقیر مبارزه و مقاومت زیر عنوان «خشونت طلبی» تا تعیین باید و نبایدهای جنبش توده ای براساس گنجایش «نظام» و وضعیت روحی «آقا»، از نکات بازدارنده جنبش اجتماعی مردم ایران به شمار می رود.

این برنامه و این دیدگاهها را به مصر و تونس ببرید و ببینید چه کسانی هنوز در حال فرمانروایی خواهند بود!

بیشتر از وقت تعیین شده صحبت کردم و سپاسگزارم که به صحبتهایم گوش کردید.

پیروز باشید

## پیام جمعی از

### دانشجویان کمونیست

انسان کاملی که مطلقا آزاد است و از آنچه هست به طور قطعی و تمام خوشنود است و با این خوشنودی ذات خود را کمال و تحقق می بخشد؛ بنده ایست که بندگی خود را به طور جدلی رفع کرده باشد. (خداپگان و بنده-هگل)

حماسه ی سیاهکل تجلی خودآگاهی و نبردی است به سوی گسستن بندهای اسارت و بندگی؛ عمل کسانی است که خودمختار از حقیقت پیروی کردند و ضرورت عمل انقلابی را دریافتند. آنها با آگاهی به عمل راستین که هدفش دگرگونی جهان و نفی وضع کهنه است به ساختارها و نهاد های زور و اجبار یورش بردند؛ بنابراین تا زمانی که انسان تحت انقیاد و ستم باشد و مسیر صلح آمیز را با خشونت سد کنند، باید این مسیر با خشونت باز شود. ما برابری و آزادی را درخواست نمی کنیم، بلکه می ستانیم؛ لذا ما امروز نیازمند انقلابی قهرآمیزیم.

درد بر حماسه آفرینان سیاهکل و تمامی آنان که در راه رسیدن به کلیت انسانی و حقیقت مبارزه می کنند.

جمعی از دانشجویان کمونیست ایران  
بهمن ۱۳۹۰

## پیام یکی از جوانان مبارز

سیاهکل، روشنایی راه مبارزه ی آزادیخواهانه ی ملت ایران است. بی شک پیام اصلی و بارز ترین عنصر این قیام، شجاعت و اصل ترسیدن از زور و ظلم و به مبارزه طلبیدن دیکتاتوری به عنوان یک نظام است. این پاک ترین لحظه حیات انسانیت! زمانی که فرد بی هیچ ترس و پروا در برابر یک نظام و یک ساختار عظیم دیکتاتوری، استوار و ثابت قدم، قد علم می نماید و کل موجودیت آن را مورد تهدید قرار می دهد.

امروز وظیفه نسل من دریافتن پیام این قیام است که رعشه بر اندام فاسد هر رژیم دیکتاتوری می افکند. ترسیدن از زور و به مبارزه خواندن ظلم استبداد را به ضعف و نابودی سوق می دهد.

آنان که قدم در این راه روشن می گذارند، در مبارزه پیروزند و در تاریخ خوشنام و ماندگار، چنان که سیاهکلیان این گونه پیروز و ماندگار شدند.

دوره ترس و مبارزه در نهان گذشت. امروز باید آشکارا تمام ظلم را به مبارزه خواند و شعار "من نمی ترسم" را در جای جای این مرز و بوم فریاد زد.

من به عنوان یک جوان در ایران، به عنوان یک فرد در برابر این نظام جنایتکار دیکتاتوری فریاد برمی آورم که از رژیم ظلم و زور نمی ترسم و به پشتوانه گنجینه سیاهکل، آشکارا این رژیم فاسد و منحط را به مبارزه می خوانم.

## پیام جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در داخل

با دروهای انقلابی به رفقای فدایی و انقلابیون و آزادیخواهان و برابری طلبان امروز چهلمین سالگرد آغاز جنبشی است که درخت تناور آن با خون برجسته ترین کمونیستها آبیاری شد. جنبشی که در شب یاس و ناامیدی استبداد، چشم انداز آزادی و رهایی را ممکن ساخت. در دورانی که بسیاری از فعالان سیاسی خود را با اتحاد شوروی سابق و یا چین تعریف می کردند و یا به آمریکا و رژیم شاه امیدوار بودند، رزمندگان سیاهکل قدرت توده ها را برگزیدند، بر حاکمیت دیکتاتوری خروشدند و به توده ها پیام امید دادند. آنها پیشاهنگان نسلی شدند که چند دهه در مبارزه برای رهایی به شیخ و شاه نه گفتند و از سیاهکل تا خاوران با جسم و جان خود در راه رهایی توده ها هزینه پرداختند.

امروز هم پیام سیاهکل برای ما زنده است. در دوره ای که واژه ها لو ت می شوند، در دوران تبلیغ یاس و در شرایطی که عده ای زیر عنوان اپوزیسیون مرز بین خلق و ضد خلق را میخروش می کنند و برای دوران سیاه خمینی خسرت می خورند و جنایات خمینی و خمینی صفتان را به گردن مارکس و لنین و یا چه گوارا و حمید اشرف می اندازند، یا از آمریکا درخواست دخالت بشردوستانه می کنند و با کاسه لیس قدرتمندان، فعالان انقلابی را سکتاریسم می نامند، آری درست در چنین زمانی، پیام رزمندگان سیاهکل زنده است.

عافیت طلبان شبه روشنفکر و مزدوران ارتجاع و امپریالیسم تلاش می کنند تا جریان فدایی را فقط با «سلاح» و عصیان کور تعریف کنند. اما برای جنبش فدایی سلاح یکی از وسایل مبارزه و عملیات مسلحانه یکی از اشکال مبارزه بود. این شکل مبارزه نیز پس از مطالعه دقیق شرایط و جمع بندی تجربیات جنبشهای جهانی و داخلی و فاصله گرفتن از رفرمیسم اتخاذ شد. رزمندگان فدایی با جدیت و فداکاری و با غریو مسلسل حماسه سیاهکل را آفریدند و بر سکوت مرگبار مهر پایان زدن. سلاح چریکهای فدایی خلق وسیله ای برای پیشبرد اندیشه های آنان یعنی آزادی و برابری بود. آنها خط مشی خود را به طور مستقل و در مرزبندی قاطع با شرق و غرب انتخاب کردند و با عزم جزم برای برچیدن بساط استبداد ستم شاهی بپاخواستند. امروز هم ما نیاز به مرزبندی قاطع و بی شکاف با رژیم حاکم و باندهای درونی آن داریم تا بتوانیم با طرد رفرمیسم و عافیت طلبی و با شعار مرگ بر ارتجاع، مرگ بر امپریالیسم راه رهایی توده ها را هموار کنیم و توده ها را برای تحقق خواسته هایشان بسیج کنیم. سیاهکل ما جایی است که رفرمیسم و مماشات و عافیت طلبی در آن جایی ندارد. سیاهکل ما انقلابی است و سیاهکل ما رادیکال است. سیاهکل ما آرمان توده ها یعنی آزادی، رهایی و برابری است.

مرگ بر ارتجاع، مرگ بر امپریالیسم  
زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم  
جمعی از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق  
ایران در داخل  
بهمن ۱۳۹۰

## پیام دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له زحمتکشان کردستان به مراسم چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل

رفقا و دوستان شرکت کننده در همایش بزرگداشت جنبش سیاهکل ما نیز به همراه شما یادمان جنبشی را که با حمله به پاسگاهی در سیاهکل آغاز شد، گرامی می داریم. بی شک این روز سرآغاز جنبش چریکی بر علیه استبداد و رژیم ستم شاهی بود. این حرکت نشانه بروز اراده ای انقلابی در برابر سازشکاریهای حزب توده و سکون و سکوت حاکم در آن دوران بود. با هر ارزیابی انتقادی که امروزه از این حرکت داشته باشیم، اما گمانی نیست که شکلگیری چریکهای فدایی خلق در آن دوران حکایت از مبارزه جویی و تغییرات در فضای سیاسی آن دوران دارد و به مثابه پدیده ای مبارزه جویانه و انقلابی ارزیابی می شود.

کومه له که در مقاطع حیات انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق دوست و هم پیمان شما بوده است، همیشه با دیده احترام و متحد به جنبش چریکی نگریسته و یاد شهدای فدایی را گرامی داشته است. کردستان ایران دربرگیرنده آرامگاه دهها شهید فدایی است که برای دفاع از مبارزه برحق مردم کردستان، برای دفاع از آزادی و عدالت و برای رهایی مردم کردستان، جانباخته اند. ما در این فرصت ضمن گرامیداشت خاطره شهدای سیاهکل و همه رفقای چریک فدایی، یار دیگر بر اتحاد خود با همه آزادیخواهان و مبارزین رهایی انسان تاکید می ورزیم و اتحاد بزرگ نیروهای چپ و دمکرات و سکولار را در این برهه زمانی از حیات سیاسی ایران را ضروری و حیاتی می دانیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له  
زحمتکشان کردستان  
۴ فوریه ۲۰۱۲ یا ۱۵ بهمن ماه  
۱۳۹۰

## همایش چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در مونیخ-آلمان

به دعوت کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ، هم میهنان، دوستداران و پشتیبانان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این شهر گردهم آمدند تا رستاخیز سیاهکل را گرامی بدارند. این همایش روز شنبه، ۲۹ بهمن، برابر با ۱۸ فوریه با خوش آمدگویی و قرائت بیانیه کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ آغاز گردید. در این بیانیه آمده است:

"بر سینه ات نشست زخم عمیق کاری دشمن اما، ای سرو ایستاده نیافتادی این رسم توست که ایستاده بمیری.

دوستان محترم، خانمها و آقایان، حضار گرامی!

از این که دعوت ما را پذیرفتید و در برنامه گرامیداشت حماسه سیاهکل شرکت کردید، از همه شما تشکر می کنیم.

کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ ۴۱ مین سال بنیان گذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین ۴۱ مین سالروز حماسه سیاهکل را به مردم ایران، انقلابیون مبارزی که در هر جا و هر زمان برای یک جامعه عاری از استبداد و استثمار مبارزه می کنند و تمامی شهدای راه آزادی تبریک می گوید.

روز ۱۹ بهمن همچنین مصادف با روز شهادت مجاهدین خلق، فرمانده موسی خیابانی، اشرف رجوی و آذر رضایی از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۶۰ است که به دجلایت خمینی نه گفتند، در مقابل این درد انقلاب ایستادند، شقاوت او را آشکار کردند و با خون خود به عهد خود با خلق و انقلاب وفادار ماندند. یادشان پایدار باد.

تاریخ ایران در صد سال گذشته شاهد فداکاری و مبارزه بی امان فرزندان خود علیه استبداد و برای نیل به یک جامعه عاری از هر گونه ستم و استثمار است. از ستار خان و یاقر خان تا میرزا کوچک خان جنگلی، از مصدق تا فدایی خلق بیژن جزبی و مجاهد خلق حنیف نژاد و موج عظیم کسانی که در این سالها برای خلق یک جامعه آزاد و دموکراتیک مبارزه کردند، راه انقلاب را به پیش برده اند و از هیچ چیز دریغ نکرده اند. یادشان در قلب همه ایرانیان و شیفتگان عدالت و آزادی جاوید و راهشان پر رهرو باد!

پس بپا خیزیم و با یک دقیقه سکوت یاد آنها را گرامی بداریم.

رفیق جعفر پویه، عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سخنان این مراسم بود که پیرامون چگونگی شکل گیری سازمان و شاخصهای آن گفت: "بسیار می گویند که فدایی از آمریکای لاتین و

یا کوبا و فلان و بهمان کپی برداری کرد؛ حرفهایی که حتا خود گویندگان را هم نمی تواند بفریبد. اگر کسی اندکی با ادبیات فدایی آگاهی داشته باشد، اگر همان اندک تولیدات سنگین وزن آن سالهای فدایی را خوانده باشد، می داند که فدایی با اندیشه خود، با مطالعه خود، با ممارست و بررسی همه جوانب روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه به این نتیجه رسید که باید دست به کار شود. او برای دیگران تئوری نمی بافت، به دیگران نمی گوید که چه بکنند و چه نکنند. او برای باز کردن راه مبارزه، برای گذر از سد استبداد حاکم، برای شکستن یخ دیکتاتوری تلاش می کند، به نتیجه می رسد و اقدام به عمل می کند."

رفیق پویه همچنین در بخش دیگری از این همایش با شرکت کنندگان به گفتگو پرداخت و به شماری از پرسشهای حضار پاسخ داد. خانم گیسو شاکری، هنرمند معترض، میهمان دیگر این همایش بود که با رنگین کمان ترانه های زیبا و پر شور خود به مراسم رنگ و نور داد. او پیش از آغاز برنامه خود، شمعهایی را به یاد فرمانده صفایی فراهانی و یارانش برافروخت و یاد و نام شعله های همیشه تابان سیاهکل را گرامی داشت.

رفیق فریدون از کارگاه هنر ایران، صدای سرخ و آشنای سازمان، بخش دوم هنری همایش را با ترانه "سرود میهنی" آفتابکاران جنگل" و در حالی که شرکت کنندگان یکصدا او را همراهی می کردند، آغاز کرد. رفیق فریدون پس از اجرای چند ترانه سرود خاطره انگیز با معرفی آثار جدید کارگاه هنر برنامه خود را به پایان برد.

در انتهای همایش، سرود انترناسیونال به طور دسته جمعی خوانده شد و به این ترتیب یک شب فراموش نشدنی با توشه هایی برای فردا به پایان رسید.

## بهمن تجلی اراده مردم

جعفر پویه

می شود. آغاز عصر پیکار تا به آخر رقم می خورد و چریک فدایی خلق متولد می شود.

بلور شفاف فدایی آنچنان تابش می گیرد که همه افشار اجتماع به ویژه جوانان و انقلابیون را خیره خود می کند. خون تازه، در رگ انقلاب جاری می شود و آغاز برنامه ریزی و شکل گیری تیمهای مختلف در هر گوشه و کنار دیده می شود. عمل انقلابیون سیاهکل در سرتاسر بدنه جامعه خود را بازتاب می دهد. ادبیات شکل گرفته تحت تاثیر آن گواه صادقی است بر این مدعا. در شعر، شاملوی عزیز و سلطانیپور، گلسرخی و بسیاری دیگر را می شود نام برد. در تاتر، از ساعدی و ناصر رحمانی نژاد و سلطانیپور، در ادبیات داستانی کمتر نویسنده ای در آن سالهاست که تحت تاثیر حماسه سیاهکل نباشد. موسیقی، فیلم و ... نیز به همین گونه اند. اینجاست که حماسه معنی می دهد. اینجاست که سیاهکل نشانه هویت یک نسل می شود و در بررسی آثار تولید شده در آن سالها نمی شود این موضوع را نادیده گرفت.

چه چیزی باعث این اتفاق است؟ باز می گردیم به سوال اول بحث، صداقت، استقلال نظری و عمل انقلابی به تحلیل خود و پرداخت هزینه آن با تمام توان. این است که به هیچ وجه نمی شود از برابر یاد و خاطره این حماسه گذشت و کلابه را برای ادای احترام از سر برداشت.

به زبان دیگر، در برابر بی عملی گوشه نشینان پر حرف، در برابر یاس و زمین گیر شدن پرگوینان و حرافان، این فدایی است که با تمام توان دل به دریا می زند و شب سیاه حاکم را با درخشش آتش مسلسل خود آتشین می کند. بوی باران، دماغ گوشه نشینان و توجیه کنندگان جبن و ذلت را می آزارد اما جوانان میهن را به شوق می آورد و آنها برای پیوستن به صف انقلاب ثانیه شماری می کنند.

با این همه اما، فدایی عاشق زندگی است. فدایی برای آزادی، فدایی برای رفاه، فدایی برای زندگی ای بهتر دل به دریا زده است. تلاش می کند تا جوانان و بیش از همه کارگران را تشویق به سازمانیابی کند. بحث این که تشکلهای اجتماعی باید ادامه راه سیاهکل باشد، آغاز می گردد. اما ساواک و دستگاههای حمایتگر دیکتاتوری شاه، همه تلاش خود را به کار می گیرند تا ارتباط فدایی با جامعه را قطع کنند. قتل به محض تشخیص چریک، گلوله باران کردن آنها در خیابان، نابود سازی خانه های تیمی با ساکتان آن در دستور قرار می گیرد تا به هر شکل ممکن نسل انقلابیون از جان گذشته را برکنند، شاید آرامشی به خواب آشفته اربابانشان بدهند.

بقیه در صفحه ۱۳

باید بیشتر تکیه کرد و به آن بیش از بقیه ارزش گذاشت و پرداخت.

بگذارید مختصر نگاهی به شرایط آن روزگار ببیندازیم تا به تحلیل آنها از شرایط روز خود نزدیک تر شویم.

رژیم برآمده از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ همه نیروهای موجود، حتا منتقدان نزدیک به خود را هم منکوب کرده و هیچ صدایی در جامعه به اعتراض نمی تواند و اجازه نمی یابد بلند شود. جزیره آرامش نامی است که شاه به آرامش گورستانی حاکم به دست ساواک و حمایتگران خارجی اش داده است.

بی عملی حزب توده در ۲۸ مرداد باعث شکست استراتژیک کمونیستها و انقلابیون در کشور شد. بدتر از آن، در سالهای بعد این حزب نه تنها موضعی درست در برابر کودتاچیان نگرفت، بلکه با حمایت از اصلاحات سیاسی اجتماعی شاه که همان اجرای اصل ۴ ترومن بود، راه رشد غیر سرمایه داری را کشف و به دنبال آن افتاد.

در چنین فضایی که نفس کشیدن ممکن نیست، عده ای از جوانان پر شور دست به کار شدند، مگر طرحی نو در اندازند و کاری کنند. بیژن جزنی و رفقاییش لو رفتند و به زندان افتادند. گروه پویان - احمدی زاده در تدارک بودند و هنوز تلاش می کردند تا موانع ایدیولوژیک راه خود را رفع کنند. غفور حسن پور باز مانده گروه جزنی، دست به تجدید سازماندهی زد. تیمی برای شناسایی منطقه کوهستانی-جنگلی شمال از مازندران به سوی گیلان روانه شد. بازگشت صفای فراهانی از جبهه فلسطین با نظریات و تجربیات تازه، خون تازه ای به رگهای گروه جنگل تزریق کرد. وقتی صفای متوجه می شود که گروه تدارکات وسیعی دیده و تقریباً آماده کار است. به فلسطین می رود و با دست پر برای گروه باز می گردد.

در همین بازه زمانی، گروه پویان-احمد زاده با گروه جنگل ارتباط می یابد و پروسه همکاری و ادغام دو گروه آغاز می گردد. فرمانده حمید اشرف کسی است که بیشترین تدارکات گروه را انجام می دهد و تقریباً نامی از او در هیچ کجا نیست. همه چیز دور از چشم ساواک و جاسوسهایی که همه جا پراکنده، انجام می شود. اتفاقی ناخواسته، یعنی لو رفتن یکی از افراد گروه تدارکات، گروه جنگل را به عمل وا می دارد و در سیاهکل حمله به پاسگاه ژاندارمری برای آزادسازی رفیق دستگیر شده آغاز می شود. اولین گلوله شلیک شده آنچنان پژواکی می گیرد که صدایش تا آن سوی کشور شنیده

انقلاب مشروطیت و جنبش ملی کردن نفت که الگویی شد تا خاورمیانه خونی تازه در رگهای خود ببیند و دست به حرکاتی بزند که سالها کسی حتا خواب آن را نیز نمی دید.

شاید به همین دلیل است که گروه امی امروز ما هم در بهمن است؛ بهمن ماه جادویی، ماه تاریخی و ماه نشانه گذاری در تاریخ معاصر ما! پس چرا ما در این ماه گروه نیاییم و قصد خود برای آنچه در اندیشه داریم را با یکدیگر تبادل نکنیم. از تکرار گذشته و فروغ تابان حرکات تاریخی جانی تازه به اندیشه های خود ندهیم و اراده خود را صیقل نزنیم و پردازشی نو نکنیم تا برای ادامه راه مصمم تر باشیم؟

شاید کسانی بگویند، برگزاری این گونه مراسم و بزرگداشت و حماسه سازی از یک عده که در تاریخی دور حرکتی انجام داده اند، می تواند چه مشکلی از امروز ما حل کند؟ بگویند، این بزرگداشتها تبدیل به گونه ای مراسم تکراری و یا سنتی شده است که خود را در تکرارش معنا می کند و گرنه چیز تازه نمی تواند داشته باشد.

بگذارید از هم اینجا شروع کنیم. ببینیم حماسه سازان ۱۹ بهمن ۴۹ برای امروز چه دارند، درسهای آن قیام تاریخ ساز برای امروز ما چیست؟ و ما چه چیزی از این تکرار به دست می آوریم؟ آنوقت می شود بهتر در مورد چیزی صحبت کرد که دلیل گردهمایی امروز ما در اینجاست.

### سیاهکل حرکتی نوین

داستان نوزده بهمن در سیاهکل را همه شما شنیده اید. به تکرار هم شنیده اید. از زاویه های گوناگون هم بسیاری به آن پرداخته اند. و بارها دوست و دشمن درباره آن نظر داده اند و در رد و تایید آن بسیاری نوشته اند. اما همه آنها در یک مورد، یعنی دوست و دشمن در یک مورد اتفاق نظر دارند. آنها در صداقت و عمل انقلابی آتش افروزان بهمن ۴۹ هیچ شکی ندارند. در استقلال نظری و عملی آنها هیچگونه ابهامی وجود ندارد. پس عده ای انقلابی صادق با تحلیل خود از موقعیت جامعه به این نتیجه رسیده اند که باید دست به کار شوند و می شوند.

داشته های ما از حرکت سیاهکل، صداقت، انقلابی، تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، و عمل به نتیجه تحلیل خود است. دقت کنیم در موقعیت جهان دو قطبی، استقلال نظری حرفی تازه و تقریباً از مشکلات بسیار بزرگ آن روزگار بود. یعنی، به استقلال نظری

(سخنرانی به نوشتار درآمده رفیق جعفر پویه در مراسم گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل و بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در مونیخ - آلمان)

سلام دوستان و رفقا!

خوشحالم که در جمع شما هستم. این که دور هم جمع شده ایم، باید دلیلی داشته باشد. من فکر می کنم آنچه ما را به این گرد آمدن ترغیب می کند، نیازی است که در درون ما وجود دارد، یعنی گرایش به جمع درونی ما برای معنا کردن حضور خویش و دیدن رفقا و همراهان و تبادل نظر و گپ و گفتی که ما را در اندیشه و ایمان ثابت قدم تر کند. انسان موجودی اجتماعی است و هر کس به فراخور حال و وضعیت خود، در جمعهایی که هم راستا با اوست، خویشتن خویش را معنا می کند. شاید هم ما نیاز داریم تا درون خود را با یاد و نام کسانی صیقل دهیم که الگوهایی شایسته برای استواری و ایستادگی در زندگی و مبارزه هستند. و برای این کار چه کسانی بهتر از بهمن سازان و اسطوره های ماه بهمن.

راستی چرا ماه بهمن در تاریخ معاصر کشور ما این قدر سرنوشت ساز بوده است؟

در بهمن ۴۹ پژواک مسلسل اسطوره های فدایی در سیاهکل، خواب جزیره آرامش شاه و امپریالیستها را بر می آسود. تیم جنگل دل به دریا می زند و در سیاهکل عصر نوینی در مبارزه علیه ظلم و ستم را بنیاد می نهد.

بهمن ۵۷ استبداد شاهنشاهی تاریخی میهن، در قیام مسلحانه توده ها درم کوبیده می شود و بساط آن جمع می گردد.

استبداد مذهبی حاکم در همین ماه متولد می شود. شوم و سیاه و نکبت بار. بهمن ۶۰ مرکزیت مجاهدین خلق تا آخرین نفر و آخرین گلوله در برابر عوامل استبداد جدید که تلاش می کند پایه های خود را تحکیم بخشد، می ایستند و این گونه هشدار می دهد که بین جبهه انقلاب و ضد انقلاب جدید تنها شمشیر داوری می کند.

در تازه ترین تلاش مردم برای منکوب کردن دیو استبداد، در بهمن ۸۹ جنبش اجتماعی با برآمدی بلند می جنبد و سعی می کند تا بساط استبداد مذهبی حاکم را درهم کوبد. شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" گویای زاویه یابی درست این حرکت در تشخیص مشکل و معضل کنونی است؛ تلاشی که آغازگر عصری جدید در تاریخ خاورمیانه شد، همچون همتایان قبلی خود یعنی،

## بهمن تجلی اراده مردم

بقیه از صفحه ۱۲

این است که از مقطعی تاریخی به بعد، دیگر ساواک و دستگاه تحت کنترل امپریالیستها علاقه ای به دستگیری چریکها ندارند. آنها وظیفه دارند تا ریشه آشوب را بخشکانند. این است که رهبران و تیوریسینهای زندانی آنان را در تپه های اوین به گلوله می بندند و پس از مدتی خانه مرکزیت سازمان که در تدارک برگزاری جلسه ای مهم بود را زیر ضرب می گیرند و همه ساکنان آن را به قتل می رسانند. هرچند ساواک و دستگاه تعقیب و مراقبت امپریالیستی تن و جان فدایی را به گلوله می بندند، اما با اندیشه فدایی، با حماسه فدایی، با فرهنگی که نماد یک نسل از انقلابیون شده است، چه خواهند کرد؟ این ماندگاری را با هیچ ابزاری نه ساواک و نه وزارت اطلاعات و نه هیچ سرکوبگر دیگری نخواهد توانست از دل مردم بزداید.

اگر فدایی با تشخیص خود به این نتیجه می رسد که برای شکستن یخ استبداد و گذر از زمستان حاکم، گرمای مسلسل و جانفشانی می تواند نوید بهار دهد، پس دست به کار می شود. تن در برابر طوفان استبداد سپر می کند تا خانه را روشن دارد. از سوی دیگر، بسیار می گویند که فدایی از آمریکای لاتین و یا کوبا و فلان و بهمان کپی برداری کرد؛ حرفهایی که حتا خود گویندگان را هم نمی تواند بفریبد. اگر کسی اندکی با ادبیات فدایی آگاهی داشته باشد، اگر همان اندک تولیدات سنگین وزن آن سالهای فدایی را خوانده باشد، می داند که فدایی با اندیشه خود، با مطالعه خود، با ممارست و بررسی همه جوانب روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه به این نتیجه رسید که باید دست به کار شود. او برای دیگران تئوری نمی باشد، به دیگران نمی گوید که چه بکنند و چه نکنند، او برای باز کردن راه مبارزه، برای گذر از سد استبداد حاکم، برای شکستن یخ دیکتاتوری تلاش می کند و به نتیجه می رسد و اقدام به عمل می کند. او هزینه عمل خود را می پردازد، بنا بر این ثمره آن را نیز باید خود برداشت کند که در سالهای ۵۷ به بعد با تبدیل به شدن به بزرگترین سازمان سیاسی چپ خاورمیانه به آن دست می یابد. راهنمای فدایی در عمل در آن سالها تیوری برخاسته از دل جامعه ایرانی، برای عبور از بحران و رسیدن به آزادی، عدالت و سوسیالیسم است.

### درسهایی برای امروز

درسهایی که حماسه سیاهکل برای امروز ما دارد، مراجعه دوباره به روش آنان برای عمل انقلابی، صداقت در



عمل و تعهد به آنچه است که باید انجام شود و نتیجه برسپهاسات.

جنبش اجتماعی مردم در بهمین 89 را بار دیگر مرور کنیم. اگر چه شروع این جنبش با "رای من کو؟" است، اما جنبش به سرعت راه خود را باز می کند. جوانان ایرانی با شهادتی بی نظیر دل به دریا می زنند و در برابر موج سرکوب وحشت بار حاکم، تن سپر می کنند و یک صدا پا بر زمین می کوبند و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" را فریاد می کنند. ارزش این شعار پس از دوره کوتاهی است که می رود تا جنبش به دلیل سازشکاری و عدم قاطعیت رهبران ادعایی از نفس بیفتد، است. آنان راه خانه نشینی را نشان می دهند، اما جنبش به خانه نمی رود. پای بر زمین سفت کرده و خواسته خود را رادیکال تر می کند. این رادیکالیسم حاکم بر جنبش است که بارها سوژه بحث و گفتگو قرار گرفته و مورد شماتت سازشکاران قرار می گیرد. یعنی، اگر رهبران ادعایی جنبش سبز پس از ۳۱ سال سرکوب و قتل و جنایت بار دیگر خواهان بازگشت به دوران امام خود می شوند، اگر آنها دنبال ظرفیتهای مغفول مانده قانون اساسی می گردند، اما جنبش خود را یک مرحله ارتقاء می دهد، کف خیابان را تصاحب می کند و خواهان برچیدن بساط رژیم ولایت فقیه می شود. عکس و تصویر و بیلبردهای خامنه ای به عنوان نماد این رژیم به زیر پا می افتد و لگد مال می شود. "مرگ بر خامنه ای" همراه "مرگ بر دیکتاتور" شعار اصلی می گردد، معلوم است در چنین وضعیتی آنان که خواهان اصلاح رژیم ولایت فقیه و بازگشت به دوران خمینی هستند، حاضر به پذیرش چنین شعارهایی نیستند. آنان حاضر به پرداخت هزینه چنین شعارهایی نیستند یا به زبان دیگر، این شعارهای آنان نیست. از این به بعد آنها به طور خود به خودی دیگر نه رهبران عملی و نه رهبران اجرایی و ادعایی این جنبش نیستند. جنبش با آنان و خواسته هایشان تسویه حساب کرده است. آنها نه تنها

## بهار عربی و جنبش مردم ایران

از هم اینجا نقیبی به بهار عربی بزنیم تا ببینیم در آنجا چه گذشت. آنچه در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه گذشت نیز می تواند درسهایی برای ما داشته باشد. ما بخشی از جهان تک قطبی هستیم. آنچه در آن سر جهان کنونی اتفاق می افتد، به گونه ای به ما هم ارتباط دارد. مفهوم

جهان وطنی، امروز بیش از همیشه در دسترس قرار گرفته است. کوچک شدن جهان، سرعت انتقال اخبار، ارتباطات سریع و جهانی شدن اقتصاد توانسته است ما را در موقعیت کنونی در جهانی قرار دهد که می رود که مرزها به قراردادهایی صوری تبدیل شود و از حیض انتفاع ساقط گردد.

توفان بر آمده از تونس به سرعت طومار رژیم بن علی را درهم می پیچد. این همه به مدد ارتباطات نوین امکان پذیر می شود. این همان چیزی است که جنبش اجتماعی مردم ایران با استفاده درست و بهینه از تکنولوژی به جهان عرضه کرد.

سرعت عمل در دادن اخبار و نقل و انتقال نیروهای میدانی در برابر پلیس و گنج کردن آنها و از حرکت انداختن شان، این ارمان را برای جنبش مردم دارد که نسبت به پلیس و دستگاه اطلاعاتی دست بالا را داشته باشد. جنبش با استفاده درست از تکنولوژی توانست با سرعت نیروهای خود را جابجا کرده و پلیس و نیروی سرکوبگر را جا بگذارد.

این سرعت منجر به فلج سازی پلیس و نیروی سرکوب می شود، با فشل شدن نیروی سرکوب، روحیه آنان بهم ریخته و توان عملیاتی شان روز به روز و ساعت به ساعت کاهش می یابد. نیروی سرکوبگر منکوب شده و بی روحیه هرگز نخواهد توانست در برابر روحیه کوبنده نیروهای انقلاب دوام آورد و به سرعت فرو خواهد ریخت. این آن اتفاقی است که در تونس توانست به سرعت رژیم بن علی را سرنگون کند.

تجربه این عمل در میدان تحریر مصر به گونه ای دیگر تکرار شد. تمرکز یک بخش عظیم نیرو در مرکز و عملیات روان و جاری نیروهای اجرایی در دیگر مناطق، نیروهای پلیس را به چندین قسمت تقسیم می کند. عدم تمرکز نیرو و ناتوانی در نشان دادن قهر دستان شکن، نیروی سرکوب را وادار به عقب

بقیه در صفحه ۱۴

## بهمن تجلی اراده مردم

بقیه از صفحه ۱۳

نشینی می کند. این درحالی است بخش متمرکز در میدان تحریر هر روز قدرتمند تر از گذشته در میدان پا سفت می کند و بر خواسته خود اصرار دارد. عدم توانمندی نیروی پلیس برای سرکوبی این حجم عظیم مردم، حکومت را فلج می سازد. آغاز چانه زنی و سازش با پافشاری نیروی حاضر در میدان، رو به روز پایه های حکومت را بیشتر لرزان می کند تا جایی که به ریزش آن می انجامد. این آن اتفاقی است که در مصر افتاد.

اگر بخواهیم جنبش مصر و تونس را با جنبش مردم ایران مقایسه کنیم و تفاوتها و شباهتهای آنها را نشانه گذاری کنیم، می توانیم به موارد بی شماری اشاره کنیم. اما به طور کلی می توان این گونه گفت که اگر در ایران رهبران جنبش می خواهند چهره رژیم را بزرگ کنند و به دوران خمینی باز گردند، اگر آنان به دنبال اصول مغفول مانده قانون اساسی رژیم هستند و در قانون اساسی ای که بر اصل ولایت فقیه استوار است دنبال تضمین آزادیهای سیاسی و اجتماعات می گردند، اما در مصر و تونس هیچ کسی سخنی کمتر از رفتن رژیم مبارک و بن علی نمی گوید. به زبان ساده، مردم مصر و تونس دست به انقلاب زدند، درحالی که رهبران جنبش در ایران بدون توجه به خواسته های مردم، خواهان اصلاح رژیم موجود و ادامه آن بودند.

این است که شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، به معنی "مرگ بر قانون اساسی" رژیم و نماد آن است؛ قانون اساسی ای که هیچگونه امکان اصلاحی در آن وجود ندارد. آثانی که خواهان قانونی شدن جایگاه ولایت فقیه و محدود شدن اختیارات آن هستند، هرگز نمی توانند شعار "مرگ بر خامنه ای" که به معنای شعار "مرگ بر ولایت فقیه" است را برتابند.

یعنی، عدم مرزبندی قاطع با سرکوبگران و پایبندی به قوانین همین رژیم موجود، و عدم درخواست سرنگونی آن باعث می شود تا جنبش حاضر در میدان چند تکه شده و در عمل امکان سرکوب آن آسان تر گردد. پادوهای مزدبگیر این دم و دستگاه اصلاحات چی در خارج کشور نیز سعی کردند تا با بند و بسط با مراکز قدرت، سیر جریان را به ضرر مردم و به نفع سرکوبگران تغییر دهند و یا حداقل از نفس بیندازند. این است که اینان نیز در عمل چیزی از آنها که در کهریزک دست به آن جنایات هولناک زدند، کم ندارند، از قماش آنان هستند و در جنایات شان شریکند، هرچند امروز قیافه حق به جانب گرفته و دریده و وقیح خود را صاحب حق بدانند.

اگر قیام مردم ایران با قیامهای کشورهای عربی منطقه خاورمیانه یک وجه مشترک داشته باشد، دیکتاتور ستیزی و آزادخواهی آنان است. به نتیجه رسیدن قیام مردم تونس و مصر کفه ترازو را در منطقه علیه رژیم ولایت فقیه و به نفع مردم سنگین کرد. رژیم جمهوری اسلامی بر خلاف ادعاهای تا کنونی که خود را مدافع قیام مردم منطقه می نامید و آنها را الگو برداران از خود اعلام می کرد، در عمل علیه این قیامها شعار داد و تا آنجا که می توانست، خود را افشا کرد. بیهوده نبود که رهبر مسلمانان تونس به طور رسمی اعلام کرد که هیچ وجه مشترکی با رژیم ولایت فقیه ندارد و در مصر نیز نشانی از رد پای رژیم دیده نمی شود. اما موضعگیری علیه مردم در سوریه و پشتیبانی تمام عیار از رژیم بشار اسد و حمایت مادی و تسلیحاتی از آن برای سرکوب قیام مردم، اثبات کرد که دیکتاتورها در مخالفت با خواسته های مردم وجوه مشترک فراوانی دارند. افشای این اعمال جنایتکارانه باعث شد که مردم سوریه علیه رژیم جمهوری اسلامی و رهبران آن موضع بگیرند و آنان را همدستان پلیس و نیروی سرکوبگر رژیم اسد بنامند.

### شهروندان جهان

اتفاقات خاورمیانه عربی و جنبش برآشفته گان در اشغال وال استریت در جهان کنونی نه تنها به ما مردم ایران مربوط است، بلکه به همه مردم جهان ارتباط دارد. دستاوردهای جنبش مردم در هر کنار گوشه، دستاورد بشریت امروزی است و متعلق به همگان است. این حق همه ی ماست که با یکدیگر در ارتباط باشیم و تجربیات خود را با هم به اشتراک بگذاریم. از یکدیگر بیاموزیم و برای حمایت درخواست همراهی و همگامی کنیم.

جهان کنونی، به یمن حضور ارتباطات، جهانی بی مرز و کوچک شده است. در چنین جهانی همه موضوعاتی که مربوط به مردم، همه معضلات و ستیز و دستاوردها به همدیگر مربوط اند. در چنین وضعیتی این ما هستیم که از جنبش بهار عربی می آموزیم و به آنها می آموزانیم. ما از جنبش اشغال وال استریت می آموزیم و به آنها می آموزانیم. این که حد و اندازه آن چه اندازه و چه مقدار است، مهم نیست؛ مهم این است که با یکدیگر ارتباط داریم و این امر مهم جهانی کنونی را به خوبی درک می کنیم و به این ضرورت پاسخ می گوئیم.

حماسه سیاهکل در بهمن ۴۹ هنوز زنده است. آرمانهای خود را در جنبشهای مختلف جهان باز می تاباند. خواسته های به حق و شیوه دست یابی به آن را در عمل، تیوری و تجربه مکرر می کند و راهنمایی است برای امروز ما که در چنین وضعیتی با درک ضرورتها اقدام به پاسخگویی به آن کنیم. این که در این راه چه اندازه موفق می شویم، در مرحله بعدی قرار دارد؛ مهم تلاش برای پاسخگویی به ضرورت است و اقدام به انجام وظیفه انقلابی و آزادیخواهی.

بهمن، ماه مردم، ماه انقلاب و خیزش، ماه عمل انقلابی و ماه تولد چریک فدایی خلق بر شما مبارک باد!

## در سوک مادر عالم تاج کلانتری نظری



با تاثر و تاسف فراوان روز جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۹۰ مادر فدایی، خانم عالم تاج کلانتری درگذشت. خانم کلانتری، مادر فدایی شهید رفیق بیژن جزنی و خواهر فداییان شهید رفقا مشعوف (سعید) و منوچهر کلانتری بود که در دوران زندگی پرتلاطم اش همواره در کنار فرزند و برادرانش، برای آزادی و عدالت مبارزه می کرد. زندگی زنده یاد رفیق عالم تاج کلانتری سرشار از انسانیت، فداکاری و مسئولیت پذیری بود. این مادر فداکار به خاطر مقاومت در برابر مستبدان و چپاولگران و به ویژه تسلیم ناپذیری او در مقابل رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه شخصیتی قابل احترام برای همگان بود. او هرگز به نظام جهل و جنایت جمهوری اسلامی تن نداد و مدافع همیشگی آزادیخواهان بود.

فقدان مادر عالم تاج کلانتری را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به خانواده های جزنی، کلانتری، قریشی و به مادران و پدران فدایی، به تمامی خانواده های شهدای راه آزادی، به فعالان جنبش فدایی و به زنان و مردان آزادیخواه ایران تسلیت می گویم.

مهدی سامع

یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۰

## آب - باری بر دوش زنان، حقوق بشر و سود شرکتها (بخش پایانی)

نویسنده: زحل ایشیلیورت گوندوز (Zuhal Yeşilyurt Gündüz)

منبع: ماتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

### زنان و آب

اگرچه عدم دسترسی به آب و امکانات و سرویسهای مربوط به آن، همه عرصه های زندگی زنان و مردان را تحت تاثیر قرار می دهد، اما وضعیت زنان بیشتر از مردان به دلیل کمبود آب، بیماریهای ناشی از آن و کمبود امکانات و سرویسهای آبرسانی بحرانی است. زیرا زنان در بسیاری از جوامع در سراسر جهان مسوول فعالیتهایی مانند آشپزی، شستشو، پاکیزه کردن خانه و رسیدگی به اعضای خانواده و مسایل بهداشتی آنان هستند. بدین وسیله، از زنان و دختران انتظار می رود که مسوولیت جمع آوری و انتقال آب برای مصرف خانگی را هم به عهده بگیرند. برای میلیونها زن در جهان، شرکتی خصوصی آبرسانی مانند "ویلا" وجود ندارد که به آنها بگوید "بفرمایید این هم آب سالم، مطمئن و تازه!" برعکس، آنها می بایست زمان و انرژی زیادی را صرف جمع آوری آب کنند. این معضل، فرصت و شانس زنان در بهره بردن از تحصیلات، دستیابی به کار با دستمزد و یا داشتن فرصت کافی برای فعالیتهای دیگر و تفریح را به صورت قابل توجهی کاهش می دهد. زنان و دختران مذکور روزانه مسافتهای طولانی ده تا پانزده کیلومتری را بیشتر اوقات با پای پیاده، چه هوا سرد باشد یا نه، باردار باشند یا نه، مسیر خطرناک باشد یا ایمن، طی می کنند. آنها در معرض آزار و اذیتهای فیزیکی - جنسی، ابتلا به بیماریهای گوناگون به دلیل درازتباط قرار گرفتن با آب ناسالم، حمله حیوانات وحشی و مشکلات فیزیکی به دلیل حمل سنگین آب قرار می گیرند. آنها امیدوارند که آب سالم و امن پیدا کنند، در غیر اینصورت، خطر بیماری و مرگ، زندگی اعضای خانواده و کودکان آنان را تهدید خواهد کرد. به طور عمومی، زنان در جنوب آفریقا مسافتهای طولانی که شباهت به سفر به ماه دارد را راهپیمایی کرده و در بسیاری مواقع شانزده بار در روز فاصله خانه تا محل آب آشامیدنی را جهت فراهم کردن آب برای خانواده خود طی می کنند. زنان برای این فعالیتهای دستمزدی دریافت نمی کنند که سبب خسارت به درآمد ملی در ابعاد عظیمی می شود.

گزارش مصرف کنندگان آب سال ۲۰۰۴ از جمله تاکید می کند که:

زنان فقیر روستایی در کشورهای پیرامونی، هشت ساعت در روز جهت جمع آوری آب کار می کنند و در هر سفر بیش از ۲۰ کیلو آب را بر سر خود حمل و تحمل می کنند.

بقیه در صفحه ۱۶

بر اساس گزارش سازمان ملل، عدم دسترسی به آب سالم و دیگر امکانات بهداشتی پیرامون آن یکی از مهمترین دلایل تشدید بحران سلامتی انسانها در جهان به شمار می رود. ۸۸۴ میلیون نفر در جهان (یک نفر از هر هشت نفر) از عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بیش از ۲.۶ میلیارد نفر (چهل درصد از جمعیت جهان) از دسترسی نداشتن به امکانات بهداشتی در رابطه با آب، رنج می برند. سالانه ۳.۵ میلیون نفر در جهان از بیماریهای وابسته به آب، جان خود را از دست می دهند. دومین و مهمترین عامل مرگ و میر میان کودکان زیر پنج سال، بیماری اسهال به دلیل عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، فقر بهداشتی و امکانات نامناسب سرویس دهی آب و شرایط نامساعد سلامتی و تغذیه ناکافی است. سالانه نزدیک به ۱.۵ میلیون کودک در جهان در اثر ابتلا به بیماری اسهال جان خود را از دست می دهند. هر بیست دقیقه، یک کودک در جهان به دلیل بیماریهای وابسته به آب ناسالم مانند اسهال، وبا، دیسنتری یا اسهال خونی، حصبه، کرم گینه و هپاتیت جان می سپارد.

بیش از چهل درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی می کند که دچار بحرانهای ملامت تا شدید آب است. بر اساس تحقیقات انجام شده، نزدیک به دوسوم از جمعیت جهان، یعنی بیش از ۵.۵ میلیارد نفر تا سال ۲۰۲۵ مجبور به زندگی در مناطقی خواهند شد که تحت تاثیر بحران آب قرار دارد. قرن گذشته استفاده از آب رشدی شش درصدی داشته است که این میزان دو برابر نرخ رشد جمعیت جهان است. آبهای زیرزمینی بسیار بیشتر از این که مجدداً ذخیره شوند، در بسیاری مناطق جهان مورد مصرف قرار می گیرند. بدین ترتیب، جهان با بحران پایین آمدن سطح آبهای زیر زمینی روبروست. تحقیقات پیرامون آب تخمین می زند که ۱۳۵ میلیون نفر در جهان تا سال ۲۰۲۰ به دلیل ابتلا به بیماریهای ناشی از آب آشامیدنی ناسالم، جان خود را از دست خواهند داد. این میزان بالاتر از نرخ مرگ و میر تخمین زده در صورت همه گیر شدن بیماری ایدز در جهان می باشد.

البته، بخش وسیعی از میزان مرگ و میر بیماران مبتلا به ایدز که سیستم ایمنی بدنشان بسیار ضعیف می باشد به دلیل ابتلا به بیماریهای عفونی می باشد که به استفاده از آب ناسالم، نسبت داده می شود.

موضع اتحادیه اروپا موضع غالب می باشد که در مقایسه با قطعنامه سازمان ملل، لکه های ننگین و سیاه بیشتری در بر دارد. نقش محوری اصول "آب به عنوان یکی از اصول حقوق بشر" و "ضرورت برابری انسانها در دسترسی و دستیابی به این منبع طبیعی و امکانات وابسته به آن"، با پیشنهاد اتحادیه اروپا که در حقیقت به معنای تجدید حیات تلاش در جهت ابزاری کردن آب و تبدیل آن به کالایی جهت سودآوری و انباشت سرمایه در جهان می باشد، به طور کلی بی معنا و از محتوی تهی گردید. پیشنهاد اتحادیه اروپا به درستی نشاندهنده جهان نو-لیبرالی می باشد که بر پایه کمپابی و نابرابری مواد اولیه بنیان گذارده شده است. وجود نابرابری اقتصادی اجتماعی در همه مراحل زندگی انسان مساله ای است که موضع غالب (اتحادیه اروپا) در تحلیل نهایی نادیده می گیرد و در واقع حاضر به آشکارا گفتن و اقرار به آن نیست. تبعیض طبقاتی که نه تنها جهان را به دو طبقه متضاد پیرامون مساله آب (آنهايي که به آب دسترسی دارند و آنها که ندارند) تقسیم کرده، بلکه این مساله بر اساس تفکیک جنسیتی نیز شکل گرفته است. شکاف طبقاتی با امر خصوصی سازی آب در جهان عمیق تر و بحرانی تر می شود که البته "تبعیض"، کانون اصلی نظام حاکم بر جهان، جهت دستیابی به سود بیشتر و انباشت سرمایه فزون تر است.

### موضع غالب در رابطه با آب

#### فاقد چه مساله ای است؟

وضعیت نامساعد آب رابطه ای تنگاتنگ با موضوعات بشمار اقتصاد سیاسی از جمله فقر، تقسیم ثروت، رفاه، پیشرفت و رشد دارد. شکاف طبقاتی با وجود گذشت نزدیک به شصت سال از پروسه اعمال سیاستهای حمایت کننده و سیاستهای ترقی خواهانه، با وجود پیشرفتهای گسترده در عرصه علم و تکنیک، در همه کشورهای جهان تعمیق یافته است. یک سوم انسانهای جهان در فقر مطلق به سر می برند و از دسترسی به آب آشامیدنی سالم و کافی که اساس و شالوده حیات و زندگیست، محرومند. هر نفر برای رفع حداقل نیازهای اولیه شامل آب آشامیدنی، سیستم تخلیه فاضلاب و دیگر امکانات بهداشتی به دستکم ۲۰ تا ۴۰ لیتر آب نیاز دارد. این میزان برای هر فرد ساکن کشور آلمان ۱۲۰ لیتر و برای ساکن آمریکا بیش از ۲۰۰ لیتر در روز می باشد.

به رسمیت شناختن آب از سوی سازمان ملل به عنوان یکی از اصول پایه ای حقوق بشر، گامی مهم و ثمره تلاش افراد بشمار می بود که برای اجرایی شدن اهداف مترقی هزاره سازمان ملل تلاش کردند. یکی از اهدافی که در سپتامبر سال ۲۰۰۰، از سوی پنجاه و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، کاهش شمار انسانهایی بود که تا سال ۲۰۱۵ قادر به فراهم کردن آب و یا دسترسی داشتن به آب آشامیدنی و امکانات اولیه بهداشتی نیستند. سازمان ملل در "نشست جهانی آب تازه" در سال ۲۰۰۳، اعلام کرد که برای اصلاح وضعیت آب آشامیدنی، امکانات آب رسانی و سیستم تخلیه فاضلاب، سالیانه ۲۰ میلیارد دلار برآورد هزینه شده و بر اساس این تخمین، دستیابی به هدف هزاره سازمان ملل پیرامون آب، به ۱۸۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد. از آنجا که میزان سرمایه گذاری موجود در حال حاضر فقط ۸۰ میلیارد دلار است، از شرکتهای خصوصی تجاری آب دعوت شد تا ۱۰۰ میلیارد کسری بودجه سرمایه گذاری را جبران کنند. بدین وسیله و با دعوت از شرکتهای خصوصی آب در کشورهای صنعتی پیشرفته تحت پوشش به ظاهر اهداف بشردوستانه یا کمک و حمایتیهای ترقی خواهانه، موضوع اهداف مترقی سازمان ملل پیرامون آب - هر چقدر هم مناسب و مفید - بی معنی شد. زیرا، دعوت مزبور، شرکتهای خصوصی آب را به اصلی ترین نفع بردگان از پروژه اصلاح وضعیت دسترسی به آب و امکانات لازم تبدیل می کند. در حالی که امکانات مذکور قبلاً همگانی بوده ولی توسط همین شرکتها به عنوان کالایی جهت سودآوری و انباشت سرمایه به بازار عرضه گردیده است.

اتحادیه اروپا نیز بعد از این حرکت بشمارانه، در بازنگری خود پیرامون اهداف پیشنهادی سازمان ملل در رابطه با آب در سال ۲۰۱۰، تاکید کرد که جهت دستیابی به چنین اهدافی به شرکتهایی قوی و با نفوذ مانند سازمانهای جوامع مدنی و بخش خصوصی احتیاج است. اتحادیه اروپا با تاکید بر مشارکت قوی و پرتنر شرکتهای خصوصی در واقع راه را جهت دخالت شرکتهایی مانند "سویز"، "ویولیا" و "آب توماس" باز می کند و بار دیگر بر موضع خود مبنی بر اعمال سیاستهای نو-لیبرالیستی و خصوصی سازی هر چه بیشتر در رابطه با آب در جهان، صحنه می گذارد. در حال حاضر،

## نمایش انحرافی "دادگاه اختلاس بزرگ" لیلا جدیدی

## آب - باری بر دوش زنان، حقوق بشر و سود شرکتهای

## مقوای امام...

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۱۴ بهمن

تنها ۲۴ ساعت پس از ظهور خمینی مقوایی در فرودگاه، بهشت زهرا و مدرسه رفاه، سراسر جامعه از طنزهایی که خمینی مقوایی و ابتکار جهالت بار ستاد برگزاری مراسم دهه فجر را هدف قرار می دهد، پر شد. شدت و گزندگی طنزهای جوانان به حدی بود که نه تنها تلویزیون و دستگاه تبلیغاتی رژیم جرات نشان دادن این نمایش مسخره را نیافتند، بلکه بازخورد آن در جامعه، سیاه رویی برای آنان به بار آورد.

بررسی کلی طنزهای ساخته شده نشان از نفرت عمومی مردم از رژیم و بنیانگذار آن خمینی دارد؛ رژیمی که این روزها در دریای فساد سیاسی و اقتصادی دست و پا می زند و پایوران فاسد و تبهکار آن سقوط ارزشهای فرهنگی و اسلامی خود را در پیش چشم مردم تماشا می کنند.

دستاورز قرار دادن امام مقوایی و با زبان اشاره خمینی به تمسخر گرفته شده را در شکل و نوع ساختن طنزها می شود به خوبی دید. از "مقوای امام، مقوای امام" تا "روح منی مقوای، بت شکنی مقوای" کاملن مشخص می کند که مضحکه این میدان، بنیانگذار رژیم جمهوری اسلامی، روح الله خمینی است. هرچند ابتکار ستاد برگزاری "دهه فجر" که از امربران علی خامنه ای، جانشین خمینی است، نشان می دهد که خودبینی و کونه فکری او کار را به جایی رسانده که گردانهای نظامی را وادار به ادای احترام به تکه ای کاغذ و مقوای می کند و حمید رضا حاج بابایی، وزیر آموزش جامانده از مراسم استقبال آن روزهای خمینی برای جا گرفتن در کنار ماکت مقوایی او سر از پا نمی شناسد.

به این دلیل است که کسی در فضای مجازی سووالی طرح می کند و می پرسد: "با دو متر مربع مقوای، چند امام کامل می توان ساخت؟" و دیگری می نویسد: "آب زنید راه را، نگار مقواییه، ... و کسی خبر می دهد که: "با توجه به بارانی بودن هوای تهران متاسفانه با خبر شدیم، لحظاتی پیش امام پاره شد."

بدیهی است در این روزهای سقوط ارزش پول ملی که نرخ برابری آن با دلار به حدود دو هزار تومان رسیده، گرانی و فقر و بیکاری بیداد می کند، مردم با قبضه های سرسام آور برق و گاز روبرو هستند، در حالی که پایوران رژیم در فساد، دزدی و اختلاس غرق شده اند و در روزهایی که دروغ خمینی در گورستان بهشت زهرا به یاد آورده می شود که گفت، "دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن میسازیم، آب و برق را مجانی میکنیم، اتوبوس را مجانی می کنیم، دلخوش به این مقدار نباشید ..."، مردم اینگونه با دستاویز قرار دادن ماکت مقوایی ساخت دستگاه تبلیغاتی علی خامنه ای، با رژیم و بنیانگذار آن تسویه حساب می کنند.

بقیه از صفحه ۱۵

از هر ده دختر، یک نفر در دوره تحصیل در آفریقا در دوران خونریزی ماهانه در دوران بلوغ به دلیل نبود آب سالم و خصوصی بودن امکانات آب، سر کلاس حاضر نمی شود و یا ترک تحصیل می کند.

روزانه شش هزار دختر و پسر به علت بیماریهای وابسته به آب جان خود را از دست می دهند که زنان اصلی ترین عضو خانواده جهت رسیدگی به وضعیت کودکان و بزرگسالان بیمار هستند. -یک زن در محله های فقیر کشور کنیا دست کم پنج برابر بیشتر از یک زن در آمریکا برای یک لیتر آب هزینه پرداخت می کند. جلوگیری از مشارکت زنان در نهادهای تصمیم گیری به دلیل معضل تبعیض جنسیتی، وضعیت زنان را بیش از پیش بحرانی می کند. این در حالیست که زنان نسبت به مردان نسبت به نبود آب سالم، کافی و ایمن، آسیب پذیرترند. بحران آب در زندگی زنان آنچنان نقش مهمی بازی می کند که به جرات می توان گفت که حقوق زنان در عرصه های مختلف تا زمانی که آب به عنوان یکی از اصول حقوق بشر به رسمیت شناخته نشود، با تهدید روبروست.

### برآمد

اگرچه وضعیت آب در جهان در شرایط کنونی بسیار بحرانی و ناگوار است، اما همه چیز از دست نرفته است. مردم در برخی مواقع علیه خصوصی سازی آب و منافع شرکتهای جهانی به مبارزه بر می خیزند و خصوصی سازی آب در برخی کشورها مانند هلند، نروژ و اروگوئه ممنوع گشته است. امکانات آبرسانی در برخی کشورها از جمله بولیوی که به جنگهای موسوم به "جنگ آب" معروف است، از انحصار شرکتهای خصوصی بیرون آمده و به بخش همگانی برگردانده شده است. اما اینها با توجه به رشد و پیشروی بی پایان به سوی سیاستهای خصوصی سازی فقط استثنا محسوب می شود.

تبعیض طبقاتی و تبعیض جنسیتی تا هنگامی که سیاستهای نو-لیبرالیستی ادامه داشته باشد، تا هنگامی که امکانات آبرسانی که پیش تر به بخش عمومی تعلق داشت به انحصار شرکتهای بزرگ خصوصی سپرده شود، پایان نخواهد گرفت. مردم ساکن کشورهای فقیر و پیرامونی در زندگی مملو از رنج کمبود آب و امکانات آبرسانی و مرگ و میر به دلیل ابتلا به بیماریهای مربوط به آب آلوده نگاه داشته می شوند. زنان و دختران مجبور به راهپیماییهای طولانی مدت برای دستیابی به آب و حمل سطهای سنگین آب در زمان برگشت به محل سکونت خود می شوند. هراس از آلوده بودن آب همواره بر زندگی این زنان و دختران مستولی است. این در حالیست که مردم به مصرف بی رویه آب و خریداری بطریهای آب آشامیدنی و آلوده کردن محیط زیست با میزان بسیاری بالای از پلاستیک مبادرت می ورزند. دهه ها پیش کسی باور نمی کرد که انسان روزی مجبور به خریداری آب شود. معلوم نیست شرکتهای بزرگ چه فرصتها و امکانات همگانی و طبیعی دیگری را می خواهند به انحصار خود در آورند و برای به دست آوردن سود بیشتر، دوباره به ما بفروشند؛ به یقین مهار و دست یازیدن به اکسیژنی که تنفس می کنیم، دور از ذهن نیست!

چنین دنیایی بی شک مکان فلاکت و محنت مطلق انسان خواهد بود. در چنین جهانی وظیفه انسان برای ادامه حیات، عمومی کردن آب و در اختیار قرار دادن و تقسیم برابر و کافی آب سالم و تازه برای همه افراد جامعه و زمین است. این مهم، بدون آگاه شدن انسانها و آمادگی یافتن جهت رد کردن انگاره های بازار جهانی سازی سرمایه و مبارزه با آن ممکن نخواهد بود. آب مقدس است، یک حق عمومی ست و بنابراین نمی بایست خصوصی گردد.

\* بخش نخست این نوشته در شماره پیشین نبرد خلق (شماره ۳۱۹، بهمن ۱۳۹۰) انتشار یافته است

فراسوی خبر اول اسفند نخستین پرده دادگاه نمایشی و انحرافی "اختلاس بزرگ" که بخش دوم از سه نمایش سریالی حکومت بعد از نمایش تظاهرات ۲۲ بهمن و پیش از نمایش انتخابات فرمایشی را تشکیل می دهد، روی صحنه رفت.

عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، در مقدمه کیفرخواست ۲۲۰ صفحهای تاکید کرد که چهار فرزند مه‌آفرید امیرخسروی، "متمم ردیف اول پرونده" و به زبان دیگر، قربانی ردیف اول پرونده، از طریق ارتباطات نامشروع اقتصادی و پرداخت رشوه به "مدیران بانکهای مختلف و برخی دستگاه‌های اجرایی" در کمتر از یک دهه به یک "قطب اقتصادی در کشور" تبدیل شدند. آقای‌افراهانی، نماینده دادستانی تهران نیز تاکید کرد که امیرخسروی، مدیر عامل "شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا" و رئیس هیات مدیره شرکت "گروه ملی صنعتی فولاد ایران"، در سالهای گذشته از طریق "برقراری ارتباط با بعضی از مدیران بانکی و اشخاص صاحب نفوذ"، دست به سوواستفاده مالی زده است.

روشن است که در ذهن انسان این سوال برانگیخته می شود که چه شرایطی وجود داشته است تا در نزدیک به هفت بانک دولتی و خصوصی، سه میلیارد دلار اختلاس شود؟ گذشته از آن، آنچه به نام "گروه امیر منصور آریا" خوانده می شود، دارای پرونده های مالی سنگین تری نیز هست که از جمله تیبانی در خرید اموال دولتی می باشد. شاید امضای آقای مشایی پای نامه هایی که خواستار همکاری وزرا جهت واگذاری شرکتهای دولتی به این گروه است، سر نخ قضیه را بیشتر روش کند. غیر از آن، پرونده های زیر بغل احمدی نژاد، دست نشانده ولی فقیه نیز که بی شک حاوی ارقام سرسام آور دزدهای اقوام و یاران خامنه ای است نیز می تواند راهنمایی برای یافتن متممین درجه اول باشد. پیشتر، یازده نماینده مجلس ارتجاع، احتمال زد و بندهای کیفی "بین صاحبان قدرت و ثروت" را مطرح کرده بودند که از بخت بد، نام برخی از نمایندگان ارتجاع هم شامل لیست مزبور شد.

طبق گزارش سازمان شفافیت بین المللی، حکومت ایران در دوره دولت احمدی نژاد یکی از فاسدترین دستگاه های اداری و مالی در میان ۱۸۰ کشور جهان بوده است. اختلاسهای مالی مدیران و دیگر فعالان اقتصادی، وجود رشوه در دستگاه های اداری و دولتی، سلامت دستگاه های نظارتی از نظر رشوه پذیری کارکنان و مدیران و فساد مالی در میان مقامهای دولتی از جمله شاخصهایی است که در تنظیم گزارش های سالانه این سازمان در نظر گرفته می شود.

پرونده فساد مالی حکومت ولی فقیه که نخست اقتصادی و سپس سیاسی و به دستور ولی فقیه دوباره اقتصادی شد، برای مردم ایران همواره سیاسی خواهد ماند. هیچکس باور نخواهد کرد که عبای ولی فقیه که حتی به مجلس خبرگان رهبری می گوید در کارهایش دخالت نکند، خارج از این لجنزار مالی باشد. این محاکمه تبلیغاتی و نمایشی برای انحراف افکار عمومی از توجه به مجریان اصلی فساد است و بدون شک سرانجام متممین فعلی نیز با سرنوشت شکنجه گران کهریزک همانند خواهد بود.



## برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی

### کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۹۰

#### گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

استخدامی خود و پاسخ قاطع مسئولان در این زمینه شدند. مطابق قانون در مشاغل که ماهیت مستمر دارند باید نسبت به عقد قرارداد مستقیم با کارگر اقدام کرد تا امنیت شغلی کارگر تامین شود

\*روز دوشنبه ۲۴ بهمن، کارگران صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، خیابان هفده شهریور را به مدت چهار ساعت مسدود کردند و جلوی تردد خودروها در این مسیر که به بازار آهن منتهی می‌شود را بستند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این حرکت اعتراضی، نیروهای پلیس امنیت و گارد ویژه در محل حاضر شدند و تلاش کردند با تهدید و امنیتی خواندن اقدام کارگران، آنان را وادار به عقب نشینی و باز کردن خیابان کنند اما کارگران با اظهار این که هیچکس در این مملکت به ما جواب نمی‌دهد و به داد ما نمی‌رسد به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند.

به گفته کارگران، خریداران جدید کارخانه مرتبط با پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی هستند و مالک قبلی نیز حاضر به پذیرش هیچ مسئولیتی نیست. کارگران این کارخانه ها اعتقاد دارند معامله کارخانه صوری بوده است و مالک قبلی، مسئول اصلی وضعیت حاضر در این کارخانه هاست.

\*کارگران کارخانه چینی اسپیدار، روز دوشنبه ۲۴ بهمن، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، از شهر صنعتی کاوه دست به راهپیمایی به سمت شهر ساوه زدند و در نتیجه اقدام آنان جاده قدیم ساوه تهران مدتی مسدود شد.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این حرکت اعتراضی از سوی کارگران، فرمانده انتظامی شهرستان ساوه در میان آنان حاضر شد و با قول رسیدگی به خواسته‌های کارگران از آنها خواست نمایندگان خود را به فرمانداری ساوه بفرستند.

۱۴۰ کارگر رسمی چینی اسپیدار از مرداد ماه سالجاری تاکنون دستمزدها و عیدی و پاداش سال گذشته خود را دریافت نکرده اند و شکایت آنها به نهاد ریاست جمهوری و اداره کار استان مرکزی و دیگر نهادهای مسئول نتیجه ای نداده است.

\*روز شنبه ۲۹ بهمن تعدادی از پرستاران بیمارستان فوق تخصصی قلب تهران در اعتراض به نحوه محاسبات عیدی سالانه خود دست به تجمع زدند.

به گزارش ایلنا، پرستاران معترض اعلام کردند: ما پرستاران به جهت این که هنوز به صورت شرکتی فعالیم و همانند پرستاران دولتی از حقوق مزایای دولتی برخوردار نیستیم در نتیجه نسبت به پرداخت عیدی خود بر مبنای دولتی ۳۵۰ هزار تومان معترض بوده و خواستار دریافت عیدی همانند سایرهای گذشته بر مبنای دو پایه حقوق هستیم.

\*کارگران کارخانه شیشه ایمنی طوس در مشهد به علت عدم دریافت ۱۸ ماه حقوق، روز یکشنبه ۹ بهمن در مقابل استانداری خراسان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان خواستار پیگیری مسئولان مربوطه جهت پرداخت حقوق معوقه خود شدند. همچنین تعدادی از بازنشستگان این کارخانه مدعی بودند که حقوق بازنشستگی خود را دریافت نکرده‌اند.

\*روز دوشنبه ۱۷ بهمن، کارگران متروی مهرآباد با خاموش کردن دستگاهها دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیته هماهنگی، این کارگران که در ۵ ایستگاه مختلف مشغول ساخت تونل برای مترو هستند، در اعتراض به ۵ ماه حقوق معوقه خود دست از کار کشیدند.

بعد از چند ساعت کارگران هر ۵ ایستگاه در یکی از ایستگاهها جمع شدند و به اعتصاب خود ادامه دادند. در نهایت با دخالت حراست و نیروهای ضدشورش کارگران ایستگاههای مختلف را محصور کردند که به ایستگاههای خود برگردند. روز یکشنبه ۲۳ بهمن، کارگران مترو مهرآباد که از تاریخ ۱۷ بهمن در پی اعتصاب به مرخصی اجباری فرستاده شده بودند، به محل کار خود بازگشتند اما کارفرما آنها را دو باره به مرخصی اجباری فرستاد و اعلام کرد که تا تاریخ ۲۹ بهمن کار را شروع نخواهد کرد.

\*روز دوشنبه ۱۷ بهمن، کارگران قراردادی نواحی و مناطق مختلف شهرداری رشت به استانداری گیلان واقع در خیابان معلم رشت رفتند. این کارگران نسبت به عدم امنیت شغلی و بی ثباتی کارشان و عدم تجدید قراردادهایشان با شرکتهای خدماتی طرف قرارداد اعتراض کردند.

به گزارش فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان، بیشتر این کارگران زحمتکش خدمات شهری با شرکتهای خدماتی مانند شهریاران، نیل آبی، زرچوب، نور تابان و ... طرف قرارداد و مورد استعمار هستند. این کارگران در ازای اضافه کاری نه اضافه کار می‌گیرند نه بن کارگری نه پاداش و نه سایر مزایا.

\*به گزارش ایسنا، روز سه شنبه ۱۸ بهمن جمعی از بهداشت کاران زن در اصفهان با تجمع در مقابل مجلس خواستار تبدیل وضعیت از پیمانی به رسمی شدند.

\*روز یکشنبه ۲۳ بهمن، کارگران شهرداری تبریز در اعتراض به عدم حذف شرکتهای پیمانکاری، در مقابل ساختمان فرمانداری تبریز دست به یک تجمع زدند. به گزارش ایلنا، در این تجمع کارگران خواستار تعیین تکلیف وضعیت

شایان ذکر است این تحصن توسط پرستاران غیر شیفت صورت گرفت و هیچ مشکلی در ارائه خدمت رسانی پرستاران شیفت بیماران ایجاد نشد.

\*روز شنبه ۲۹ بهمن، جمع کثیری از کارگران شرکتی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان در مقابل معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران به عنوان بازرس و کارشناس جهت رسیدگی به تخلفات اقتصادی و تنظیم بازار استان تهران مشغول به کار بوده‌اند که به دلیل عدم اجرای مصوبه اخیر هیات وزیران مبنی بر تبدیل وضعیت قرار داد کارشان از حالت شرکتی به قرار داد مستقیم و نیز نارساییهایی از قبیل تاخیر چند ماهه در دریافت حقوق مزایا دست به تجمع زدند.

\*روز شنبه ۲۹ بهمن تجمع کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان وارد پنجمین هفته خود شد. کارگران برای بیست و نهمین روز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواهان پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند. روی یکی از پلاکاردهای کارگران نوشته شده بود: «پنج کلیه مربوط به کارگران لوله سازی خوزستان به فروش می‌رسد.»

\*کارگران نساجی مازندران روز شنبه ۲۹ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۳ ماه حقوق معوقه و همچنین حل و فصل نشدن بازنشستگی آنها، جلو استانداری مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند، کارگران نساجی شماره ۳ و ۲ مازندران علیرغم همه تهدیدات نیروهای امنیتی هر هفته جلو فرمانداری یا استانداری دست به تجمع اعتراضی می‌زنند و یک ماه پیش نیز همراه با خانواده هایشان جلو استانداری تجمع کرده و جاده را نیز بستند. یکی از کارگران این کارخانه گفت این قدر وعده و وعید دروغ و پوشالی به ما داده اند که ما دیگر تا حقوق خود را دریافت نکنیم از تجمعات مستمر خود دست برنخواهیم داشت.

\*روز شنبه ۲۹ بهمن، تعدادی از کارگران شرکت مهندسی و ساخت پستهای فشار قوی و صنعتی -سایپا- در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان در داخل ساختمان شرکت واقع در خیابان خرمشهر در تهران تجمع کردند. به گزارش کارگران نیروگاه های ایران، در این تجمع مدیر عامل جدید شرکت با اعلام این که شرکت نقدینگی و پول کافی در اختیار ندارد از کارگران معترضی که بین ۳ تا ۱۱ ماه طلب دارند، خواست در صورت ناراضی بودن شرکت را ترک کنند.

#### اعتصاب لوکوموتیورانان

اعتصاب برخی از لوکوموتیورانان در راه آهن شمال شرقی در اعتراض به مشکلات معیشتی و حقوقی خود طی دو ماه بهمن باعث ایجاد اختلال در حرکت قطارها و تاخیرهای چندساعته قطارهای مسافری شد.

به گزارش رسانه های حکومتی، برخی لوکوموتیورانان پس از حرکت قطارها در

برخی از ایستگاههای بین راهی با خروج از قطار باعث توقف چند ساعته قطار می‌شوند.

در پی درج اخباری در خصوص اعتصاب لوکوموتیورانان برخی از خطوط راه آهن کشور، یک منبع آگاه به ایلنا خبر داد: کارکنان معترض خواستار آن هستند که نسبت به احکام حقوقی و دستمزد آنان بازنگری صورت بگیرد.

به گزارش روز ۱۳ بهمن سایت قانون، اعتصاب برخی لوکوموتیورانها و مهمانداران قطارها موجب شده تا مسافران شاهد تاخیرهای گاه تا ۵ ساعته نیز باشند. رییس قطار خط تهران-مشهد که با ۳ ساعت تاخیر ایستگاه را ترک کرد به خبرنگار قانون گفته که او و همکارانش چندین ماه حقوق و مطالبات معوقه دارند که شرکتهای حمل و نقل ریلی تاکنون پاسخگوی آن نبوده و به همین دلیل آنها در اعتراض به این موضوع به صورت کامل در محل انجام وظیفه خود حاضر نمی‌شوند.

بنا به همین گزارش در مسیرهای تهران-اهواز، تهران-ساری و تهران-مشهد بیشترین تاخیرها وجود داشته است، به گونه ای که قطار تهران-اهواز نیز با ۳ ساعت تاخیر به سوی مقصد به حقوق و مطالبات معوقه دارند که شرکتهای حمل و نقل ریلی تاکنون پاسخگوی آن نبوده و به همین دلیل آنها در اعتراض به این موضوع به صورت کامل در محل انجام وظیفه خود حاضر نمی‌شوند.

#### تعدادی از کارگران زندانی

مهدی فراخی شاندیز، معلم و فعال کارگری، میثم نجاتی عارف، فعال کارگری و دانشجوی دانشگاه آزاد کرج صدیق کریمی، از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران شیت اماتی، از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران ابراهیم مددی، از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

علی نجاتی، از اعضای سندیکای کارگران بیشکر هفت تپه بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و حقوق کودک مهرداد امین وزیری، عضو کمیته هماهنگی و از فعالان کارگری شهر سنج

رضا شهبایی کارگر زندانی، عضو هیئت مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد علی اخوان، از یاران کانون مدافعان حقوق کارگر صدیق کریمی، شاهرخ زمانی، علی اخوان، نیما پور یعقوب، ساسان واهیوش، محمد حسینی،

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

## چالشهای معلمان در ماه بهمن

### فرنگیس باقره

رسول بداقی، معلم زندانی در زندان رجایی شهر توسط آموزش و پرورش برای همیشه از کاراخراج شد. سایت کلمه گزارش داده که رسول بداقی در پیامی کوتاه از زندان رجایی شهر در این باره و دیگر محدودیتها برای معلمان کشور اعلام کرده: اینجانب ضمن محکوم کردن احضارها، تهدیدها، اخراجها و ارباب معلمان ایران به ویژه اعضای کانونهای صنفی معلمان کشور اعلام می کنم که جمهوری اسلامی نظام تعلیم و تربیت کشور را به سوی نابودی و بی هویتی هدایت کرده و آینده ای تاریک را برای جوانان و نوجوانان کشور رقم می زند.

در همین گزارش آمده است؛ رسول بداقی معلم زندانی و عضو سازمان معلمان ایران که بیش از دو سال نیم است زندانی است و حتی یک روز هم از حق مرخصی استفاده نکرده است. همچنین این زندانی سیاسی که این روزها درد شدیدی دارد و باید بیرون از زندان درمان شود با مخالفت مسوولان قضایی برای استفاده از مرخصی درمانی روبه رو است.

همچنین اواخر دی ماه وسایل همسر آقای بداقی در زندان به سرقت رفت، چرا که مسوولان زندان رجایی شهر هیچ وسیله ای اعم از کیف و موبایل را از خانواده های ملاقات کنندگان تحویل نمی گیرند. به همین دلیل همسر آقای بداقی که از راه دور یعنی اسلام شهر تهران برای ملاقات به کرج می آید، مجبور شده موبایل و کیف دستی اش را در جایی بیرون از زندان بگذارد که در نتیجه همه وسایلیش به سرقت رفته است.

رسول بداقی، معلم و عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران، در ۱۱ شهریورماه ۱۳۸۸ بازداشت شد. او در اردیبهشت به علت عدم حضور و کیلش در دادگاه شرکت نکرد و در ماه خرداد وی به همراه عیسی سحرخیز و داوود سلیمانی به زندان رجایی شهر منتقل شد.

این معلم در بند به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم شده است.

به گزارش کلمه در حالی که عبدالله مومنی معلم زندانی به دلیل مشکلات جسمانی زیاد نیاز به انتقال به بیمارستان دارد تا تحت نظر پزشک متخصص قرار گیرد اما تاکنون با انتقال وی به بیمارستان موافقت نشده است و خانواده این معلم در بند بسیار نگران وضعیت سلامت او هستند.

فاطمه آدینه وند همسر مومنی با ابراز نگرانی از وضعیت سلامت همسرش به "جرس" می گوید: "در طول دو سه ماه

بازداشت شد و در دادگاههای نمایشی به تحمل چهار سال و یازده ماه حبس محکوم شد.

همسر سخنگوی سازمان دانش آموختگان ادوار تحکیم وحدت خاطر نشان می کند: "چند وقت پیش هم در ملاقات کابینی زمان ملاقات را پنج دقیقه کم کردند و یک جر و بحثی پیش آمد. خوب پنج دقیقه هم برای ما که کل هفته هم را نمی بینیم خیلی است. ما تقریباً از عید پارسال تا عید فطر امسال فقط دو بار ملاقات حضوری داشتیم الان هم که می بینم این حق را به ما نمی دهند. اصلاً درخواست ملاقات حضوری هم نمی دهم. خود آقای مومنی هم می گویند شما درخواست ملاقات به این آقایان ندهید چون به ما نمی دهند! در طول هفته که از او بی خبر هستیم و در بعضی از روزهای ملاقات، متوجه می شوم که روحیه کسلی دارد. خب شرایط زندان است آن هم با این مشکلات متعدد واقعاً ناراحت کننده است. الان نزدیک به دو سال است که به مرخصی نیامده اند."

وی می افزاید: "بچه هایم هم خیلی از این وضعیت ناراحت هستند و خسته شده اند. بچه هایم دوست دارند پدرشان را ببینند و هر ماه بعد از کلی معطلی



فقط بیست دقیقه از پشت شیشه می توانند او را ببینند. هر دو هم محصل هستند و نمی توانند هر هفته برای دیدن پدرشان بیایند. این قدر به آنها فشار آمده که اصلاً دیدن محیط زندان برایشان عذاب آور شده و نمی خواهند به آنجا بروند. همیشه با خود می گویم انشالله که دل اینها به رحم بیاید و حداقل یک مرخصی بدهند تا این بچه ها مدتی با پدرشان بگذرانند اما باز می گویم از اینها نباید انتظار داشت."

مومنی در تابستان ۱۳۸۹ نامه سرگشاده خطاب به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی نوشت. او در آن نامه به شرح شکنجه های در دوران انفرادی پرداخت، شکنجه هایی چون فرو بردن سر در کاسه توالت تا شکنجه های جسمی و روحی و رها کردن او در سلول انفرادی به مدت طولانی. اما به جای رسیدگی و بررسی این نامه همانند نامه های دیگر او احضار شد و دوباره تفهیم اتهام شد.

همسر عبدالله مومنی در پایان گفته است: "از مسوولان باز درخواست می کنم یا مرخصی استعلاجی به همسرم بدهند یا حتی تحت الحفظ به بیمارستان منتقلش کنند تا تحت درمان قرار گیرد و وضعیتش از این بدتر نشود که دیگر قابل جبران نباشد. و این امیدواری را دارم که انشالله موافقت خواهند کرد.

طبق اخبار منتشر شده، روز پنجشنبه ۲۰ بهمن محمد توکلی دبیر کانون صنفی فرهنگیان کرمانشاه به حراست آموزش و پرورش احضار شد.

بنا به گزارش هرانا از کرمانشاه، در پی اعصاب معمان کرمانشاه در طی دو هفته گذشته و عقب نشینی ریاست کل آموزش و پرورش، محمد توکلی به حراست آموزش و پرورش احضار شد. محمد توکلی، یکی از اعضای باسابقه و کوشنده ی شورای مرکزی کانون صنفی معلمان کرمانشاه است که از گذشته تاکنون، در تلاشهای صنفی این نهاد، حضور چشمگیری داشته و همین امر موجب بازداشت متعدد وی شده است.

لازم به یادآوریست، معلمان مدارس استان کرمانشاه به دلیل عدم پرداخت حقوق دو ماهه خود و در یک اقدام هماهنگ از رفتن به سر کلاسهای خود سرباز زدند و در پی این اقدام ریاست آموزش و پرورش مجبور به پذیرش خواسته های آنها شد و حقوق یک ماه معلمان استان فوراً پرداخت شد.

روز شنبه ۸ بهمن، مجید روستایی، مدیرعامل کانون بازنشستگان فرهنگی و وظیفه بگیران استان اصفهان به خبرگزاری فارس گفت: بازنشستگان فرهنگی موجود در سطح کشور یک هزار و ۸۳۰ میلیارد تومان از دولت طلبکار هستند و این بدهی دولت به سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ باز می گردد. وی با اشاره به این که در حال حاضر بیش از ۸۰ هزار بازنشسته فرهنگی در سطح کشور وجود دارد، اظهار داشت: در سراسر اصفهان نیز حدود ۵۰ هزار فرهنگی بازنشسته وجود دارد و این افراد در زمان پیری و سال خوردگی خود به حمایتهای مسوولان نیازمند هستند.

مدیرعامل کانون بازنشستگان فرهنگی و وظیفه بگیران استان اصفهان با اشاره به این که افزایش نرخ تورم سبب خالی شدن سفره های فرهنگیان بازنشسته شده است، تصریح کرد: هر ساله حقوق فرهنگیان بازنشسته باید براساس افزایش نرخ تورم افزایش داده شود اما طی سالهای گذشته این موضوع رعایت نشده است.

وی بیان داشت: براساس اعلام بانک مرکزی افزایش نرخ تورم در سال جاری حدود ۲۰ درصد بوده اما حقوق فرهنگیان بازنشسته ۱۰ درصد افزایش یافته است و افزایش حقوق این افراد بر مبنای افزایش نرخ تورم نیست.

## رویدادهای هنری ماه

### لیلا جدیدی

#### سخن روز:

- فرهنگ پروران باید بنگرند و دریابند که در کنار کدام نیروی تاریخی ایستاده اند؛ در کنار نیروهایی که راه را به پیش می‌کشند یا نیروهای واپس‌گرا و محافظه‌کار؟ زیرا برای هنرمند که انسانی پرورده‌ی جامعه است، جایی برای بی‌تفاوتی نیست. هنرمند نباید ناتوانی، اشتباه یا سرکشیها و هوسهای روان خود را با هنر خویش توجیه کند و آن را به یاری افزار هنر به دیگری سرایت دهد و به جای اکسیر شفابخش، تریاق مخدر و یا زهر شهد آلود بسازد. هنرمندان در این صورت دچار نوعی تبه‌کاری شده‌اند، زیرا آنها در پرورش وجدان جامعه دخالت موثر دارند (ماکسیم گورکی (مارس ۱۸۶۸ - ۱۸ ژوئن ۱۹۳۶) داستان نویس، نمایشنامه‌نویس و مقاله‌نویس انقلابی روس و از بنیانگذاران سبک رئالیسم سوسیالیستی)

#### موسیقی و رقص

#### رقصنده مصری و اسلام‌گرایان

"دینا"، یک رقصنده معروف مصری، اسلام‌گرایان سلفی را خطری بزرگ برای همه مصریها برشمرد چرا که به گفته او "آنها چیزهای زیادی از جمله گردشگری، هنر و دموکراسی را حرام می‌دانند و به یک هنرمند به دیده کافر می‌نگرند". با این حال وی تأکید کرد، حتی در صورتی که دولت اسلامی در مصر بر سر کار آید و رقص را ممنوع کند، باز هم به این حرفه ادامه خواهد داد و افزود: "من حرفه دیگری غیر از رقص نمی‌دانم، بنابراین در هر شرایطی از آن کناره‌گیری نخواهم کرد".

"دینا" گفت: "نمی‌دانیم در آینده چه پیش می‌آید، اسلام‌گرایان می‌گویند در کار هنر دخالت نخواهند کرد اما هیچ تصمیمی وجود ندارد. شاید پس از به حکومت رسیدن، هنر را لغو و خواسته‌های خود را تحمیل کنند که در آن زمان کاری از دست ما ساخته نیست." چندی پیش یکی از اعضای سلفیهای تندروی مصری، ورزش فوتبال را حرام دانست اما پس از واکنش تند بسیاری از مردم این کشور، از موضع خود عقب نشینی کرد.

#### درگذشت ویتنی هیوستن

#### خواننده سرشناس آمریکایی

"ویتنی هیوستن"، خواننده مشهور پاپ آمریکایی که در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در اوج شهرت بود و صدها جایزه موسیقی را از آن خود کرده بود، در هتلی در "بورلی هیلز" آمریکا و در سن

تا گره‌گشایی از مشکلات جامعه سینمایی.

#### جایزه دستاورد سینمایی به

#### جورج لوکاس به پاس فعالیت‌های

#### ضد نژادپرستانه

"جورج لوکاس"، خالق سری آثار "جنگ ستارگان"، جایزه "پیشگام" را از انجمن ملی پیشرفت رنگین‌پوستان آمریکا دریافت خواهد کرد. این جایزه به پاس فعالیت‌های "جرج لوکاس" در زمینه افزایش آگاهی مردم نسبت به موضوعات اجتماعی و نژادپرستانه به وی اهدا می‌شود.

فیلمهای "لوکاس" حماسی و علمی-تخیلی بسیار محبوبی هستند که انقلابی در عصر فیلم‌سازی پدید آورده، به‌ویژه در زمینه جلوه‌های ویژه که او از پیشتازان آن به شمار می‌رود. وی همچنین در خلق شخصیت باستان‌شناس و ماجراجوی سینمایی "ایندیانا جونز" با "استیون اسپیلبرگ" همکاری کرده است. او با ۳/۱ میلیارد دلار ثروت، در سال ۲۰۱۱ یکی از پول‌سازترین کارگردانان و تهیه‌کنندگان مستقل صنعت فیلم سازی شناخته شده است.

#### جشنواره برلین بدون فیلم‌های

#### ایرانی

شصت و دومین دوره جشنواره برلین که در کنار کن و ونیز، ضلع سوم جشنواره‌های رده اول جهانی است، با نمایش فیلم "بدرود ملکه من" ساخته "بنوا ژاک" افتتاح شد. این فیلم به انقلاب فرانسه می‌پردازد و سعی دارد این بار از زاویه‌ای متفاوت به آن نگاه کند؛ همه چیز در داخل کاخ ورسای می‌گذرد و ما تنها اثر انقلاب را بر ملکه و مستخدمان او می‌بینیم.



جشنواره جهانی فیلم برلین که سال گذشته مهمترین جایزه اش یعنی، "خرس طلایی" را به "جدایی نادر از سیمین" ساخته اصغر فرهادی اهدا کرد، امسال در حالی کار خود را آغاز می‌کند که هیچ فیلمی از سینمای ایران را در بخش مسابقه خود نپذیرفته است. با این حال، اصغر فرهادی به عنوان داور بخش مسابقه جشنواره برلین انتخاب شده است.

از جمله فیلمهای شاخصی که در روزهای اول جشنواره به نمایش در آمد، فیلم "آنها" به کارگردانی "مالگوسکا زوموفسکا" و با بازی "ژولیت بینوش"، "گروگان" به کارگردانی "بریلیانت

مندوزو" و "رقاص سایه" به کارگردانی "جیمز مارش" می‌باشد. جشنواره فیلم برلین تا نوزدهم فوریه ادامه داشت.

#### جشنواره فیلم بفتا و درخشش

#### فیلم صامت "آرتیست"



"بفتا"، معتبرترین و با شکوهترین مراسم سینمایی بریتانیا شب گذشته برگزار شد. فیلم صامت "آرتیست" هفت جایزه این مراسم را از آن خود کرد. "آرتیست" در رشته‌های کارگردانی، فیلم‌نامه‌نویسی، بازیگری مرد، موسیقی، طراحی لباس، فیلمبرداری و بهترین فیلم موفق شد که جایزه بگیرد. این فیلم داستان یک هنرپیشه فیلمهای صامت است که اضافه شدن صدا به سینما او را به وحشت از دست دادن کارش انداخته است. نویسنده و کارگردان این فیلم "میشل آزانایویسوس" از فرانسه است. "بفتا"، آکادمی هنرهای سینمایی و تلویزیونی بریتانیا است که امسال شصت و پنجمین دوره آن برگزار شد.

#### مریل استریپ جایزه بهترین

#### بازیگر زن در بفتا را گرفت

جایزه بهترین بازیگر زن در "بفتا"ی امسال را "مریل استریپ" گرفت. خانم "استریپ" در فیلم "بانوی آهنگین" نقش "مارگارت تاچر"، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا را بازی کرده بود. هرچند "مارتین اسکورسزی"، کارگردان سرشناس سینما، در این مراسم با فیلم "هوگو" حضور داشت و برای کارگردانی نامزد دریافت جایزه شده بود، اما جایزه‌ای که به خانه برد برای دستاوردهای سینمایی اش بود؛ جایزه‌ای که پیش از این به سینماگران بزرگی مانند "چارلی چاپلین"، "آلفرد هیچکاک" و "استنلی کوبریک" اهدا شده بود.

در "بفتا"ی امسال، اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی هم برای فیلم "جدایی نادر از سیمین" نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان بود که این جایزه را به دست نیاورد. جایزه بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان امسال "بفتا" به "پدرو آلمادار" رسید، برای فیلم "پوستی که در آن زندگی می‌کنم".

## رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۹

### نقاشی

#### تابلوی دولوی مونا لیزا

تابلوی نقاشی که گفته می شود نسخه ای قدیمی تر از تابلوی مونا لیزای لئوناردو داوینچی است، در موزه "پرادو" اسپانیا پیدا شده است. مسوولان موزه گفته اند، ابتدا تصور نمی کردند این تابلو چنین قدمتی داشته باشد، اما زمانی که کار ترمیم را بروی



آن انجام می دادند، متوجه لایه های پنهانی زیر لایه اصلی شدند.

روزنامه "آرت" که اولین بار این خبر را منتشر کرد گفته است: "پیدا شدن این اثر هیجان انگیز، اطلاعات قبلی ما را درباره معروفترین تابلو دنیا متحول می کند".

به نوشته این روزنامه، با پاک کردن لایه های سیاه و روغن جلا از روی این تابلو، زمینه اصلی آن که همان دشتهای "تاسکنی" ایتالیا در تابلو داوینچی است، پدیدار شده است. گروهی از کارشناسان نیز فکر می کنند زنی که در این تابلو دیده می شود، حدوداً ۲۰ سال داشته است، اما سن زنی که در تابلوی اصلی در "لوور" است، از این بیشتر است. اما عکسبرداریهای اشعه ای نشان دادند که این اثر با تابلوی داوینچی هم دوره است.

گفته می شود پس از ترمیم، این اثر به موزه لوور پاریس فرستاده می شود تا در کنار همتای خود به نمایش در بیاید.

### کتاب

#### برندگان جایزه صادق هدایت



اسامی برندگان دهمین دوره جایزه ادبی صادق هدایت اعلام شد. در

مرحله اول این جایزه از ۶۵۰ قصه ارسال، ۵۲ داستان انتخاب شدند و سپس از بین آنها ۲۹ قصه به مرحله نهایی راه یافتند.

داوران در نهایت تندیس صادق هدایت را به حمزه برمر به خاطر داستان "انحنای رابطه" دادند.

مریم ایلخان به خاطر داستان "من هنوز بیدارم"، آرام روانشاد به خاطر داستان "قط می خواستم یک فنجان قهوه بخورم" و مجتبی مقدم به خاطر داستان "خرس در آغوش درخت" برنده لوح افتخار شدند.

جایزه صادق هدایت از سال ۱۳۸۱ توسط برادرزاده اش جهانگیر هدایت و امسال به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد صادق هدایت برگزار می شود.

### تاتر

#### شکستن مرزها در "بازمانده"، اثر تازه آنتونی گورملی

"بازمانده" اثر "آنتونی گورملی" در تالار "باربیکن" لندن اجرا شد و تماشاگران را متحیر کرد.

"بازمانده" در واقع داستانی ندارد و به انتزاعی ترین شکل ممکن اجرا می شود. در ابتدای نمایش کسی رو به دیواری که در جلوی صحنه ساخته شده ایستاده و پس از باز شدن دیوار، حدود سی نوازنده را می بینیم که در صحنه ای بسیار عظیم که مدیون عمق زیاد صحنه تالار "باربیکن" است، در جای خود قرار می گیرند و می نوازند و رفته رفته چند رقصنده در فضایی که به کمک دوربین ویدیویی و پرده ای بزرگ، شکلی انتزاعی تر می یابد، موسیقی را همراهی می کنند.

بازمانده "ترکیب غریبی است از کنسرت، رقص، تاتر و ویدیوآرت که مجزا کردن آنها از یکدیگر ناممکن به نظر می رسد. غالب منتقدان انگلیسی با این مشکل روبرو شدند که نقد این اثر را باید در بخش موسیقی چاپ کنند، یا رقص یا هنرهای تجسمی!

### رویداد

#### احتمال جایجایی بنای یادبود مارکس و انگلس از مرکز شهر برلین

مجسمه مارکس و انگلس در آوریل ۱۹۸۶ توسط آریش هونکر، رهبر وقت آلمان شرقی، پرده برداری شد و در میدان بزرگ "الکساندر پلاتز" در مرکز برلین شرقی قرار گرفت با وجود فروپاشی نظام سوسیالیستی در "آلمان شرقی"، سقوط "دیوار برلین" و متحد شدن شرق و غرب

آلمان، هنوز مجسمه بزرگی از مارکس و انگلس در قلب برلین سرپاست. برخی از دولتمردان قصد دارند مجسمه



را از محل آن دور کنند، اما مقاومت در برابر آنها بالا است.

"پتر رمزاور"، وزیر دست راستی عمران آلمان، از شورای شهر برلین تقاضا کرده است که بنای یادبود مارکس و انگلس از مرکز شهر دور شود. وزارت عمران و شهرسازی آلمان مدعی است که پروژه بزرگی برای نوسازی مرکز قدیمی شرق برلین در دست دارد و به نظر آقای "رمزاور" برای اجرای این پروژه عظیم، جا به جایی مجسمه مارکس و انگلس ضرورت دارد. وزیر عمران آلمان احتمالاً خبر نداشت که این مجسمه از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است و پیشنهاد او با موجی از مخالفت بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی روبرو خواهد شد

آقای رمزاور پیشنهاد کرده است که بنای معروف به "مجسمه دولقو" به گورستان "فریدریکسفلد" در برلین منتقل شود. او گورستان یادشده را "انبار بقایای سوسیالیسم" نامیده است، زیرا برخی از بناهای یادبود "آلمان شرقی" به گوشه‌ای از این گورستان منتقل شده است. آشکار است که پیشنهاد وزیر عمران آلمان با نیت سیاسی مطرح شده است. او و همفکرانش عقیده دارند که مارکس و انگلس به گذشته تاریک آلمان تعلق دارند.

احزاب سوسیال دموکرات، سبزها و چپهای آلمان به طور رسمی پیشنهاد وزیر عمران را رد کرده اند و آن را تلاشی برای "فراموشی گذشته" دانسته‌اند. آنها یادآوری می کنند که مارکس و انگلس تنها در تاریخ آلمان اهمیت ندارند، این دو متفکر با جهان بینی خود در قرن بیستم بر سراسر جهان تأثیری تعیین کننده باقی گذاشتند.

در حالت مجسمه های مارکس و انگلس، برخلاف بیشتر مجسمه‌های "سیاسی" که معمولاً روی ستون یا سکو قرار دارند، هیچ نشانی از برتری یا حس قهرمانی دیده نمی‌شود. کارل مارکس آسوده روی لوحی نشسته و یار وفادارش انگلس کنار او ایستاده است.

## عدل ولی فقیه

### شکنجه گر

### کهریزک را

### تبرئه کرد

#### زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۲۵ بهمن

روز دوشنبه ۲۴ بهمن، محسنی اژه ای از «نقض قرار تعقیب» پرونده سعید مرتضوی خبر داد. دادستان جمهوری اسلامی، یک روز قبل از ۲۵ بهمن، سالگرد کشتار مردم آزادیخواه در تظاهرات خیابانی، با اعلام رقع پیگیری پرونده مرتضوی در جنایات کهریزک، بار دیگر بی پایه بودن امر قضاوت و جایگاه آمران جنایت و شکنجه در هرم قدرت را نشان داد.

در پی به قتل رساندن دستگیر شدگان خیزشهای خیابانی سال ۸۸، در شکنجه گاه کهریزک، با توجه به وابستگی برخی از خانواده های این جانباختگان به حکومت، نام سعید مرتضوی به عنوان متهم اصلی جنایات کهریزک بر سر زبانها افتاد و رژیم مجبور به اجرای محاکمه ای نمایشی و معرفی تعدادی از کادرهای دست چندم زندان به عنوان متهمان پرونده شد. در پرونده مورد نظر ۱۲ تن متهم بودند که در حقیقت باید برای پنهان ماندن آمران و عاملان اصلی در صندلی اتهام قرار گیرند. این در حالی بود که همه انگشتها به سمت سعید مرتضوی نشانه می رفت و در این رابطه نیز گماشتگان ولی فقیه برای پنهان کردن نقش خامنه ای، مرتضوی را متهم به سرپیچی از فرمان ولی فقیه برای بستن کهریزک می کردند. اکنون با قرار منع تعقیب سعید مرتضوی، پرونده وی بسته شده و باید در انتظار ترفیع درجه او باشیم.

وقتی دادگاه در دستان خونین آمران جنایت است، نمی تواند جنایتکار را محاکمه کند و بر همین منظر تمامی آمران و عاملان قتل جوانان باید در دادگاهی ذیصلاح با حضور خانواده های قربانیان برگزار شود. بی گناه اعلام کردن سعید مرتضوی در اراده کسانی که به دنبال عدالت هستند خللی ایجاد نمی کند و رنگی از پرونده مرتضوی و نقش او در سرکوب مردم بی رنگ نخواهد شد.

## خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۲)

شهره صابری

کار در این مناطق کار اجباری است (مانند آفریقا که برده تولید می کرده است)

۳- منطقه ی نیمه پیرامونی: مناطقی که بین استثمار شدن و استثمار کردن قرار دارند (مانند موقعیت روسیه قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷).

او می گوید که ساختار سیاسی کم تحرکند ولی استثمار اقتصادی جریان انتقال مازاد از قشرهای پایین به بالا از حاشیه به مرکز و از اکثریت به اقلیت را تسریع می کند. برای پیدایش سرمایه داری ۳ چیز ضرورت داشت:

۱- گسترش جغرافیایی از طریق اکتشاف و استثمار.

۲- تحول شیوه های متفاوت نظارت بر کار مناطق اقتصاد جهانی

۳- توسعه ی دولتهای نیرومندی که به دولتهای مرکزی اقتصاد جهانی تبدیل شده بودند، و گسترش جغرافیایی ملتها

پیش نیاز دو مرحله ی دیگر است.

از جنگ جهانی دوم به بعد امپریالیسم خصوصا امپریالیسم فرهنگی مبارزه ی بی امان خود را علیه بیداری مردم و ساختن فرهنگی یکدست و یکنواخت را مطابق با برنامه های سرمایه داری آغاز کرده است بر این مینا مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی پیشین در حسرت بهشت مناطق مرکزی جهان به تقلید از نظام اقتصادی این مناطق در صدد دگرگونی نظام اقتصادی خود به نظام اقتصاد آزاد بر آمده اند که بر اساس شرایط رشد این جوامع شکست یا پیروزی طرح خصوصی سازی و حرکت

به سمت اقتصاد آزاد موضوعی بحث بر انگیز است. اما از آنجا که مراحل رشد سرمایه داری در این جوامع طی نشده،

این سیستم در این جوامع خصلتی خود ستیز به خود می گیرد و از آنجا باز مناطق پیرامونی و در برخی موارد نیمه پیرامونی (زیرا ممکن است برخی از مناطق نیمه پیرامونی از امتیازات خود در ابتدای این راه به خوبی استفاده نکرده باشند) در مرحله ی گسترش جغرافیایی شرکت نداشته اند برای پیشبرد اهداف خود و انباشت سرمایه ناگزیر به استثمار شدید توده های داخل جامعه هستند که این امر خود

تضاد طبقاتی شدیدی را در این جوامع سبب خواهد شد. نحوه ی واگذاریها و عملکرد و جایگاه سرمایه داری کشور

های پیرامونی و نیمه پیرامونی در نظام جهانی سرمایه داری بسیار تعیین کننده هستند که در شماره ی بعد به آن خواهیم پرداخت.

جستجوی راههای دیگر ارتباط سرزمینهای ناشناخته را کشف کردند. همچنین با ظهور مشکلات مالی در سیستم فئودالی حکومتهای غربی به فکر تجاوز به کشورهای شرقی و سرزمینهای کشف شده، هم برای تامین منافع فوری هم برای تامین مواد خام برای صنایع افتادند و این ارتباطات سراسر دارای کشمکش جهانیان را ناگزیر به برخورد با یکدیگر که عامل پویایی و تکامل جوامع است نمود. بعدها نیز شیوه های امپریالیسم فرهنگی در کنار شیوه های کهنه ی امپریالیسم در جهت به وجود آوردن فرهنگی یکدست و یکنواخت، به علت نیاز به جوامع مصرفی، برای کسب سود، الزام ارتباط بین شرق و غرب را از زمان وقوع جنگهای صلیبی تا به امروز حفظ کرده است. بر این اساس است که به گفته ی

تروتسکی سرمایه داری راه را برای جهانشمولی و پایداری تکامل بشر هموار کرد و باعث شد جوامع از لحاظ تاریخی عقب مانده مراحل بینابین را از قلم بیندازند. در مطلب قبلی (مندرج در نبردخلق شماره ۳۱۸) گفته شد که تضاد طبقاتی که قوه ی محرکه ی تاریخ و شکننده ی دیسپاتیسم است در جامعه ی ما به وجود می آید. بر این اساس لزومی بر گذراندن مراحل قبل از آن به دلایل گفته شده نمی بینیم. اما سرمایه داری جوامع عقب مانده از حیث تاریخی به دلیل جهش از فراز مراحل بینابین ماهیت و خصلتی متفاوت از سرمایه داری شکل گرفته در غرب دارد.

ایمانوئل والرشتاین از یک تقسیم کار جغرافیایی کار در ابتدای مراحل رشد

از جنگ جهانی دوم به بعد امپریالیسم خصوصا امپریالیسم فرهنگی مبارزه ی بی امان خود را علیه بیداری مردم و ساختن فرهنگی یکدست و یکنواخت را مطابق با برنامه های سرمایه داری آغاز کرده است بر این مینا مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی پیشین در حسرت بهشت مناطق مرکزی جهان به تقلید از نظام اقتصادی این مناطق در صدد دگرگونی نظام اقتصادی خود به نظام اقتصاد آزاد بر آمده اند که بر اساس شرایط رشد این جوامع شکست یا پیروزی طرح خصوصی سازی و حرکت به سمت اقتصاد آزاد موضوعی بحث بر انگیز است.

سرمایه داری نام می برد و جهان را به سه منطقه تقسیم می کند که از این قرار است:

۱- منطقه ی مرکزی: مناطقی که بر اقتصاد جهانی تسلط دارد و بقیه ی مناطق را استثمار می کند. کار در این مناطق کار آزاد است (مانند انگلستان در عصر ویکتوریایی)

۲- منطقه ی پیرامونی: مناطقی که مواد خام را برای مناطق مرکزی فراهم می کند و به سختی استثمار می شود.

دستان نباید بر ایشان عاصی شوند». یا یکی از عقاید کالون این بود که: «ماموریت مردمان از پیش به وسیله ی خداوند مقدر شده است و از این رو انسان در هر مقامی که باشد باید در کارش به موفقیتهایی ناائل آید. ثروت بوژواها را خداوند به آنها سپرده است و بهره کشی از کارگران مزدور نزد پیروان کالون امری خدا پسندانه بود.» (تاریخ تحولات اجتماعی، مرتضی راوندی) این مذاهب و اعتقادات بود که سبب رشد و پیشرفت سرمایه داری در اروپا گردید. اما در تحلیل غایی همان طور که در ابتدا آمد، مناسبات تولیدی بود که سبب پیدایش این مذاهب و افکار شد. به عبارتی چیزی که معلول بود یعنی (مذهب و افکار و اعتقادات) توسط نظریه پردازانی که درک مادی از تاریخ نداشتند، علت شد.

ماکس وبر در پروتستانسیسم و روح سرمایه داری تلاش کرده تا ثابت کند که مذهب عامل پیدایش سرمایه داری است. در نقطه مقابل کارل مارکس در مقدمه ی کتاب نقد اقتصاد سیاسی نوشته است: «به طور کلی طرز تولید زندگی مادی، تکامل اجتماعی، سیاسی و فکری زندگانی را تعیین می کند. در تولید اجتماعی وسایل زندگی بین افراد روابط معینی ایجاد می شود که به اراده ی آنها بستگی ندارد. این روابط را روابط تولیدی می نامند که متناسب با مرحله ی معینی از تکامل نیروهای استحصالی می باشد. مجموع این روابط تولیدی سازمان اقتصادی جامعه یعنی پی و بنیانی را تشکیل می دهند که بر روی آن سازمان فوقانی قضایی، سیاسی

و فکری قرار می گیرد و اشکال مختلف وجدان بشری را به وجود می آورد.»

وقوع جنگهای صلیبی که حرکت اولین قشون آن در سال ۱۰۹۶ انجام گرفت سبب ارتباط و آشنایی ملل غرب و شرق و ورود و صدور امتعه و محصولات فکری به یکدیگر شد. با فتح قسطنطنیه (استانبول) توسط دولت عثمانی ارتباط غرب و شرق دچار مشکل شد و سرمایه داران و بازرگانان طماع غربی در

تروتسکی در کتاب تاریخ انقلاب روسیه می نویسد: «سرمایه داری، طی همه ی مراحل رشد برای ملل را منتفی کرده و راه را برای جهان شمولی و پایداری بشر هموار کرده است. از این رو تکرار شکلهای رشد در ملل مختلف به کلی منتفی است ... سرمایه داری کشور عقب مانده از لحاظ تاریخی را وادار می کند که پیش از موعد معینی چیزهای آماده را اقتباس کند و در این راه مراحل بینابین را از قلم بیندازد.»

قرن ۱۱ در اروپا نقش کلیسا کاستن از ستمگری فئودالها و اقوام غارتگر بود. کلیسا برای چپاولگران و مردم قابل احترام بود و دیرهای رهبانان مرکز فعالیتهای عمرانی گردیده بود. اما پس از آن، در قرون وسطی، فئودالها و کلیسا فشار بر مردم اروپا را افزایش داده و در نتیجه مردم روز به روز فقیر تر می شدند. در اواسط این دوران تاریخ شاهد برآمد اصلاح طلبان مذهبی مانند لوتر و کالون با پرچم پروتستانسیسم شد.

با شروع جنگهای صلیبی در اواخر قرن یازدهم که «این جنگها نه فقط موجب مبادلات اقتصادی بزرگی مابین اروپا و خاور میانه شدند و نه تنها مصنوعات و اکتشافات و کتب علمی و فلسفی دانشمندان شرق و متفکرین و فلاسفه ی یونانی را به اروپاییان شناساندند، بلکه تهیه ی خوراک و پوشاک و اسلحه برای این جمع کثیر موجب شد که همه ی پیشه وران خاور کار فراوان به دست آورند و به اختراعات صنعتی تشویق شوند و شهرها بیش از پیش با رشد تدریجی بورژوازی توسعه یابند، رستخیز شهرها و پیروزی آزادخواهان محلی که شرط لازم برای پیشرفت صنعت و تجارت و اختراعات فنی است از مشخصات ممتاز این عصر است. دهات همه در زیر یوغ استبداد مطلق اشراف و فئودالها کمر خم کرده بودند و دهقانان بینوا و بی هنر و بی سواد که به تدریج از چنگ فئودالها آزاد می شدند وضعی مبهم و اسف انگیز داشتند.» (تاریخ صنایع و اختراعات، نویسنده پیر روسو، ترجمه حسن صفاری)

به علت ظهور پروتستانسیسم در سیستم سرمایه داری نوپا و مراحل اولیه ی رشد آن، که در واکنش به حرص و آز کلیسا و فئودالها شکل گرفته بود پروتستانسیسم به حافظ منافع بورژوازی، مساعد برای انباشت سرمایه و استثمار زیردستان توسط زبر دستان تبدیل شد. لوتر ستمشکنان انقلابی را سگهای هار می خواند و بیشمارانه می گفت: «اگر زبر دستان زشتکار و بیدادگر هم باشند زبر

## زنان در مسیر رهایی

### اناهیتا اردوان

سرسخت فرهنگ مردسالارانه و منافع طبقاتی نظام حاکم بودند.

در چنین شرایطی بود که زن فدایی در مدارس، دانشگاهها، کارخانه ها و ... به ترویج آگاهی مشغول بود، در خیابان با سیانوری زیر زبان به مانند سروی راست قامت گام بر می داشت و تا پای نثار جان با ماموران ساواک مبارزه می کرد. این زن فدایی بود که با تفکری انسانی، عزمی راسخ و قلبی سرشار از عشق به محرومان، تعریف دیگری از زن به جامعه ارایه داد که آنتی تر تعریفی بود که فرهنگ سنتی به جامعه خفته کرده بود. این زن فدایی بود که با مبارزه بی امان خود بر چهره کریه مذهب و سنتهای عقب افتاده، سیلی محکمی نواخت. قبلاً چنین اتفاقی در تاریخ مبارزات مردم ایران نیفتاده بود که زنانی این گونه به صورت سازمان دهی شده و تشکیلاتی پا به عرصه مبارزه طبقاتی و جنسیتی بگذارند. دقیقاً به همین دلیل، زنان فدایی با وجود نقش چشمگیری که در پی ریزی بنای انقلاب داشتند، بعد از قدرت گیری مرتجعان مذهبی نیز مورد حمله قرار گرفتند، دستگیر شدند، شکنجه شدند و به مسلخ فرستاده شدند. رژیم استبدادی - مذهبی حتی به گور آنان در قطعه سی و سه بهشت زهرا، جایی که تاریخ سازانی مانند رفقا زهت السادات روحی آهنگران، مرضیه اسکویی و ... آرمیده اند، حمله کردند. این موضوع به خوبی نشان می دهد که هراس رژیم ولایت فقیه از جنس همان هراس گزمه های ساواک است، هراس از فراگیر شدن آیینی که زنان فدایی در جنبش زنان و به طور کلی در جنبش انقلابی مردم ایران از فداکاری، عمل، حرکت، آگاهی، مقاومت و تسلیم ناپذیری به ثبت رساندند.

بدیهی است که تاریخ مبارزات جنبش زنان ایران در راستای رسیدن به رهایی و شکستن سد تبعیض طبقاتی و جنسیتی، امروز شروع نشده است. جنبش فدایی، زنانی را به جامعه ارایه داد که توانستند حتی به عنوان فرمانده، همچون رفیق صبا بیژن زاده که بعد از کشته شدن رفیق حمید اشرف، به سازماندهی مجدد سازمان پرداخت، توانمندیهای خود را به اثبات برسانند. زنان فدایی به طور مستقل با توسل به اراده خود و پراتیکتی که آزادانه و برگزیده بودند، به صورت سازمان یافته و جدی وارد مبارزه سیاسی شدند. آنها در ابتدا به عنوان یک فدایی، یک انسان و یک زن به زن ایرانی این پیام را رساندند که "جنسیت" مطرح نیست؛ انسان قادر است فرای "جنسیت" وارد مبارزه سیاسی و طبقاتی شود، با خطرات مواجه و حلال تضادها باشد. عملکرد زن فدایی در جنبش کمونیستی ایران نشاندهنده ارزشها و توانمندی زن ایرانی

### زنان مداخله گر: زنان فدایی

تاریخ مبارزات مردم ایران جهت دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی مملو از نام زنانی است که نقش بسیار قابل ستایشی در ایجاد تحول و تغییرات اجتماعی داشته اند. اما، در این میان نقش زن فدایی در دهه پنجاه و بعد از آن بسیار متفاوت، برجسته و بارز است. زنان بیشمار از طبقه زحمتکش و روشنفکر جامعه ایران با تشکیل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به جنبش فدایی پیوستند. حماسه هایی که زنان فدایی از پایداری در اندیشه، صداقت، شجاعت، از خودگذشتگی و عشق به زحمتکشان در تاریخ مبارزات مردم ایران به ثبت رساندند، یک فصل قابل تامل و تعمق از تاریخ جنبشهای اجتماعی و همچنین تاریخ مبارزات زنان ایران فرا روی ما می گشاید. زنانی که با درایت و مرزبندی طبقاتی قد علم کردند و قدم در صحنه مبارزه علمی و عملی گذاشتند، نه تنها از زن بودن خود ناراحت نبودند، بلکه در عمل، فرهنگ پیش پا افتاده مسلط بر جامعه که تعریفی به غایت ارتجاعی از زن ارایه می داد را به چالش کشیدند.

تولد زن فدایی به عنوان یک زن کمونیست انقلابی در جامعه ای صورت پذیرفت که همه عرصه هایش با سنت و مذهب گره خورده بود و انعکاسهای تحقیرآمیزش بر زن بودن، یک سایه بسیار غمگین می انداخت. شاه، یک شاه تیوریک بود و مذهب گرایی آنچنان بر جامعه غلبه داشت که به طور پیچیده ای حیات افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می داد. فرهنگ خشک مردسالارانه و تبعیض از بالاترین فرد در قدرت سیاسی (شخص شاه) آغاز می شد و تمامی عرصه های اجتماعی را فرا می گرفت. در چنین جامعه ای، ساختار سیاسی با تولید و ترویج فیلمها، سریالها، داستانها و موسیقی تلاش می کرد تا از نقش ابزاری زن به عنوان بار فرهنگی دهه ها مناسبات و روابط تولیدی حاکم، پاسداری و آن را به عنوان یک پدیده طبیعی به جامعه تزریق کند. دستگاه مخوف امنیتی سلطنتی، ساواک، نیز با توجه به ماهیت طبقاتی اش از یک اندیشه به غایت زن ستیزانه حمایت می کرد. هدف از این تبلیغات تنها نهادینه کردن اندیشه زن ستیزانه نبود، بلکه دستگاه طبقه حاکم تلاش می کرد تا از این طریق سرمایه بیشتری را در دست طبقه حاکم متمرکز کند. در جامعه ای که زنان از فرط فقر و تنگدستی تن به هر تحقیر جنسیتی می دادند، زنانی نیز بودند که در دربار برای اربابان خود خوش رقصی می کردند و مدافع

انقلاب ضد دیکتاتوری ۵۷ به خیابانها کشاند و خود در تاریخ جاودانه شد. افزون بر اینها، زن فدایی، یک زن سوسیالیست بود که برای جهانی عاری از بهره کشی انسان از انسان، برای سیادت طبقه کارگر و سعادت انسان مبارزه کرد. به یقین از هم پاشیدن ماشین دولتی ولایت فقیه برای زنانی که به چنین آگاهی طبقاتی و ارزشهای انسانی دست یابند، بسیار آسان تر خواهد بود. زن فدایی نماد علم و عمل انقلابی ست که بر انفعال و پاسبیسم خط بطلان کشید. دقیقاً به همین دلیل است که با وجود گذشت بیش از سه دهه، تحریف زندگی مبارزاتی رفقای فدایی، به خصوص زنان فدایی، هنوز دل مشغولی دستگاه تبلیغاتی رژیم می باشد.

یادشان گرمی و راه سرخشان همواره پر رهرو باد!

### تاکید فوروم زنان عرب بر اتحاد عمل فوری برای مقابله با دشمن مشترک

دیلی استار، ۲ فوریه ۲۰۱۲ - "فورم زنان عرب" از همه تشکلهای سازمانهای مدافع حقوق زنان در کشورهای مختلف عربی درخواست کرد تا علیه دشمن مشترک در شرایط بعد از انقلاب متحد شوند. فراخوان "فورم زنان عرب" در واکنش به محروم گردیدن زنان از حق تعیین سرنوشت خود در کشورهای عربی به ویژه مصر و تونس بعد از سرنگونی حکومتهای خودکامه سابق صادر گردیده است.

### یک سال بعد از انقلاب مصر زنان کجا هستند؟

اسوشیتدپرس، ۳ فوریه ۲۰۱۲ - زنان دانشجوی در دانشگاه قاهره با تحصن در خیابانهای شهر به مناسبت سالگرد انقلاب مصر، به وضعیت حقوق کنونی زنان در کشور اعتراض کردند. جنبش زنان مصر با توجه به نگرانی زنان مصری پیرامون قیمت بالای مواد غذایی، محرومیتهای سیاسی و نقض حقوق بشر به موازات گزارشها پیرامون تجاوز جنسی و یورش نیروهای سرکوبی به اجتماعات اعتراضی زنان، تلاش می کند تا شرایط را به نفع خود تغییر دهد.

گزارشها حاکی از آن است که باوجود سرکوب وحشتناک، میزان مشارکت زنان مصری در راهپیماییها و تظاهرات افزایش داشته و همچنان رو به فزونی دارد. در همین رابطه، سالگرد انقلاب مصر، صد هزار مصری را جهت گردهمایی و تحصن به خیابانها کشاند. بیش از هشتصد و پنجاه زن و مرد مصری در تحصنها کشته شده اند که بیش از صد نفر از آنها در تحصنهای بعد از براندازی حسنی مبارک، به قتل رسیده اند. این مساله نشان می دهد که بقیه در صفحه ۲۳

ست که به طور جدی تصمیم می گیرد وارد مبارزه شود و حاضر است که تا پای نثار جان، هزینه آن را بپردازد.

بی شک، تصمیم گرفتن پیرامون مشارکت در مبارزه سیاسی برای هیچکس کار سهل و آسانی نیست و این مساله برای زنان به طور تاریخی از مردان بغرنج تر و مشکل تر است. زنان فدایی با اتکا به شایستگیها و ارزشهای انسانی و زنانه خود قادر شدند که در یک سازمان به بالاترین موقعیت رهبری و فرماندهی دست یابند. زن فدایی، نماد توانمندی زن در مبارزه طبقاتی و مبارزه جهت رفع تبعیض جنسیتی در تاریخ ایران است که با تحلیل درست از شرایط مشخص برای اولین بار قدم در میدان مبارزه مسلحانه می گذارد. در تاریخ ایران زنانی بوده اند که به طور مستقل در میدان مبارزه عرض اندام کرده بودند ولیکن، این پدیده که زن به طور سازمان یافته وارد عرصه مبارزه شود و حاضر گردد که هزینه مبارزه را بپردازد، برای نخستین بار بود که در تاریخ مبارزات مردم ایران نمود می یافت. در این فرایند بود که زن فدایی به عنوان محصول جنبش فدایی و با توسل به ارزشهای انسانی خود در تاریخ جنبش عدالت طلبانه مردم و برابری طلبانه زنان ایران سد شکنی کرد. تاریخ مبارزات مترقی مردم ایران به دلیل این سد شکنی مدیون زنان فدایی می باشد.

امروزه، زن در نظر و اندیشه ساختار سیاسی حاکم، فتنه است. زن، یک پتانسیل نهفته است که اگر آگاه شود، جامعه را به دموکراسی می رساند. از این رو، مطالعه هستی اجتماعی زنان فدایی می تواند زنان دوران ما را با سدشکنان تاریخی خود آشنا سازد. آگاهی زنان ایرانی از شخصیت زن فدایی و ارزشهای مبارزاتی آنان سبب می شود که فرهنگ ارتجاعی زن ستیزانه که رژیم بیش از سه دهه به نهادینه کردن آن تلاش ورزیده، رنگ یبازد و کارایی خود را به طور کلی از دست بدهد. این مساله بی شک به مشارکت زنان در مبارزه جدی علیه هستی ننگین رژیم، یاری می رساند. بی تردید موضوع، کپی برداری از جنبش فدایی نیست، بلکه زنان میهن ما در فرایند آشنایی و مطالعه زندگی مبارزاتی زنان فدایی به این مهم دست می یابند که تنها با برخورداری از یک جهان بینی انقلابی و درک درست از شرایط است که می توان مناسب ترین و صحیح ترین تاکتیک مبارزه را برگزید. برآیند این آگاهی، مشارکت همه جانبه و مصمم زنان در مبارزه علیه سیستم دیکتاتوری در کوتاه مدت و مبارزه جهت رفع تبعیض جنسیتی و طبقاتی در طولانی مدت است. همانگونه که زن فدایی با توسل به ارزشهای انسانی، درک درست از شرایط، تاکتیک مبارزه مسلحانه را انتخاب کرد و با شکستن سد تاریخی، انبوهی از زنان را زمان

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۲

مردم مصر، نه تنها با سرکوب مستمر و تمام عیار ارتش که درصدد حفظ و تثبیت قدرت سیاسی است، میدان مبارزه برای دستیابی به رهایی را رها نکرده اند؛ بلکه مبارزه همه گیر تر شده است. تشکلهای اپوزوسیون اعلام کرده اند که ارتش مصر برای بیش از ۱۲۰۰ نفر از مخالفان و معترضان، دادگاههای بدون هیات منصفه و وکیل مدافع تشکیل داده است. بش از صد تن از محکومان بیدگاههای مزبور را زانی تشکیل می دهند که به دلیل تلاش برای دستیابی به حقوق حقه و عدالت اجتماعی مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار گرفته اند.

**کشتار زنان توسط نیروهای سرکوبی دولت بشار اسد**  
خبرگزاری آسیا، ۳ فوریه ۲۰۱۲ - یک گروه سوریه ای مدافع حقوق بشر اعلام می کند که نیروهای سرکوبگر دولت بشار اسد دست کم ۲۱۷ غیرنظامی، شامل زنان و کودکان را در جریان یک کشتار دستجمعی در شهر حمص به قتل رساندند.

افزوده بر این، در همین روز ۷۹ نفر دیگر در بخش دیگری از منطقه مزبور به قتل رسانده شده اند که در مجموع، تعداد کشته شدگان این منطقه، تنها در یک روز به سیصد تن بالغ می گردد. در همین رابطه تلویزیون "الجزیره" تصویر انبوه اجساد کشته شدگان را نشان داده است.

این کشتار در تهاجم سرکوبگران به هزاران تن مردمی صورت گرفت که در شهرهای مختلف کشور سوریه به مناسبت گرامیداشت جان باختگان در قتل عام معروف سال ۱۹۸۲ در شهر حماه گردهم آمده بودند.

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، تاکنون بیش از شش هزار نفر در طول ده ماه قیام مردم سوریه علیه دولت بشار اسد، توسط نیروهای سرکوب حافظ رژیمش، کشته شده اند.

**اعدام، دو زن و سی و دو مرد در عراق تنها در یک روز**  
روزنامه اینترنتی اروپا، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲ - سازمان عفو بین الملل ضمن تایید خبر به دار آویختن بیش از سی عراقی که شامل دو زن نیز می شوند، عنوان کرد که این میزان بالاترین میزان اعدام گزارش شده تنها در یک روز در یک سال گذشته می باشد.

بر اساس سوابق سازمان عفو بین الملل، تنها در سال ۲۰۰۴، بیش از ۱۲۰۰ نفر در عراق، اعدام شده اند. این در حالیست که دولت نوری مالکی، حاضر به صدور گزارش مفصل پیرامون میزان واقعی اعدامها نیست، اما زنان، سهم قابل ملاحظه ای در لیست اعدام شدگان داشته اند.

### زنان همجنس گرا و کلینیکهای درمان همجنس گرایی در کشور اکوادور

سی ان ان، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲ - مدافعان حقوق زنان اکوادور با مجبور کردن دولت به بستن کلینیکهای که با استفاده از شکنجه های گوناگون مدعی معالجه همجنس گرایی هستند، به پیروزی رسیدند.

ائتلاف تشکلهای و سازمانهای مدافع حقوق زنان با راه انداختن کمیتهی به نام "تغییر"، موفق به توقف فعالیت تعدادی از کلینیکهایی شده است که بر اساس شهادت زنان همجنس گرایی که از آن فرار کرده اند، با توسل به شکنجه های فیزیکی، روانی و بیانی تلاش داشتند تا گرایش جنسی قربانیان را تغییر دهند.

بر اساس گزارش ائتلاف مزبور، دولت اکوادور گمان می برد که همجنس گرایی یک بیماری جنسی است. درخواست اینترنتی ائتلاف تشکلهای و سازمانهای مدافع حقوق زنان مبنی بر توقف فعالیت کلینیکهای مذکور تا کنون توسط هزاران نفر از سراسر جهان امضا شده است. فعالیتهای وزیر بهداشت دولت که خود از مدافعان حقوق همجنس گرایی می باشد نیز در این مسیر موثر بوده است. وی قول داده است که دولت را به بستن همه کلینیکها، وادار سازد. قربانیان به خبرگزاری سی ان ان ابراز کرده اند که دستان آنان را با دستبند به مدت زمانی طولانی بسته اند، آنها را از غذا خوردن و آب آشامیدن محروم ساخته، کتک می زدند، مورد تجاوز جنسی و تحقیر قرار می دادند تا اعلام کنند دست از همجنس گرایی بخواهند داشت.

## بهار

### پیروز در راه است.

#### هوشنگ بهار

تنها شرایطی که می تواند به جلادان خونریز حاکم بر میهنمان کمک کرده و حاکمیت آنها را دوام بیشتر داده و از سقوط حتمی نجات دهد، رسیدن به سلاحهای اتمی است. این جانبان با فریب و روشهای کهنه هنوز جهان را می فریبند. متأسفانه غرب هم به خریدن زمان که اهرمی برای مانده گاری این حکومت سرا پا فساد و نامشروع است، کمک کرده است.

رژیم حاکم بر ایران تا به حال منافع بیشماری را از جیب مردم ایران به جیب دشمنان ظاهری اش که در عمل نقش دوست را بازی می کنند ریخته است. دنیای غرب با چشم بستن به ناپاکریهای رژیم که تنها منافع و غارت کشور اسیر ما را دنبال می کند، ضربه های مهلکی به مردم ایران زده است. جان و مال ملتها و وحشیگری ستمگران و جانبان ضد بشر برای غرب هیچ اهمیتی ندارد. مردم ایران در سه دهه گذشته این وضعیت را به خوبی و به وضوح لمس کرده اند. تمامی شعارها و مواضع دروغین جانبان حاکم بر میهن ما هرگز حقیقی نبوده و تنها فریب و دجالیته این کفتاران سیری ناپذیر که در ابعادی کلان همه ساختارهای اساسی ایران را ویران کرده اند را نشان می دهد.

نظام ولی فقیه به درستی می داند که در پای دار قرار گرفته و با تحولات خاور میانه و شمال آفریقا و سقوط چندین دیکتاتور، در وحشت از سرنگونی به سرکوبی گسترده و تبلیغات دروغین متوسل می شود. بحرانهای همه جانبه، ریزش مهره های درشت رژیم و تنفر عمومی از حکومت، کابوس مرگ را بالای سر حاکمان و قبیح به گردش درآورده است. اکنون دیگر بلوفها و تهدیدهای تو خالی سرکردگان نظام، بی رنگ شده است. سردار منفور، محسن رضائی در مصاحبه ی خود به اصطلاح دست به روشنگری زد و مواضع دولت و دایناسورهای لب گور را مورد انتقاد قرار داد که؛ چرا می گویند تحریمها کارائی نداشته و از پیشرفت در اقتصاد و شرایط عادی حرف می زنید؟

شرایط فاجعه بار مردم که هر روز به مراتب بدتر از گذشته می شود و نامه های کسانی که تا دیروز عصای ولی فقیه بودند و اکنون درگوشه های زندانهای خود ساخته فریاد بر می آورند که؛ این قاتلان که با ما این گونه رفتار می کنند، با دشمنان نظام چه ها کاره اند. نامه های روح الله زم به خامنه ای، نوریزاد و خزعلی و بسیار کسان دیگری که مورد خشم خامنه ای قرار گرفته اند، برای ولی فقیه بسیار گران تمام می شود.

در چنین شرایطی تنها یک گزینه می تواند به بقای رژیم کمک کند. این گزینه، رسیدن به بمب هسته ای است که رژیم فکر می کند با این حربه و با تهدید و باج خواهی، می تواند بقای خود را تضمین کند.

تاریخ آموزگار خوبیست، اما مستبدان نمی تواند از آن درس بگیرند، بهاران شادی در راه است. شکوفه های عشق و امید در همه دلهای مشتاقان آزادی در حال شکوف شدن است. زمستان سرد با تمامی سختی اش نمی تواند از حضور تحول قدرتمند بهار با عظمت و گرمابخش و رویش شکوفه ها جلوگیری کند.

این هشدار به کسانی است که در عرصه جهانی هنوز از رژیم حاکم بر ایران حمایت می کنند و مردم روسیاهی آنان را بیاد خواهند داشت.

## نبرد خلق

### ارگان سازمان چریکهای

#### فدایی

#### خلق ایران

#### سرمدبیر: زینت میرهاشمی

#### هیات دبیران: منصور امان،

#### جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت

#### میرهاشمی

#### هیات تحریریه: لیلا جدیدی،

#### منصور امان، زینت میرهاشمی،

#### آناهیتا اردوان، جعفر پویه،

#### مهدی سامع

#### چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید  
بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو  
اروپا معادل ۲۴ یورو  
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو  
استرالیا ۴۰ یورو  
تک شماره ۱ یورو  
اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

### آدرس سازمان در شبکه جهانی

#### اینترنت

#### نشریه نبرد خلق، اخبار

#### رویدادهای روز ایران و جهان،

#### تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

#### بخش شنیداری (راديو)

#### پیشگام

www.iran-nabard.com  
www.jongekhabar.com  
www.radiopishgam.com  
www.fadaian.org

# NABARD - E - KHALGH

No : 320 20 February. 2012 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## نامه شماری از روشنفکران و هنرمندان

### ایرانی خطاب به آقای بانکی مون

عالیجناب بانکی مون، دبیر کل ملل متحد،

هم چنان که اطلاع دارید، در اواخر سال گذشته (۲۰۱۱) توافق نامه بی بین نماینده ملل متحد و دولت عراق به امضا رسید که موضوعش انتقال داوطلبانه ساکنان اشرف به کمپ لیبرتی در نزدیکی بغداد بود. هر چند در گفتگوهای مربوط به این انتقال داوطلبانه، خود داوطلبان را شرکت ندادند، ولی ساکنان اشرف روایتی از آن را که آقای کوبلر به آنها عرضه کرده بود پذیرفتند و حتی برای نشان دادن حسن نیت خود در همکاری با هر راه حل مرضی طرفین و مسالمت آمیز، با صرف نظر کردن از حق مسلم خود برای اقامت در مکانی که به مدت ۲۶ سال به طور قانونی در آن زیسته و به دست خود آن را از یک بیابان بی آب و علف به یک شهر سرسبز و مدرن تبدیل کرده اند، اعلام کردند که نخستین گروه مرکب از ۴۰۰ تن از ساکنان به همراه اموال منقول و اتوموبیلهایشان آماده حرکت فوری به سوی کمپ لیبرتی هستند. از آن پس بود که دولت عراق، زیر فشار شدید رژیم حاکم بر ایران، کارشکنی در اجرای توافقنامه بی را که خود با نماینده ملل متحد امضا کرده بود، شروع کرد و تا کنون با ایجاد انواع ممانعتها و محدودیتها، در راه نقض تعهدش آن قدر پیش رفته که پروژه بی را که قرار بود انتقال پناهجویان از یک محل اسکان به محل دیگر باشد، به یک برنامه انتقال اجباری مجرمانی که حق استفاده از اموال خود را ندارند به یک زندان تنگ، فاقد وسایل زندگی روزمره و تحت مراقبت شدید پلیسی مجهز به انواع وسایل استراق سمعی و بصری تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، عدم موضعگیری یونانی و کمیساریای عالی پناهندگان مایه نگرانی شدید ما امضاکنندگان زیر می باشد. این سکوت به مثابه تأیید نقض تعهدات توسط دولت عراق است و عدم موضعگیری صریح از سوی

کمیساریای عالی پناهندگان به عنوان بالاترین مرجع بین المللی دفاع از حقوق پناهندگان در مقابل شرایط کنونی کمپ لیبرتی به معنای چراغ سبز برای به زندان فرستادن ساکنان اشرف و زمینه سازی برای کشتار بعدی آنهاست. با یادآوری این که در پشت تمامی این نقض تعهدات، رژیم ایران با هدف سوزاندن راه حل مسالمت آمیز برای اشرف قرار دارد، ما از شما می خواهیم ضمن محکوم کردن قاطع نقض تعهدات توسط دولت عراق و جلوگیری از ادامه و پیشرفت آن، راه حل مسالمت آمیز را نجات دهید و ترتیبی بدهید که درخواستهای ساکنان اشرف برای حفاظت، امنیت و رفاه آنان تأمین شود و ملل متحد پس از کسب اطمینان از تضمینهای لازم، آنها را اعلام کند. ما از شما می خواهیم. اجازه ندهید از ارگانهای درگیر ملل متحد در انتقال مسالمت آمیز پناهجویان، برای تأیید ضمنی یک فاجعه انسانی سوء استفاده شود.

### اسامی و امضاء

- آندرانیک آساطوریان: آهنگساز و رهبر ارکستر و نوازنده پیانو  
- فاروق امیری: شاعر و پیانیست  
- آبتین آینه: شاعر  
- فرامرز اسماعیلی: نوازنده  
- محمدرضا اولیا: مجسمه ساز  
- امیر آرام: خواننده  
- جواد اسدیان: شاعر و نویسنده  
- عبدالکریم اعظمی: مهندس معمار - طراح و نقاش  
- داریوش ایلداری: نقاش و خطاط  
- هنگامه افشار: بازیگر تئاتر - نویسنده  
- برنامه ساز تلویزیون  
- شاپور باستان سیر: آهنگساز و رهبر ارکستر و نوازنده پیانو  
- احمد باطبی: فعال حقوق بشر  
- خسرو باقرپور: شاعر و نویسنده  
- مرتضی برجسته: خواننده  
- شهرام بروخیم: بازیگر سینما و تئاتر - نویسنده و کارگردان  
- جمشید پیمان: شاعر و نویسنده

## شهادای فدایی

### اسفند ماه

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - امید توکلی - غلامرضا گوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - جیحی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی تقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی قاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلاتر - نیناسکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جمفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوربان - جلیل خواری نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

- حجت کسرائیان: نقاش  
- فریده گل دره: خواننده  
- وزیر محمدی: فیلمبردار  
- مرجان: بازیگر سینما و خواننده  
- حسین مهبینی: سینماگر  
- بهرام مشیری: نویسنده - محقق - برنامه ساز تلویزیون  
- عبدالعلی معصومی: محقق و نویسنده  
- سیروس ملکوتی: موسیقیدان و فعال سیاسی  
- ناهید نعیمی: هنرپیشه تئاتر و خواننده  
- اسماعیل نوری علا: شاعر و نویسنده  
- منوچهر هزارخانی: نویسنده و مترجم  
- ناهید همت آبادی: خواننده اپرا و نویسنده  
- آریانه یابوری: شاعر و نویسنده  
منبع: همبستگی ملی - ۲۷ آبان ۱۳۹۰

- صدرالدین تام: فیلمساز

- هادی خرسندی: طنزپرداز

- نادر خوشدل: نویسنده و نمایشگر تئاتر

- اسماعیل خویی: شاعر و نویسنده

- شهریار دادور: شاعر و ترانه سرا

- جواد دادستان: هنرمند سینماگر

- حسن داعی: نویسنده و پژوهشگر

- رضا دقتی: عکاس

- مهدی ذکایی: نویسنده،

- بهرام رحمانی: نویسنده

- کیوان ربیعی: فعال حقوق بشر

- مهتاب رهبران: هنرپیشه تئاتر و سینما

- زاون: روزنامه نگار و برنامه ساز

تلویزیون

- فریدون ژورک: نویسنده - کارگردان

- کیسو شاکری: آوازه خوان - شاعر و

نویسنده و پژوهشگر

- خسرو شهریاری: کارگردان -

نمایشنامه نویس و پژوهشگر

- محمد شمس: آهنگساز و رهبر

ارکستر و نوازنده پیانو

- حمیدرضا طاهرزاده: آهنگساز و

موسیقیدان

- بهرام عالیوندی: نقاش مدرن و

صاحب سبک

- میرزا آقا عسگری: شاعر

- هوشمند عقیلی: آوازه خوان، استاد و

مدرس موسیقی سنتی و آواز

- ناصر غفرانی فر: کارگردان تئاتر

- پرویز غیثیان: آهنگساز و برنامه ساز

تلویزیون

- بهراد فردی: برنامه ساز تلویزیون

- فرهنگ فرهی: نویسنده محقق در

تاریخ و ادبیات و برنامه ساز تلویزیون

- حسین فرشید: طنزنویس

- فرشید فرشیدزاده: فیلمساز

- حسین فرجی: مفسر سیاسی و برنامه

ساز تلویزیون

- علی فلاحی: خوش نویس و نقاش

- علی فیاض: نویسنده

- پرویز قاضی سعید: نویسنده و مقاله

نویس مطبوعات

- منصور قدرخواه: کارگردان و نویسنده

- محمد قربانی: نقاش

- کریم قصیم: نویسنده و فعال محیط

زیست

- پرویز کاردان: بازیگر تئاتر، سینما و

تلویزیون

- کیوان کابلی: فعال حقوق بشر،

- زیبا کرباسی: شاعر

- رحیم کریمی: عکاس و فیلمساز

- رحمان کریمی: شاعر و نویسنده

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم